

نہدی باوران

چگونه نسل منتظر تربیت کنیم



نویسنده: زهرا فرضی

با مقدمه استاد: حجت الاسلام خدامراد سلیمیان

مہدی پاوران

چگونه نسل منتظر قریبیت کنیم

نویسنده:

زہرا فرضی

بامقدمہ استاد:

حجت الاسلام خدامراد سلیمیان

فرضی، زهرا، ۱۳۴۸ -

مهدی یاوران، چگونه نسل منتظر تربیت کنیم/نویسنده زهرا فرضی

تهران: اندیشه ظهور، ۱۳۸۸. ۱۵۲ ص.

ISBN 978-964- 6131-12-5

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - یاوران

موضوع: مهدویت - انتظار

موضوع: تربیت خانوادگی (اسلام)

موضوع: اسلام و آموزش و پرورش

رده بندی کنگره:

BP ۲۲۴/۴/ف ۳۳۶ م ۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیودی:

۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشنای ملی:

۱۹۵۵۳۵۵



اندیشه ظهور

AndisheZohorPublishing@yahoo.com

مهدی یاوران، چگونه نسل منتظر تربیت کنیم

- نویسنده: زهرا فرضی

- ناشر: اندیشه ظهور

- چاپ و صحافی: مرکز فرهنگی مطهر

- ناظر فنی و صفحه آرایی: ز- فرضی

- نوبت چاپ: اول/۱۳۸۹

- لیتوگرافی: به آفرین

- تیراژ: ۵۰۰ جلد

- قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۳۱-۱۲-۵

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۱۸۰۹۵

فهرست مطالب

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول - کتار اول: اصول تربیت در اسلام

مقدمه	۲
الف - هدف تربیت	۲
ب - ضرورت تربیت	۵
اصول تربیت اسلامی	۷
مبنای اول: تأثیرپذیری	۹
۱. تأثیر ظاهر بر باطن	۹
۲. تأثیر باطن بر ظاهر	۱۱
۳. تأثیر شرایط	۱۲
محیط غیرانسانی	۱۲
محیط انسانی	۱۳
اصل اول: اصلاح	۱۴
روش تربیتی اصلاح ظاهر	۱۴
روش تظاهر به تقوا	۱۴
روش معرفت‌بخشی و اعطای بینش	۱۶
الف - روش زمینه‌سازی	۱۸
ب - روش تغییر موقعیت	۱۹
ج - روش ارائه الگو	۲۱
مبنای دوم: تفاوت‌های فردی	۲۲
اصل عدالت در تکلیف و جزا	۲۳
الف - روش تکلیف در حدّ وسع	۲۳
ب - روش تقدّم انداز بر مجازات	۲۴
ج - روش مجازات به اندازه خطا	۲۵
مبنای سوم: کمال‌طلبی و زیبایی‌دوستی	۲۵
اصل جاذبه	۲۶

۲۶	الف- روش آراستگی ظاهری
۲۷	ب- روش جاذبه رفتاری
۲۷	۱. اغماض از خطا
۲۸	۲. پیش قدم شدن
۲۸	۳. پاداش مضاعف
۲۸	۴. بشارت
۲۹	مبنای چهارم: اندیشیدن
۲۹	اصل عقل گرایی
۳۱	الف- روش تزکیه نفس
۳۲	ب- روش شکوفایی عقل
۳۳	مبنای پنجم: محدودیت‌ها و عشق
۳۳	حرص
۳۴	شتاب
۳۵	ضعف
۳۵	عشق و دلبستگی
۳۶	الف) اصل محبت
۳۷	ب) اصل سهل گیری
۳۷	ج) اصل مسابقه
۳۸	الف- روش جاذبه و دافعه
۳۹	ب- روش مرحله‌ای نمودن و تجدید نظر در تکالیف
۴۰	ج- روش تکالیف دشوار و ایجاد مسابقه
۴۲	مبنای ششم: کرامت ذاتی
۴۳	اصل عزت و تکریم
۴۴	الف- روش معرفت نفس
۴۴	ب- روش تغافل
۴۵	مبنای هفتم: خداجویی
۴۶	اصل تذکر

۴۷	الف- روش یادآوری نعمت‌ها
۴۸	ب- روش نصیحت
۴۹	ج- روش عبرت از قصه گذشتگان
۴۹	مبنای هشتم: تدریج
۵۰	اصل مداومت و محافظت
۵۱	الف- روش بیان فرایض
۵۲	ب- روش محاسبه نفس
۵۳	مبنای نهم: رشد مرحله‌ای
۵۴	۱- دوران طفولیت
۵۴	۲- دوران جوانی (قوت)
۵۴	مرحله بلوغ
۵۵	مرحله استقرار
۵۵	مرحله تعالی
۵۶	۳- دوران پیری
۵۷	اصل تناسب
۵۸	روش تربیتی مرحله‌بندی
	فصل دوم- کتار اول: فضیلت انتظار
۶۰	فضیلت انتظار
	فصل دوم- کتار دوم: آثار انتظار
۶۸	آثار انتظار
۶۸	الف - آثار فردی انتظار
۶۸	۱- بهداشت روان و امیدواری
۶۹	۲- معرفت و بصیرت
۷۱	۳- تعالی انگیزه و هدفمندی
۷۲	۴- فهم و خردمندی
۷۳	۵- پارسایی و تقوا

۶- عبادت.....	۷۴
۷- صبر و شکیبایی.....	۷۵
۸- آمادگی.....	۷۷
الف- آمادگی جسمی.....	۷۸
ب- آمادگی دفاعی و رزمی.....	۷۹
ج- آمادگی نظامی.....	۷۹
د- آمادگی تکنولوژی و ارتباطی.....	۸۰
ه- آمادگی برای شهادت.....	۸۲
۹- تولی و تبری.....	۸۲
ب- آثار اجتماعی انتظار.....	۸۲
۱- عدالت اجتماعی.....	۸۲
۲- اقتدار.....	۸۲
الف- اقتدار فرهنگی جامعه منتظر.....	۸۲
ب- اقتدار سیاسی جامعه منتظر.....	۸۲
ج- اقتدار نظامی جامعه منتظر.....	۸۳
۳- حکومت ولایی.....	۸۳
فصل سوم- کتار اول: وظایف منتظران	
وظایف منتظران.....	۸۶
۱- معرفت و شناخت.....	۸۶
۲- امام معیار دوستی و دشمنی.....	۸۹
۳- تقوی و ورع.....	۹۰
۴- انتظار.....	۹۱
۵- صبوری.....	۹۲
۶- نشر فرهنگ مهدویت و جلب دوستی و محبت مردم به امام.....	۹۵
۷- ارتباط با امام زمان و دعا برای تعجیل فرج ایشان.....	۹۷
۸- زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی.....	۱۰۴

فصل سوم - کتاردوم: ویژگیهای منتظران

ویژگی های منتظران.....	۱۰۸
۱- امیدواری.....	۱۰۸
۲- انتخاب آگاهانه.....	۱۰۹
۳- عشق و علاقه به امام.....	۱۰۹
۴- تقوای الهی.....	۱۱۰
۵- اخلاص.....	۱۱۰
۶- ثبات قدم و شکیبایی.....	۱۱۱
۷- آرزومند فرج امام.....	۱۱۲
۸- بیداری توجه و احساس حضور.....	۱۱۳
۹- جهاد مستمر.....	۱۱۴
۱۰- شهادت طلبی.....	۱۱۴
۱۱- احساس مسئولیت، همکاری و همیاری اجتماعی.....	۱۱۶

فصل چهارم - کتار اول: تربیت نسل منتظر؛ بایسته‌ها و آسیب‌ها

بایسته‌های تربیت نسل منتظر.....	۱۱۸
۱- امیدواری.....	۱۱۸
الف- معرفت بخشی و اعطای بینش.....	۱۱۸
ب- بشارت.....	۱۱۹
ج- ارائه الگو.....	۱۱۹
د- معرفت نفس.....	۱۱۹
ه- روش جاذبه (محبت).....	۱۲۰
۲- معرفت و شناخت.....	۱۲۰
الف- معرفت بخشی و اعطای بینش.....	۱۲۰
ب- تزکیه نفس.....	۱۲۰
ج- شکوفایی عقل و کسب علم.....	۱۲۱
د- ایجاد مسابقه.....	۱۲۱

۳- تولی و تبری	۱۲۱
الف- معرفت بخشی و اعطای بینش	۱۲۲
ب- تزکیه نفس	۱۲۲
ج- ارائه الگو	۱۲۲
د- بشارت	۱۲۲
۴- تقوای الهی	۱۲۳
الف- زمینه سازی	۱۲۳
ب- تغییر موقعیت	۱۲۳
ج- تظاهر به تقوی و شعائر اسلامی	۱۲۳
د- ارائه الگو	۱۲۴
ه- بشارت	۱۲۴
و- انذار	۱۲۴
۵- عبادت	۱۲۴
الف- روش معرفت بخشی و اعطای بینش	۱۲۵
ب- روش زمینه سازی	۱۲۵
ج- روش ارائه الگو	۱۲۶
د- روش بیان فرایض	۱۲۶
ه- روش تکلیف در حد وسع	۱۲۶
و- روش یادآوری نعمت ها	۱۲۶
ز- روش نصیحت	۱۲۶
ح- روش تظاهر به عبادت و شعائر اسلامی آن	۱۲۶
ط- روش بشارت	۱۲۷
ی- روش انذار	۱۲۷
ک- روش تغافل	۱۲۷
۶- ثبات قدم و شکیبایی	۱۲۷
الف- روش معرفت بخشی و اعطای بینش	۱۲۷
ب- روش ابتلاء	۱۲۸

ج- روش جاذبه (محبت).....	۱۲۸
د- روش تزکیه نفس.....	۱۲۸
ه- روش مسابقه.....	۱۲۸
۷- آمادگی.....	۱۲۹
الف- روش شکوفایی عقل و کسب علم.....	۱۲۹
ب- روش معرفت‌بخشی و اعطای بینش.....	۱۲۹
ج- روش زمینه‌سازی.....	۱۲۹
د- روش مرحله‌بندی.....	۱۳۰
ه- روش مسابقه.....	۱۳۰
۸- جهاد مستمر.....	۱۳۰
الف- روش معرفت‌بخشی و اعطای بینش.....	۱۳۰
ب- روش ارائه الگو.....	۱۳۱
ج- روش قصه‌گویی (قصه‌های قرآنی).....	۱۳۱
د- روش بشارت.....	۱۳۱
ه- روش معرفت نفس.....	۱۳۱
۹- روحیه شهادت‌طلبی.....	۱۳۲
الف- روش تزکیه نفس.....	۱۳۲
ب- روش معرفت‌بخشی و اعطای بینش.....	۱۳۲
ج- روش ارائه الگو.....	۱۳۲
۱۰- احساس حضور، دعا برای فرج، ارتباط با امام(عج).....	۱۳۳
الف- روش معرفت‌بخشی و اعطای بینش.....	۱۳۳
ب- روش زمینه‌سازی.....	۱۳۳
ج- روش ارائه الگو.....	۱۳۴
د- روش تزکیه نفس.....	۱۳۴
ه- روش بیان فرایض.....	۱۳۴
و- روش جاذبه.....	۱۳۵
ی- روش مرحله‌بندی.....	۱۳۵

فصل چهارم - کم‌تاروم: آسیب‌های تربیتی نسل منظر

۱۳۸ آسیب‌های تربیتی نسل منتظر
۱۳۸ علل آسیب‌رسان بیرونی
۱۳۹ علل آسیب‌رسان درونی
۱۳۹ ۱- اشکال در ساختار
۱۳۹ الف- پرکنندگی و عدم تمرکز فعالیت‌های مهدوی و نداشتن متولی واحد و نظام‌مند
۱۴۰ ب- عدم وجود نظام جامع آماری و تحقیقات میدانی، در حوزه فعالیت‌های مهدوی
۱۴۰ ج- عدم وجود نظام جامع ارزیابی و نقد فعالیت‌های مهدوی که از قدرت اجرایی قانونی، برخوردار باشد
۱۴۱ ۲- اشکال در محتوا
۱۴۱ الف- نوپا بودن گستردگی مباحث مهدویت
۱۴۱ ب- عدم هماهنگی آموزه‌های مهدویت، با مراحل رشد
۱۴۲ ج- بی‌توجهی به معرفت‌بخش بودن معارف و آموزه‌های مهدویت
۱۴۲ د- طرح مباحث غیر ضروری
۱۴۲ ه- اختصاص بخش اعظم مباحث مهدوی، به بعد احساس و عاطفه
۱۴۲ و- درشت‌نمایی برخی روایات و اماکن منسوب به حضرت
۱۴۳ ۳- اشکال در روش
۱۴۳ الف- روش‌مند نبودن فعالیت‌های مهدوی
۱۴۳ ب- عدم استفاده از شیوه‌های جذاب هنری
۱۴۳ ج- عدم استفاده از روشهای درونی کردن و نهادینه‌سازی
۱۴۳ د- عدم تناسب روش با مراحل رشد
۱۴۴ ه- دیر هنگام بودن آغاز فعالیت‌های مهدوی و نپرداختن به آن از خردسالی
۱۴۴ آسیب‌های تربیتی نسل منتظر
۱۴۴ ۱- فقدان شناخت عمیق و بینش کافی در باورهای مهدویت
۱۴۴ ۲- وجود برداشت‌های انحرافی و اعتقادات خرافی
۱۴۵ ۳- احساس محوری و ضعف مبانی فکری و عقلی
۱۴۵ ۴- کثرت مشتاقان بی‌عمل
۱۴۵ ۵- ملاقات‌گرایی، مریدپروری و جولان مدعیان دروغین
۱۴۵ ۶- تطبیق نشانه‌های ظهور
۱۴۷ فهرست منابع

پیشگفتار

بی‌گمان پدران و مادران امروز، همان پسران و دختران دیروزند، آنگونه که دختران و پسران امروز مادران و پدران فردايند. و این تکرار تا پایان زندگی ادامه خواهد داشت، آن‌گونه که از آغاز وجود داشته است. اینان همه، امیدها و آرزوی‌هایی همگون و ناهمگون دارند.

از جمله آرزوی‌های همه پدرها و مادرها داشتن فرزندان صالح است تا پس از آنان نامی نیک از آنان به جای ماند و نیک‌نامی.

اگرچه همه ادیان به نوعی انسان‌ها را برای رسیدن به این آرزوی مشترک و ارزشمند با آموزه‌های خود یاری می‌کنند اما دین اسلام به دلیل جامعیت خود بهترین روش‌ها را برای تربیت انسان‌های شایسته در اختیار پیروان خود قرار داده است. و در این میان پیروان مکتب اهل بیت(ع) بدان جهت که زلال معرفت و تربیت را از سرچشمه‌ای پاکیزه بر می‌گیرند در این میدان گوی سبقت ربوده‌اند.

شاگردان راستین مدرسه اهل بیت(ع) همواره جزو ممتازین همه عصرها بوده‌اند، به گواه تاریخ.

و اینک این شاگردی آدابی ویژه یافته است چه با غیبت آخرین نور هدایت، کلاس درس اگر چه سخت‌تر شده، اما جایگاهی ویژه به دست آورده و آن هم با درسی به نام امید به آینده برتر و انتظار فرج.

شکی نیست که شادابی، پویایی، تحرک و نشاط انسان - در زندگی فردی و اجتماعی - در گرو نعمت «امید» و «انتظار» است. انتظار و امید به آینده ای بهتر، روشن‌تر و رشدآفرین است؛ که در آن به تمام نیازهای روحی و جسمی او به طور کامل پاسخ داده شود. به گونه‌ای که اگر امید از میان رود، زندگی بی روح، بی معنا و

بی لذت خواهد بود. آری این انتظارِ آینده تابناک است که به زندگی روح و معنا بخشیده، آن را لذت بخش و زیبا می کند.

پس بر تربیت‌گران نسل‌های پیش روست که در این درس ماندگار با شناخت آداب تربیت بر مدار مهم‌ترین آموزه دوران، یعنی انتظار، کلاسی پرشور برپا کنند تا در آینده‌ای نه چندان دور شاهد تحقق حکومت شایستگان باشند.

و اینک آنچه پیش‌روی شما خواننده گرامی است، قدمی است در پیمودن این راه، باشد تا مقبول طبع لطیفتان قرار گیرد.

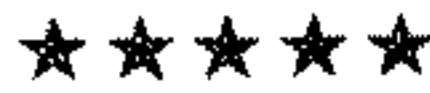
ان شاء...!

خدایم را سلیمیان

فصل اول :

گفتار اول

اصول تربیت در اسلام



مقدمه

قبل از ورود به بحث اصول تربیت اسلامی، لازم است، به بیان هدف و ضرورت تربیت، پردازیم:

الف- هدف تربیت:

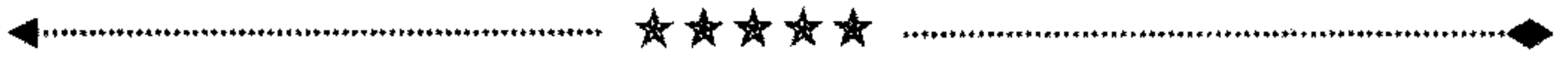
در تعلیم و تربیت اسلامی، هدف، به دو دسته؛ اهداف مقدماتی و اهداف نهایی و غایی، تقسیم می‌شود. اهداف مقدماتی، هدف‌هایی هستند، که زمینه‌ساز دستیابی انسان، به اهداف غایی و نهایی است. و هدف غایی، کمال نهایی انسان و رسیدن به هدف خلقت انسان و قرب و لقاء الله است.

اهداف مقدماتی را نیز می‌توان، به سه دسته اهداف، تقسیم نمود:

۱- اهداف مقدماتی عالی ۲- اهداف مقدماتی متوسط ۳- اهداف مقدماتی دانی
ملاک شناخت و امتیاز آنها از هم وجود انسان است، که ترکیبی از جسم و روح است. آنچه فقط به بعد روحی و معنوی انسان، ارتباط دارد، و در جهت رشد و اصلاح روح و حیات معنوی است، از اهداف عالی «مقدماتی» محسوب می‌شود و آنچه صرفاً در ارتباط با جنبه مادی و مصالح جسم و تقویت حیات مادی انسان است، از اهداف دانی، به شمار می‌رود. و آنچه به هر دو بعد روحی و جسمی، ارتباط دارد، از اهداف متوسط می‌باشد.

به طور مثال، شناخت دین، شناخت انسان و ارزش‌های اخلاقی، عبادت، ایمان به پیامبران، اعتقاد به امامت و ولایت، ایمان به غیب و آخرت، انتظار فرج و... از اهداف مقدماتی عالی است.

عدالت اجتماعی، تعدیل غرایز، رفع نیازهای اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، تشکیل خانواده، صلح رحم،... از اهداف مقدماتی متوسط، محسوب می‌شود.



تحصیل و تعلیم علوم طبیعی، کوشش در بهداشت بدن و نظافت، کوشش در بهبود زندگی و توسعه امکانات و نعمت‌های مادی، کسب و کار و تجارت، رشد تولیدات صنعتی و کشاورزی... از مصادیق اهداف مقدماتی دانی است. دانی بودن این اهداف، به این معناست؛ که نسبت به هدفهای عالی و متوسط، در مرتبه پایین‌تری، قرار دارد.

باید توجه داشت؛ اهداف مقدماتی از مطلوبیت ذاتی، برخوردار نبوده و مقدمه و وسیله‌ای، برای رسیدن به اهداف نهایی و غایی می‌باشند.^۱

بدون شک، آفریننده هر چیزی بیش از همه، به هدف آفرینش و کمال آن آگاه است. خداوند متعال، اهداف غایی و نهایی خلقت انسان را با واژه‌های رشد^۲، طهارت^۳، حیات طیبه^۴، هدایت^۵، عبادت، تقوی^۶، قرب^۷، رضوان^۸، اقامه قسط^۹، فلاح^{۱۰}، تفکر و تعقل^{۱۱} و تزکیه و تهذیب^{۱۲} بیان می‌کند.

^۱ - محمد رضا امین‌زاده، فرهنگ و تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ اول، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۶.

۲ - بقره/۱۸۶.

۳ - مائده/۶.

۴ - نحل/۹۷.

۵ - فتح/۲۰.

۶ - بقره/۱۸۷.

۷ - کهف/۲۴.

۸ - حدید/۲۷.

۹ - حدید/۲۵.

۱۰ - اعراف/۶۹.

۱۱ - بقره/۲۴۲.



در حقیقت، هدف غایی تربیت و خلقت انسان، عبادت و عبودیت است. زیرا حقیقت عبادت، عبودیت است؛ چرا که شیطان شش هزار سال، عبادت نمود، ولی عبد نشده، به مقام عبودیت، نائل نشد.

عبودیت، آن است که انسان، از روی اختیار و آگاهی، خود را در جایگاه مملوکیت و مربوبیت در مقابل خدا، قرار داده، ملک و مدبری غیر از خدا نپذیرد. بنابراین با نیل به این هدف غایی، سایر اهداف نهایی خلقت انسان، مانند رشد، طهارت و حیات طیبه و... همه حاصل می‌شود. از این روست که خداوند می‌فرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱ و جن و انس را نیافریدیم مگر

برای اینکه مرا بندگی کنند.^۲

از آنجا که انسان، دارای ابعاد وجودی متعدد و مختلفی است، تربیت او نیز باید شامل همه ابعاد وجودی او شود.

از دیدگاه امام خمینی (ره)، تربیت انسان چند بعدی است... بعد جسمی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی، بعد فرهنگی، بعد ارتشی (نظامی)...^۳

در حقیقت، تربیت، ایجاد رشد هماهنگ در همه ابعاد وجودی انسان است.

۱ - ذاریات/۵۶.

۲ - تلخیص از کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی دکتر خسرو باقری.

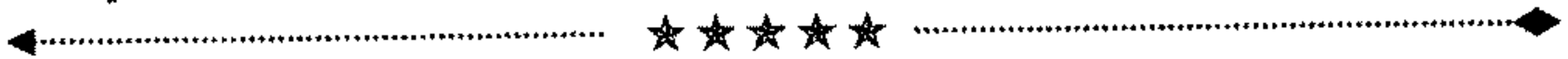
۳ - کاظم امامی، نشریه پیوند، شماره ۲۴۲.

ب- ضرورت تربیت:

همانطور که انسان دارای امیال غریزی و حیوانی است، دارای دسته دیگری از خواسته‌ها و کشش‌ها و تمایلاتی است، که با منطق حاکم بر غرایز، قابل توجیه نیست. این قبیل فعالیت‌ها که مختص انسان است و هرگز در عالم حیوانات، یافت نمی‌شود، اموری ماوراء حیوانی بوده، چنان که انسانیت انسان، در گرو آن است و در تمام اعصار و قرون به عنوان اموری مقدس و قابل احترام و درخور ستایش بوده و اگرچه بنا به عللی شدت و ضعف داشته است، ولی از آنجا که ریشه در نهاد و خمیر انسان دارد، بطور کلی از بین نرفته است.

فصل ممیز انسان و حیوان، همان گرایش‌های عالی است و تنها از این دسته تمایلات، به فطرت انسان، تعبیر می‌شود. تمام تمایلات و گرایش‌های عالی در بدو تولد حالت بالقوه دارد و باید به تدریج با رشد آگاهی‌های انسان، به صورت انتخابی و آگاهانه همراه با تربیت صحیح، شکوفا شده، به فعلیت برسد.

بنابر این، انسان، بر خلاف جماد و نبات و حیوان، شخص و شخصیتی دارد. شخص انسان، مجموعه اندام‌ها و اعضای بدنی اوست، که مانند سایر حیوانات در بدو تولد، به صورت بالفعل تحقق دارد. ولی شخصیت انسانی او، موجودی است بالقوه. پس انسان، از نظر روحی و معنوی، یک مرحله از مرحله بدنی، عقب‌تر است. انسان در آغاز تولد، استعداد حرکت، به سوی یک سلسله ارزش‌ها و کمالات را دارا بوده و نیروی درونی، او را به آن سو، سوق می‌دهد. چنانچه، مساعدت عوامل بیرونی، به آن میل درونی، اضافه شود، به فعلیتی که شایسته اوست، یعنی انسانیت



می‌رسد، ولی اگر در اثر جبر عوامل بیرونی غیر آن فعلیت شایسته، به او تحمل شود، به یک موجود مسخ شده، تبدیل خواهد شد.

زمانی که انسان، را با عنوان «انسان»، مورد خطاب قرار می‌دهیم، بر خصوصیات انسانی او، یعنی استعدادها و کمالات فعلیت یافته او تأکید داریم. بنابراین در صورت فقدان آنها شایسته چنین خطابی نخواهد بود. پس انسان، تنها موجودی است، که میان خود و ماهیتش یا میان شخص و شخصیتش و به عبارت دیگر، میان انسان و انسانیتش جدایی و فاصله است. چه بسا، انسانها که هرگز به انسانیت نرسیدند و در مرحله حیوانیت، باقی ماندند، مثل برخی انسانهای بدوی و وحشی و چه بسا، انسانهای مسخ شده‌ای که به مرحله پائین‌تر از حیوانات اهلی، که ضروری برای دیگران ندارند، سقوط کرده و به ضد انسان، تبدیل شدند. مانند انسانها متمدن‌نمای فاسد که به نام آزادی، اخلاق و انسانیت را نابود می‌کنند.

بنابر این، ضرورت نیاز انسان، به تربیت، همان انسانیت اوست. و بدون تعلیم و تربیت صحیح و مستمر، انسان شدن و انسان ماندن، میسر نخواهد بود.^۱

پس از بیان ضرورت تربیت، به بیان اصولی که تربیت اسلامی، بر آن تکیه دارد، می‌پردازیم.

۱ - تلخیص از مقاله محمدرضا شیرازی، نشریه جمهوری اسلامی، شماره ۲۴، ۷۹/۷/۲۸.

اصول تربیت اسلامی:

اصول تربیت، در حقیقت، همان اهداف تربیت و دستورالعمل‌های کلی است، که از یک سو به مبانی نظری تربیت برگرفته از ویژگی‌های انسان تکیه دارد و از سوی دیگر، منشأ دستیابی دستورالعمل‌های جزئی یا روش‌های تربیت است. توجه و دقت در اصول و مبانی و روش‌های تربیت، ضرورت دارد، چرا که خداوند متعال می‌فرماید:

«لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا النِّيَّاتِ مِنْ فُلُوحِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ أَتَى وَ

أَتَى النِّيَّاتِ مِنْ أَبْوَابِهَا...»^۱ «نیکوکاری، بدان نیست، که از پشت دیوار، به خانه درآیید» چه این کار، ناشایسته است، نیکي آن است که پارسا باشید و در هر کاری، از راه آن، داخل شوید».

در تفسیر آیه فوق، امام محمد باقر(ع)، فرمودند: «اوتو البيوت من ابوابها».

یعنی؛ «باید هر کاری، را از راه خودش، انجام داد».^۲

در اهمیت توجه به روش، امام صادق(ع) می‌فرماید:

«العامل على غير بصيرة كالسائر على غير طريق فلا تزيد سرعة

السَّيْرِ إِلَّا بَعْدًا»^۱ «عمل‌کننده بی‌بصیرت، به رهنوردی ماند که بیراهه رود، سرعت

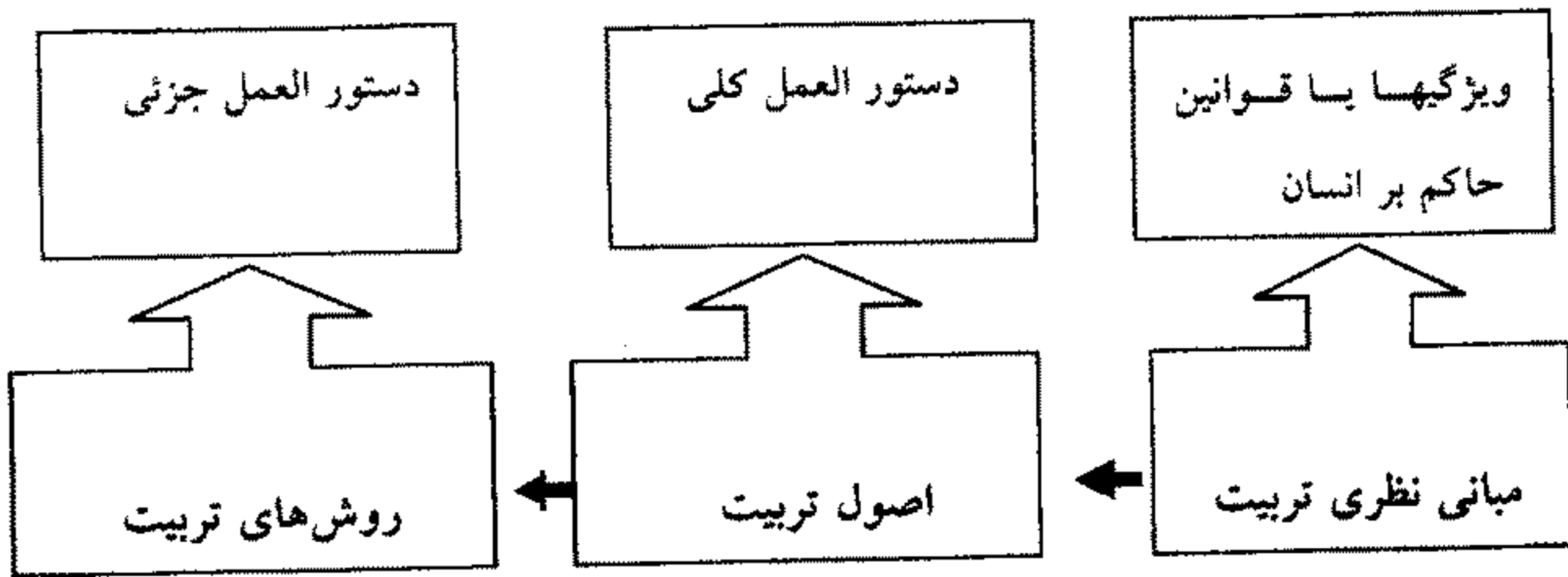
حرکت، او را، به هدف نمی‌رساند، جز آن که، دورش می‌کند».

۱ - بقره/۱۸۹.

۲ - محمدتقی مصباح یزدی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، چاپ دوم، بی‌جا، انتشارات دارالعلم، ۱۳۴۶

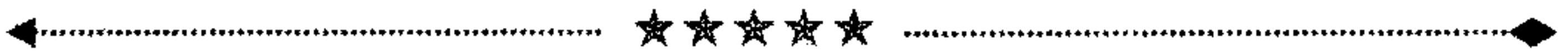
هر رشته از علوم، روش خاص به خود دارد، که با بکارگیری آن هدف آن علم، محقق می‌شود. تعلیم و تربیت هم دارای روش‌های خاصی است، که بدون توجه به آن، رسیدن به هدف، تربیت ممکن نیست.

بر اساس آنچه بیان شد رابطه اصول، مبانی و روش‌های تربیت، به شکل زیر قابل ترسیم است.



بنابراین، برای بیان اصول تربیت، ابتدا باید مبانی نظری یا ویژگی‌های عمومی انسان، بیان شود. و سپس اصول یا دستورالعمل‌های کلی که به این مبانی تکیه دارد، ذکر شده و پس از آن، دستورالعمل‌های جزئی یا رفتاری از آن استخراج گردد. با رعایت این مراحل خواهیم توانست به شکل کارکردی روش‌های قابل اجرای تربیتی را بیان کنیم.

۱ - ابن شعبه الحرانی، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، چاپ دوم، بی‌جا، نشر اسلامی جامعه مدرسین،



مبنای اول: تأثیرپذیری

انسان، موجودی تأثیرپذیر است. بدون وجود این ویژگی، تربیت، ممکن نبوده، تمام روش‌های تربیتی، با شکست، مواجه خواهند شد.

تأثیرپذیری انسان، به سه بخش، تقسیم می‌شود:

۱. تأثیر ظاهر بر باطن

۲. تأثیر باطن بر ظاهر

۳. تأثیر شرایط

شرایط شامل «محیط پیرامون» و «دوست و هم‌نشین» می‌باشد.

۱. تأثیر ظاهر بر باطن:

بدون شک ظاهر انسان بر باطن او، اثر می‌گذارد. از این رو، امام خمینی (ره)، اولین مرحله سلوک را تظاهر به تقوا و آراستن ظاهر می‌داند.^۱ خداوند متعال در آیات بسیاری، لزوم اصلاح ظاهر و تأثیر آن، بر باطن را بیان می‌کند.

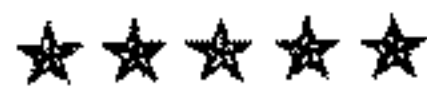
« قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... »^۲ «به مردان

مؤمن بگو! چشم‌ها را از نگاه ناروا و فروج و اندامشان را از کار زشت، محفوظ دارند.»

در آیه حجاب، نیز به پوشش ظاهری، سفارش شده است:

۱ - ر.ک. اربعین حدیث امام خمینی (ره)، حدیث اول.

۲ - نور/۳۰.



«وَلْيَضْرِبْنَ بِخُفْرِهِنَّ عَلَىٰ خُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...»^۱ «و باید، سینه و

بر و دوش خود را به مقنعه پوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند...».

در قرآن کریم، موارد متعددی به چشم می خورد، که خداوند متعال، اصلاح و

تغییر ظاهر را مورد تأکید، قرار داده است. به چند مورد، اشاره می شود:

۱. مانند روزگار قدیم، با آرایش، ظاهر نشوید: «...وَلَا تَبْرُجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ

الْأُولَى...»^۲

۲. با ناز، سخن نگویند، تا آنکه در دلش، بیماری است، طمع ورزد و به متعارف،

سخن گویند:

«...فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَغَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا

مَعْرُوفًا»^۳

۳. به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان، بگو! پوشش های خود را، بر خود،

بپوشند. این برای آن که شناخته شوند و مورد تعرض، قرار نگیرند، نزدیکتر است:

«...قُلْ يَا زَوَاجِرَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ

جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ...»^۴

۴. جامهات را پاکیزه دار: «و ثيابك فمطهر»^۵

۱ - نور/۳۱.

۲ - احزاب/۳۳.

۳ - احزاب/۳۲.

۴ - احزاب/۵۹.

۵ - مدثر/۴.



۵. روزه بر شما مقرر شد، چنان که بر امت‌های گذشته، مقرر شده بود، باشد که پرهیزکار شوید:

«...كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱

۲. تأثیر باطن بر ظاهر:

باطن انسان، نیز همواره، منفعل نبوده و هر تغییری که در باطن، رخ می‌دهد، در ظاهر، نمودار می‌شود. به مواردی از تأثیر باطن، بر ظاهر، اشاره می‌شود:

۱. خداوند، چشم اشکبار مؤمن را گواه دل معرفت‌یافته او می‌داند:

«وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّفْعِ مِمَّا

عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ»^۲

۲. خداوند، دلهای مریض کفار را، عامل طعنه زدن، می‌داند.

«... وَ لَيَقُولُنَّ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكَافِرُونَ مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا

فِتْنًا...»^۳

۳. خداوند، مرض دل را عامل طمع‌ورزی به زنان نامحرم، می‌داند:

«...فَتِيْلَمَّعِ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ...»^۴

۱ - بقره/۱۸۳.

۲ - مائده/۸۳.

۳ - مدثر/۳۱.

۴ - احزاب/۳۳.

۳. تأثیر شرایط:

بدون شک، محیط زندگی و اطرافیان، نیز بر تربیت، مؤثر می‌باشند. و اصلاح شرایط، یکی از راه‌های تربیت صحیح است. به مواردی از روایات اسلامی که به این امر اشاره می‌کند، بسنده می‌کنیم:

۱. رسول اکرم (ص) فرمود:

«كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونَ ابْوَاهُ يَهُودَانِيَةً وَنَصْرَانِيَةً»^۱ «هر

مولودی، با فطرت مذهبی و معرفت الهی، متولد می‌شود، تا این که پدر و مادر، او را یهودی و نصرانی، بار می‌آورند.»

۲. حضرت علی (ع)، قلب بچه را مانند زمین خالی می‌داند، که هر تخمی، در آن،

افشانده شود، می‌پذیرد و می‌پروراند:

«وَأَمَّا قَلْبُ الْوَلَدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ. مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ»

«فَبَادِرْتِكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُقَ قَلْبُكَ وَيَشْتَغِلَ نَبْكَ»^۲.

عوامل محیطی را می‌توان، به عوامل انسانی و غیرانسانی، تقسیم نمود.

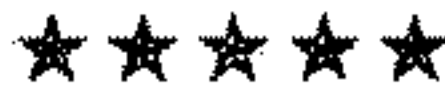
محیط غیرانسانی

به همه عوامل غیرانسانی، که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در امر تربیت، مؤثرند

مانند: وسایل ارتباط جمعی مثل رادیو، تلویزیون، سینما، اینترنت، ماهواره و.. و

۱ - علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، چاپ دوم، بیروت، نشر موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۲ - سید بن طاووس، کشف المحجّة ثمره المهجّة، نجف، نشر الحیدریه فی النجف، بی تا.



کتاب، روزنامه، مجله و آداب و سنن و شعائر جامعه - و قوانین و مقررات حاکم بر جامعه، گفته می‌شود.

محیط انسانی

منظور، همه افرادی هستند، که در تربیت فرد، مؤثرند. شامل؛ اعضای خانواده (پدر، مادر،...)، مربیان، مدیران و رهبران جامعه و دوستان. انتخاب دوست و رفیق عاقل و با ایمان در تربیت فرد، بسیار مؤثر است، و انتخاب دوست پلید، موجب پشیمانی است.

« **يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا** »^۱ «وای بر من. ای کاش! فلانی را

دوست، نگرفته بودم».

حضرت علی (ع)، ما را از رفاقت، با کسی که، فکرش، خطا و اعمالش، ناپسند است، برحذر می‌دارد:

« **وَأَخْذِرْ مَصْحَابَهُ فَمَنْ يَفِيْلُنْ رَايَهُ وَ يَنْتَظِرْ عَقْلَهُ فَاِنَّ الْمَصْحَابِ مَعْتَبِرٌ**

لِمَصْحَابِهِ »^۲ «پرهیز از مصاحبت کسی که، رأیش ضعیف و عملش، زشت است.

همانا اعتبار انسان با دوستش، معلوم می‌شود».

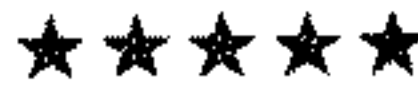
رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

« **المرءُ على دين خليله و قرينه** »^۳ «انسان، به دین دوستش و هم‌نشینش است»

۱ - فرقان/۲۸.

۲ - علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳.

۳ - همان، ج ۷۱.



و باز می‌فرماید:

«**اسعد الناس من خالط كرام الناس**»^۱ «سعادتمندترین مردم، کسی

است که، با مردمی بزرگوار، معاشرت و مخالطت، داشته باشد».

پس از تبیین تأثیرپذیری انسان، به عنوان یک ویژگی عمومی، به بیان دستورالعمل

کلی تربیتی متناسب با این ویژگی، می‌پردازیم:

اصل اول: اصلاح

با توجه به این که تأثیرپذیری انسان، در سه بخش، بیان گردید، تغییر و تحول و

اصلاح نیز باید در همان سه بخش، ایجاد گردد.

۱. اصلاح ظاهر

۲. اصلاح باطن

۳. اصلاح شرایط

دستورالعمل جزئی یا روش‌های تربیت اصل اول به بیان زیر است:

روش تربیتی اصلاح ظاهر:

روش تظاهر به تقوا:

در این روش، که آراستن ظاهر، متناسب با الگوی تقواست باید سعی شود آنچه

در پوشش ظاهری، گفتار و رفتار و منش فرد با تقوی مورد انتظار است رعایت شود.

زیرا آنچه از ظاهر انسان سر می‌زند، بر باطن او نیز اثر می‌گذارد.

۱ - شهید اول، الاربعون حدیثاً، قم، نشر مدرسه امام المهدی (ع)، ۱۴۰۲ ه.ق.



حضرت علی (ع) فرمود:

«إِنْ لَمْ يَكُنْ حَلِيمًا فَتَحْتَمُ فَاتَهُ قَلْبٌ مِنْ تَشْبِهِ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْ شَكَّ أَنْ يَكُونَ

مِنْهُمْ»^۱ «اگر بردبار نیستی، خود را بردبار جلوه ده، همانا اندک پیش می آید کسی خود را به گروهی شبیه سازد و از آنان نشود».

نکته ظریفی که در این روش، باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که روش تظاهر به تقوی با هدف اصلاح خود و تأثیرپذیری و تلقین به نفس، انجام گردد، نه جلب توجه دیگران. زیرا در این صورت ریا و نفاق را در پی خواهد داشت. این روش، که بر ظاهر الصلاح بودن، تکیه دارد، انسان را از انجام اعمال و رفتاری که شبیه اعمال و رفتار گمراهان است، باز می دارد، و به اصلاح ظاهر، تکیه دارد.

«وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا...»^۲ «با تکبر بر روی زمین، راه نرو...».

در جای دیگر، می فرماید:

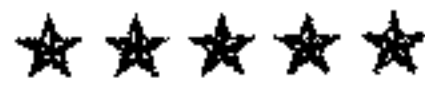
«وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا...»^۳ «بندگان خدا، کسانی

هستند، که روی زمین، با تواضع گام برمی دارند».

۱ - شیخ محمد عبده، نهج البلاغه امام علی (ع)، ج ۴، بیروت، نشر دارالمعرفة بیروت، بی تا.

۲ - اسراء/۳۷.

۳ - فرقان/۶۳.



یکی از اصول تربیتی، لزوم تحول باطن است؛ چرا که با اصلاح و تغییر ظاهر، بدون تحول درونی، تربیت حاصل نشده است و باید هر دو را از آلودگی، پاک نمود.

«**و ذرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَ بَاطِنَهُ**»^۱ «گناه آشکار و پنهان، هر دو را رها کنید».

برای دگرگونی و اصلاح باطن، می‌توان از روش زیر، استفاده نمود.
روش تربیتی اصلاح باطن عبارتست از:

روش معرفت‌بخشی و اعطای بینش:

چنانکه شناختن و پرهیز از کردارهای ناپسند در جهت اصلاح ظاهر، ضروری به نظر می‌رسد، شناختن چیزهایی که با دل کسب شده و خداوند از آنها نهی نموده است، ضروری‌تر است.

گناهان و بیماری‌های قلبی شامل کفر، نفاق، ریا، بغض و... می‌باشد. و خداوند متعال در قرآن کریم، می‌فرماید:

«... **و لَٰكِن يُّؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبْتُمْ لَأَن تَتَّقُوا...**»^۲ «و خداوند از آنچه دل‌هایتان

کسب کرده، بازخواست خواهد نمود».

بنابر این، باید در صدد تحول و اصلاح باطن و کسب ایمان، کوشش نمود. برای این منظور، بهترین روش، معرفت‌بخشی و اعطای بینش است، که در قرآن کریم، مورد تصریح، قرار گرفته است:

۱ - انعام/۱۲۰.

۲ - بقره/۲۲۵.



«قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْهَدُونَ أَمْ لَكُمْ أَعْيُنٌ لَا تَبْصُرُ وَلِئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الْبَاطِنَ أَسْرَبُوا مِنْكُمْ أَمْ لَكُمْ أُذُنٌ حُلَاهُ السَّمْعُ لَكُمُ الْغُرُوبُ وَكُلٌّ فِيهَا صَافِرُونَ»

«به راستی، بینش‌هایی از نزد پروردگار شما، برایتان آمده است، پس هر که در پرتو آن، بینا شود، به سود خود چنین کرده و هر که کوری ورزد، به زیان خود عمل کرده است...».

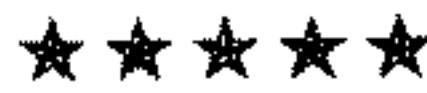
در قرآن کریم خداوند متعال، اولین مربی انسان، روش اعطای بینش و معرفت بخشی را به کار برده است.

مهم‌ترین بینش‌هایی که در قرآن مطرح گردیده شامل موارد زیر است.

- بینش در مورد خداوند متعال
- بینش در مورد حیات پس از مرگ
- بینش در مورد دنیا
- بینش در مورد حقیقت انسان
- بینش در مورد خلقت هستی و نظام آن

مربیان تربیتی نیز برای اصلاح و تحول باطنی، باید از روش اعطای بینش و معرفت، استفاده نمایند.

با دستیابی به جهان‌بینی صحیح می‌توان به ایدئولوژی سالم و بی‌نقص رسید. بنابراین، روش اعطای بینش نقش مهم و اساسی در بین روش‌های تربیتی بر عهده داشته، جهان‌بینی اسلام را عرضه می‌کند و ایمان قلبی را در پی دارد.



اصل اصلاح شرایط، بیانگر این مطلب است که؛ برای زدودن خیلی از حالات و رفتارهای نامطلوب و یا ایجاد حالات و رفتار مطلوب در انسان، باید به دستکاری و تغییر و اصلاح شرایط محیطی پرداخت. روش‌های تربیتی اصل اصلاح شرایط عبارت است از:

الف- روش زمینه‌سازی:

در این روش، مربی باید دوراندیشی داشته، با پیش‌بینی موقعیت‌هایی که در آینده متربی، در آن قرار خواهد گرفت، به فراهم نمودن زمینه مناسب، برای به دست آوردن نتیجه مورد انتظار و مطلوب تربیتی، اقدام نماید.

آیاتی که در قسمت تأثیر ظاهر بر باطن مورد توجه قرار گرفت، اغلب ناظر به روش زمینه‌سازی نیز می‌باشد.

نمونه‌هایی از زمینه‌سازی تربیت که در روایات اسلامی، مورد توجه قرار گرفته است، شامل موارد زیر است:

- انتخاب همسر شایسته
- دقت در شرایط تشکیل نطفه
- دقت در تغذیه مادر در دوران بارداری
- رعایت موازین شرعی و زمینه‌های معنوی ارتباط با خدا، در هنگام شیردهی
- انتخاب نام نیکو



ب- روش تغییر موقعیت

پس از قرار گرفتن در موقعیت نامناسب، که امکان اصلاح شرایط بدون تغییر موقعیت زمانی یا مکانی، وجود ندارد، روش تربیتی «تغییر موقعیت» است. خداوند متعال، در قرآن کریم، به این روش تصریح نموده است:

«قَالُوا لَنْ نَمُوتَ أَبَدًا وَاسِعَةٌ فَتَهَا جَزُوا فِيهَا»^۱

«گویند: مگر زمین خدا واسع و فراخ نبود که در آن هجرت کنید؟»

در جای دیگر می فرماید:

«يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِنِّي فَاعْبُدُون»^۲ «ای بندگان

من، که ایمان آورده اید! همانا زمین من، وسیع است، پس تنها مرا پرستید. «و تسلیم فشار محیط نباشید.

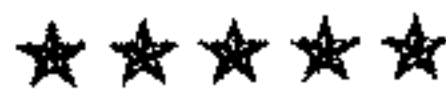
وجوه مختلف روش تغییر موقعیت، شامل موقعیت زمانی، مکانی و اجتماعی می باشد. درباره موقعیت زمانی، در آیات و روایات اسلامی، به اوقات و زمانهای استجاب دعا، اشاره شده است:

«و بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»^۳ «و آنها در سحرگاهان، استغفار می کنند».

۱ - نساء/۹۷.

۲ - عنکبوت/۵۶.

۳ - ذاریات/۱۸.



در جای دیگر می فرماید:

« **لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ** ^۱ » «شب قدر، از هزار ماه، بهتر است».

شب قدر، در اسلام، اهمیت ویژه‌ای دارد، که عبادت و شب‌زنده‌داری در آن، تأکید شده است.

موقعیت مکانی، نیز متفاوت بوده، بعضی مکان‌ها به دلیل مقارنت با وقایع مهم از اهمیت خاصی برخوردارند، همچنان که مکان‌هایی بر پایه پرهیزگاری بنا شده است:

«... **لَفَسَّحْذُ أُسْنِ عَلِيٍّ عَلَى التَّقْوَى**...» ^۲ «...همانا مسجد، بر پایه پرهیزگاری بنا

شده است...».

در آیات متعددی خداوند، به اهمیت حج و اعمال و مناسک آن، پرداخته است. چرا که خانه کعبه، مکان مقدسی بوده، محل الهامات روحی خاص، می‌باشد. امام صادق (ع)، می‌فرماید:

« **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَوْلَ الْكَعْبَةِ عَشْرِينَ وَ مِائَةَ رَحْمَةٍ مِنْهَا**

سِتُونَ لِمَنْفَعَةٍ وَ أَرْبَعُونَ لِلْمَمْلُوكِينَ وَ عَشْرُونَ لِلنَّاطِلِينَ ^۳ » «خداوند تبارک و

تعالی، صد و بیست موج از رحمت خود را به سوی کعبه گسیل می‌دارد: شصت موج آن ویژه طواف‌کنندگان، چهل موج ویژه نمازگزاران، و بیست موج، ویژه کسانی است که دیده به کعبه بدوزند».

۱ - قدر/۳.

۲ - توبه/۱۰۸.

۳ - سید علی القبانچی، شرح رساله الحقوق امام زین العابدین، قم، نشر موسسه اسماعیلیان، ۱۰۴۶ ه.ق.



در مورد موقعیت اجتماعی نیز اهمیت زیادی در شیوه‌های تربیتی اسلام، به آن داده شده است.

تغییر موقعیت اجتماعی، که در رأس آن، تشکیل حکومت اسلامی است، توصیه شده است. اصلاح مفاسد اجتماعی از طریق امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یک واجب دینی، تأکید شده است.

بهترین نمونه تغییر موقعیت اجتماعی، در قیام سالار شهیدان، امام حسین (ع)، دیده می‌شود.

انقلاب اسلامی ایران، نیز با اقتدا به قیام کربلا، نمونه موفقی از تغییر موقعیت اجتماعی است.

ج- روش ارائه الگو:

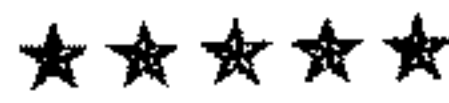
سومین روش تربیتی که بر اساس اصل اصلاح شرایط و مبنای تأثیرپذیری انسان، ارائه می‌شود، روش نشان دادن الگو و اسوه‌سازی است.

خداوند متعال، در قرآن کریم، از این روش، استفاده می‌کند:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱ «همانا در وجود رسول

خدا (ص)، برای شما اسوه نیکویی است».

چنانچه مربی، بتواند الگوی مناسبی را معرفی کرده، بشناساند و مربی نیز آن الگو را به عنوان اسوه و مقتدا بپذیرد، در حقیقت الگوی شناخته شده، میزان و معیاری



برای انتخاب دوست و هم‌نشین او، خواهد بود و او را از حسرت و پشیمانی ابدی، نجات می‌دهد:

« **يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا** ^۱ » ای وای بر من، ای کاش! فلانی را

دوست نگرفته بودم».

مربی نیز باید خود، به پیروی عملی از الگوی ارائه شده، اهتمام ورزد.

مبنای دوم: تفاوت‌های فردی

شناخت این ویژگی، در انسان، یعنی وجود تفاوت‌های فردی در افراد بشر، مبنای نظری مهمی، برای دستیابی به اصول و روش‌های تربیتی مناسب است. خداوند متعال، در قرآن کریم، به تفاوت‌های فردی اشاره می‌کند:

« **مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا * وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا** ^۲ » چرا در برابر خدائی

که شما را گوناگون و مختلف آفریده، تعظیم نمی‌کنید؟»

شکی نیست، که وجود تفاوت‌های فردی، ناشی از حکمت الهی است. زیرا این تفاوتها، انسان و جامعه را به سوی تکامل، سوق می‌دهد.

حضرت علی (ع)، فرمود:

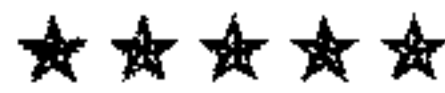
« **لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاوَتُوا فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا** ^۳ » «خیر مردم، در

تفاوت آنهاست و اگر همه مساوی باشند، هلاک می‌شوند».

۱ - فرقان/۲۸.

۲ - نوح/۱۳ و ۱۴.

۳ - علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴.



اصلی کلی مربوط به مبنای فوق عبارتست از:

اصل عدالت در تکلیف و جزا

بر پایه تفاوت‌های فردی، روش‌های تربیتی باید با اصل عدالت در تکلیف و جزا پی‌ریزی شود، بدون در نظر گرفتن توانایی‌ها و طاقت‌های متفاوت افراد بشر، هدایت او به سوی نیکوکاری ممکن نیست.

رسول اکرم (ص)، فرمود: خدا رحمت کند، کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خود کمک کند. راوی پرسید: چگونه فرزند خود را در نیکی یاری نماید؟ حضرت فرمود:

«يَقْبَلُ مِيسُورَةً، وَ يَتَجَاوَزُ عَنِ مَعْسُورَةٍ وَلَا يَرْهَقُهُ وَلَا يَخْرِقُ بِهِ»^۱

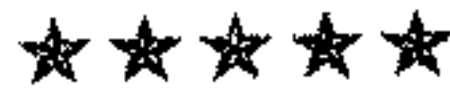
آنچه را کودک، مطابق توانش انجام داده، بپذیرد. بیش از طاقت کودک از او نخواهد و از آن بگذرد. او را به طغیان وادار نکند، به او دروغ نگفته و مرتکب اعمال احمقانه در برابر او نشود.

روش تربیتی اصلی عدالت در تکلیف و جزا عبارتند از:

الف- روش تکلیف در مدّ و سجع

خداوند متعال که ربّ العالمین و مربی و پرورش دهنده جهانیان است، تکلیف فوق طاقت، نخواسته است:

۱ - ابن ادریس حلی، مستطرفات السرائر، چاپ دوم، بی‌جا، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ ه.ق.



« **لَا يَخْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْغَهَا...** »^۱ « **خداوند، تکلیف نمی‌کند، نفسی را مگر به اندازه ملاقاتش.** »

رسول گرامی اسلام (ص)، نیز در حدیث شریفی به تفاوت عقول مردم، اشاره می‌کند:

« **أَنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ، أَمِيرْنَا أَنْ نَكْتُمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ** »^۲ « ما گروه‌های پیامبران، مأموریت داریم، که با مردم، در حد عقلشان سخن بگوئیم. »

ب- روش تقدّم انذار بر مجازات

مقتضای عدل و عدالت آن است، که فرد، قبل از وقوع عمل به بدی آن کار، آگاهی یافته، از عواقب و آثار آن اطلاع داشته باشد. خداوند در قرآن کریم، می‌فرماید:

« **وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ * ذُكِّرُوا وَ مَا تُنَظَّاهِمِينَ** »^۳ « و ما

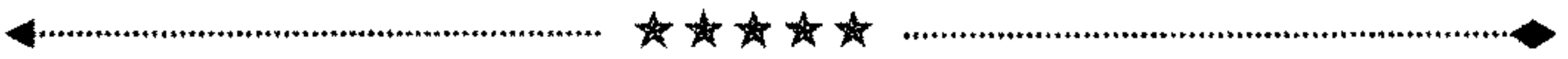
اهل هیچ دیاری را تا انذارگرانی برای آنان نفرستادیم، هلاک نکردیم. این پند است و ما هرگز به کسی ستم نکردیم. »

به بیان شهید مطهری، ترساندن و انذار، عامل جلوگیری از طغیان است:

۱ - بقره/۲۸۶.

۲ - علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱.

۳ - شعراء/۲۰۷ و ۲۰۸.



«عامل ترس، عامل فرو نشانیدن است، عامل رشد و پرورش دادن استعدادهای عالی نیست ولی عامل جلوگیری از رشد استعدادهای پست و پائین و عامل جلوگیری از طغیانهاست»^۱.

هـ- (روشن مجازات به اندازه خطا)

در هنگام مجازات فرد خطاکار نباید شرایط روحی مربی و غیظ و عصبانیت او و یا عوامل دیگر موجب تشدید مجازات او بیش از خطای فرد شود. در این صورت، از اصل عدالت در مجازات، خارج خواهد شد، و علاوه بر عقوبت الهی، آثار منفی بر مرتبّی، بجای می‌گذارد.

امام علی (ع)، فرمود:

«الافراما فی الملامه یشب نیران اللجاج»^۲ «زیاده‌روی در ملامت و

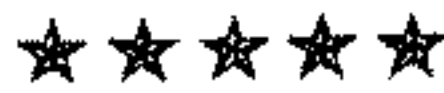
سرزنش، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌کند».

مبنای سوم: کمال‌طلبی و زیبایی‌دوستی

انسانها طالب زیبایی و کمالند. هر چه در نظر انسان کامل، زیبا، متناسب و موزون جلوه کند، او را به سوی خود، جلب نموده، کششی در انسان، ایجاد می‌کند. در اصول و روش‌های تربیتی باید، از این ویژگی انسان، بهره جست. خداوند متعال نیز می‌فرماید:

۱ - مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۳..

۲ - ابن شعبه الحرّانی تحف العقول عن آل الرسول (ص).



«**يَا بَنِي آدَمَ فَذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ**»^۱ «ای فرزندان آدم! زینتهایتان را

نزد هر مسجد بردارید».

مربیان دینی باید زیبایی‌های دین را نشان داده، خود نیز رفتار و کردار و گفتار و ظاهر آراسته و زیبایی، داشته باشند.

بنابراین اصلی کلی مربوط به مبنای کمال و زیبایی دوستی عبارتست از:

اصل جاذبه

بر اساس این اصل، هر آنچه در جریان تربیت، عرضه می‌شود، باید آراسته بوده، رغبت‌انگیز و جاذبه‌دار باشد. روش‌های تربیتی مبتنی بر اصل جاذبه عبارتست از:

الف- روش آراستگی ظاهری

در این روش تربیتی، مربی باید به همه زیباییهای ظاهری در پوشش، نظافت، تناسب اندام و... توجه نموده، از همه عوامل نفرت‌انگیز و دافعهای پرهیزد. رفتار ظاهری و طنین کلام نیز در ایجاد آراستگی ظاهری، اهمیت زیادی دارد. خدای متعال می‌فرماید:

«**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَمَّا كُنْتُمْ فِي الدُّنْيَا كُنْتُمْ فِيهَا فُجُورًا ۗ وَ يَوْمَ تُنْفَخُ الْأَشْجَارُ عَنْ عُرْوَتِهَا فَإِنَّ أُمَّةً عَمَلِكُمْ تُخْرَجُ مِنْهَا ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِيهَا سَكِينٌ مِمَّنْ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَٰكِن لَّا تُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ فِيهَا نُجُورٌ ۗ أُولَٰئِكَ فِيهَا مُبَدَّلُونَ**»^۲ «ای به

جامه پیچیده! برخیز و به انداز مردم، همت گمار، و خدایت را به بزرگی، یاد کن، و

جامه‌ات را از هر عیب و آلاشی، پاکیزه دار».

درباره تزیین کلام، می‌فرماید:

۱ - اعراف/۳۱.

۲ - مدثر/۴-۱.



« **فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى** »^۱ «پس با او با گفتار نرم سخن

بگوئید، شاید که او پند گیرد، یا بترسد».

ب- روش جاذبه رفتاری

این روش، بر اساس نیکی و احسان ابتدایی و یکطرفه مربی نسبت به متربی می باشد. شامل موارد زیر است.

۱. اغماض از خطا:

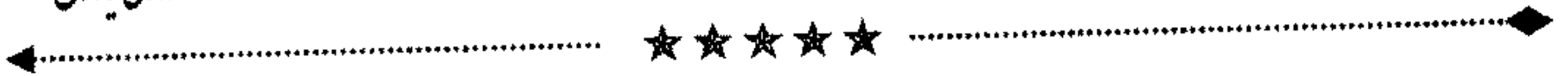
برای ایجاد جاذبه بر اساس فضل و نیکی مربی باید نسبت به خطای متربی روحیه اغماض و گذشت و عفو ابتدایی، داشته باشد و به محض ارتکاب اولین خطا او را مورد مؤاخذه قرار ندهد. او باید قبل از تقاضای بخشش، از خطای متربی بگذرد، چنانکه خداوند متعال چنین برخوردی در مقابل خطاهای انسان، دارد و می فرماید:

« **وَ مَا أَسْأَلُكُمْ مِنْ فُضِيَّةٍ سَبَّابَةٍ لِّتُبَدَّلَ بِهَا نَفْسٌ تَارِيَةً وَ تَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ** »^۲ و هر

مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری [گناهان] در می گذرد.

۱ - طه/۴۴.

۲ - شوری/۳۰.



۲. پیش قدم شدن:

گاهی فرد خطاکار، به سبب خطا و لغزش خود، قدرت برگشت به سوی مربی را نداشته یا جرأت این کار را ندارد. مربی باید برای ایجاد زمینه برگشت مربی خود، پیش قدم شود. چنانکه خداوند متعال چنین می‌کند:

«... **تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا...**»^۱ «خداوند به آنان توبه کرد، تا آنها توبه کنند».

۳. پاداش مضاعف:

مربی در برخورد با فردی که کار نیک و عمل شایسته، انجام داده است، باید با دادن پاداش مضاعف فضل و رحمت بی حساب الهی را خاطرنشان کند و او را به وجد آورده، به سوی خیرات برانگیزد.

«**وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا**»^۲ «و هر که کار نیکو انجام دهد، ما

بر نیکویش می‌افزائیم».

۴. بشارت:

سختی انجام تکالیف، با بشارت دادن نتایج اعمال و عطایای بی حساب الهی آسان می‌شود.

پیامبران الهی، از این روش، استفاده نموده، امید را در دل مردم، زنده می‌کردند. خدای متعال در قرآن از این روش استفاده می‌کند:

۱ - توبه/۱۱۸.

۲ - شوری/۲۳.



«**إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ**»^۱ «همانا انسانهای باتقوا، در باغ‌ها و

چشمه‌سارها هستند».

«... **وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خَضْرَاءَ مِن سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ**»^۲ ... و جامه‌های سبز از

حریر نازک و حریر ضخیم می‌پوشند...

«**وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ * وَ لَحْمٍ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ**»^۳ «و میوه‌هایی که

دلخواه آنان است و گوش‌پرنده، هرچه بخواهند، برایشان، فراهم است».

مبنای چهارم: اندیشیدن

یکی دیگر از ویژگی‌های عمومی انسان، قدرت اندیشه اوست. این توانایی انسان را در مواجهه، معماها و مسائل دشوار کمک می‌کند. چنانچه قدرت فکر و اندیشه انسان را به حقیقت هستی و خدا برساند، تعقل یا فکر هدایت شده می‌باشد. بنابراین اصل کلی در رابطه با مبنای فوق عبارت است از:

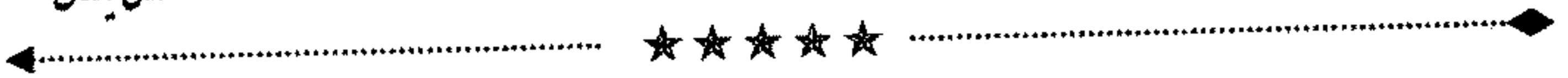
اصل عقل‌گرایی

یکی از اصول مهم تربیتی اسلام رشد و تعالی اندیشه و فکر و عقل آدمی است که بنا به تصریح قرآن کریم، بدون کسب علم، ممکن نیست:

۱ - حجر/۴۵.

۲ - کهف/۳۱.

۳ - واقعه/۲۱ و ۲۲.



«وَمَا يَعْزِلُهَا إِلَّا الْعَالِفُونَ»^۱ «و جز عالمان، کسی به تعقل در آن، نخواهد پرداخت».

بر خلاف ادیان ساختگی، که به دلیل پوشالی و سست بودن پایه‌های فکری خود، انسان را از تفکر و نقادی، نهی نموده، به اطاعت محض، فرا می‌خواند، دین اسلام، به اهل فهم و عقل، بشارت می‌دهد:

«... قَبَشْرُ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...»^۲ «پس به بندگان من، همان کسانی که سخن را می‌شنوند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، بشارت بده».

امام کاظم (ع)، خطاب به هشام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَشَّرَ أَهْلَ الْقَلْبِ وَالْفَهْمِ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: «... قَبَشْرُ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...»»^۳ «خداوند تبارک و تعالی در قرآن، اهل عقل و فهم را بشارت داده، فرمود: آن بندگان مرا که سخن را گوش کنند و از بهترینش پیروی نمایند، بشارت ده...».

در آیه دیگر می‌فرماید:

«قَدْ فَهَّمْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُفْقَهُونَ»^۴ «به تحقیق، نشانه‌ها را برای گروهی که فهم و درک کنند، بیان کردیم».

۱ - عنکبوت/۴۳.

۲ - زمر/۱۷ و ۱۸.

۳ - ابن شعبه الحرانی، تحف العقول عن آل الرسول (ص).

۴ - انعام/۹۸.



حضرت علی (ع) نیز فرمود:

«**لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ التَّفَكُّرُ**»^۱ «علمی که در آن، تفکر نباشد، خیری در

آن نیست».

رشد و شکوفایی قوه تعقل و تفکر در آدمی، موجب بازدارندگی از انحراف و گمراهی و رسیدن به راه حق و حقیقت است. روش‌های مبتنی بر اصل عقل‌گرایی عبارتند از:

الف- روش تزکیه نفس

پیروی از هواهای نفسانی، عقل انسان را که عامل بازدارنده قوی از انحراف و گمراهی اوست، مبتلا نموده، توازن آن را بهم زده، قدرت تشخیص حق از باطل را از دست می‌دهد، چنانکه اندیشه حق را باطل و باطل را حق می‌یابد:

«**زَيْنَ لَهُ شَوْءٌ عَلَيْهِ فَرَّآهَ خَسَنًا**»^۲ «بدی عملش، در نظرش، آراسته شد، پس

آن را خوب می‌بیند».

از این رو، یکی از روش‌های تربیتی اسلام، مهار طغیانهای نفسانی و عدم پیروی از امیال زیاده‌خواه نفس است.

دوری از حب و بغض، خشم و غضب، عناد و انکار، عجب و هر صفتی که بر محور نفس و نفسانیت، دور می‌زند، مانع پر و بال گرفتن قدرت فکر و اندیشه آدمی است.

۱- ابن شعبه الحرانی، تحف العقول عن آل الرسول (ص)..

۲- فاطر/۸.

ب- روش شکوفایی عقل

بر اساس این روش تربیتی، باید به رشد و تعالی عقل متربی پرداخت. برای نیل به این هدف، ابتدا از روش مواجهه حسی با حقایق هستی، می‌پردازیم. خداوند متعال، به راه حس، اشاره می‌کند:

«وَاللَّهُ أَفْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ

الْبَصِيرَ وَالْأَبْصَارَ...»^۱ «و خداوند شما را از شکم‌های مادرانتان، بیرون آورد، در حالی که چیزی نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم‌ها قرار داد...»

این مواجهه حسی انسان را برمی‌انگیزد تا بیندیشد. مرحله بعدی برای شکوفایی عقل، برانگیختن انسان به اندیشه و آشکار شدن سستی اندیشه‌های باطل است. هر یک از اصول اندیشه اسلامی یعنی توحید، معاد و نبوت، از مواجهه حسی، آغاز شده و به ارزیابی اندیشه‌های باطل و استدلال حکمت‌آموز و اتقان اصول فکری رسیده است.

«الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِيهَا خَلْقَ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ

فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ»^۲ «خدایی که هفت آسمان را به طبقاتی منظم آفرید و هیچ بی‌نظمی و نقصان در آفرینش خدای رحمان، نخواهی یافت. پس باز بنگر آیا خللی

۱ - نحل/۷۵.

۲ - ملک/۳ و ۴.



می بینی؟ بار دیگر نظر کن، تا چشم خسته ات را در حالی که به ستوه آمده از نگریستن، بازگیری.»

در این آیات، خداوند ابتدا دعوت به مواجهه حسی در نظم و بی نقصی جهان هستی نموده، سپس او را به اندیشه وا می دارد.

مبنای پنجم: محدودیتها و عشق

بر اساس این مبنا دو ویژگی انسان، بررسی می شود؛ یکی ویژگی مربوط به محدودیت های انسان، شامل حرص و شتاب و ضعف و ویژگی دیگر، عشق و دل بستگی انسان. علت بیان هر دو این ویژگی ها، تحت یک مبنا، به دلیل ارتباط تنگاتنگ آنها و امکان جهت دهی و هدایت ضعف و محدودیتها با استفاده از ویژگی عشق و دل بستگی است.

موضوع:

حرص و آزمندی یکی از ویژگی های عمومی انسان است.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِيقٌ هَلُوعًا»^۱ «انسان، حریص آفریده شده است».

محدوده حرص و آزمندی انسان، گاهی مادیات و ارزاق، گاهی جاه و مقام، گاه کسب علم، گاه کسب ایمان و انجام عمل صالح و گاه هدایت خلق است. چنانکه خداوند، در وصف پیامبر اسلام (ص) فرمود:



«عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ قَرِيْبٌ عَلَيْنِكُمْ»^۱ «سخت است بر او، رنج کشیدن شما، او بر شما حریص است».

شُتَاب:

شُتَاب زدگی، نیز ویژگی عمومی انسان است.

«خَلِقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَجَلٍ...»^۲ «انسان، از شُتَاب، آفریده شده است».

محدوده شُتَاب انسان، هم گناهکاران و هم پیامبران الهی را در بر دارد. کفار می گفتند؛ اگر راست می گوئید، شُتَابان عذاب را بر آنان نازل کنند. پیامبر اکرم (ص)، در دریافت وحی و بیان آن برای مردم، شُتَاب داشت و خداوند، از آن، باز داشت:

«لَا تُخْرِكْ بِهٖ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهٖ»^۳. سرعت عمل، پس از پیدا کردن صراط

مستقیم، نه تنها مذموم نیست، بلکه فضیلت است.

«وَ سَارِعُوا اِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ»^۴ «و به سوی مغفرتی از پروردگار خود،

بشتابید».

«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۵ «پس در کارهای خیر، پیشی بگیرید».

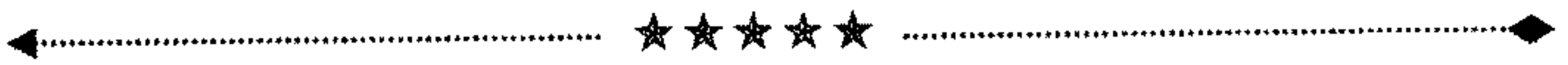
۱ - توبه/۱۲۸.

۲ - انبیا/۳۷.

۳ - قیامت/۱۶.

۴ - آل عمران/۱۳۳.

۵ - بقره/۱۴۸.



آنچه مذموم است، شتاب و عجله در عملی است، که به صحت و اتقان و درستی آن، اطمینان، نداشته و زودتر از موعد، می‌باشد. ولی سرعت و عجله داشتن، در امور هدایت شده و خیر، کمال است.

ندای حَى عَلِی خَیْرِ الْعَمَلِ، که چندین بار، روزانه، ما را به شتاب در بهترین عمل، فرا می‌خواند، گواهی بر مطلب فوق است.

ضعف:

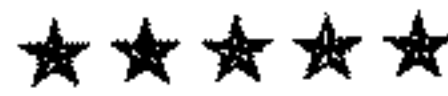
دیگر از ویژگی‌های انسان، که جزو محدودیت‌های انسان، است، ضعف و ناتوانی است.

«خَلِقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا»^۱ «انسان، ضعیف، آفریده شده است».

انسان، قادر است، ضعف خود را به قوت، تبدیل کند و با قوت یافتن، توان انجام تکالیف و مسئولیت‌ها را خواهد یافت.

عشق و دلبستگی:

عشق، موهبت و ودیعه‌ای الهی است که هیچ موجودی، توان تحمل آن را نداشت، به جز انسان. بر اساس این ویژگی، انسان موجودی اسیر محبت است و توان عظیمی دارد و آن توان عاشق شدن و دلدادگی است. با هدایت این ویژگی، انسان ویژگی‌های مربوط به محدودیت‌های او نیز هدایت شده، راه خود را باز خواهد یافت.



عشق، سلسله جنبانی است که به واسطه آن، انسان، قادر به انجام هر کاری می‌شود. هدایت و کمال این سلسله جنبان هدایت و جهت‌دهی حرص و شتاب و ضعف انسان را به دنبال خواهد داشت.

«الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»^۱ «آنان که ایمان آوردند، دلبستگی عمیقی با خدا دارند».

بنابراین اصول کلی مبنای محدودیت‌ها و عشق عبارتند از:

الف) اصل محبت

یکی از اصول مهم تربیتی، بر مبنای محبت است. محبت، اکسیری است، که هر انسانی را به سوی خود، جلب می‌کند. اسلام، دین محبت و مهربانی و رحمت است.

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۲ «و نفرستادیم تو را، مگر، رحمتی، برای عالمیان».

پیامبر اکرم (ص) که رسول دین رحمت و مهربانی و محبت است، با خوی نرم و ملایم و محبت‌آمیز خود، به هدایت اعراب خشن جاهلی، پرداخت:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّانفَضُّوا مِن قَوْلِكَ...»^۳ «پس با رحمتی از خدا با آنان نرمی کردی و اگر بدخوی سخت دل، بودی، هر آینه از اطراف تو پراکنده می‌شدند».

۱ - بقره/۱۶۵.

۲ - انبیاء/۱۰۷.

۳ - آل عمران/۱۵۹.



این آیه شریفه، تصریح می‌کند، که بدون مهربانی و نرم‌خویی، دیگران از اطراف انسان، پراکنده می‌شوند!

ابراز خیرخواهیِ متربی و محبت و مهربانی، قدم اول، برای موفقیت در امر تربیت است.

ب) اصل سهل‌گیری

این اصل تربیتی، بر مبنای ویژگی ضعف انسانی است. خداوند متعال، با توجه به ضعف انسان، تکالیف را تخفیف می‌دهد:

«الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا...»^۱ «اکنون، خدا بر شما

تخفیف داد و دانست، که در شما، ضعف، راه یافته است...».

اسلام، دین سهله و سمحه است.

«...يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ...»^۲ «...خداوند، حکم را برای

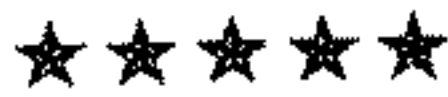
شما، آسان خواسته و تکلیف را مشکل، نگرفته است...».

ج) اصل مسابقه

با توجه به ویژگی شتاب و آزمندی در انسان، بر اساس این اصل، باید متربیان را به سرعت و سبقت از یکدیگر، فراخواند و زمینه بروز و ظهور نیروهای نهفته آنان را فراهم آورد.

۱ - انفال/۶۶.

۲ - بقره/۱۸۶.



خداوند در قرآن کریم، می فرماید:

«وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ...»^۱ «و لیکن، خداوند،

می خواهد شما را با آنچه به شما داده، بیازماید. پس در نیکی ها، پیشی، بجوید...».

روش های تربیتی که برای تحقیق اصول فوق می توان بکار برد عبارتند از:

الف- روش جاذبه و دافعه

روش تربیتی مبتنی بر اصل محبت، تقدم حُبِّ بر بغض یا جاذبه بر دافعه است.

رسول اکرم (ص) فرمود:

«جَبَلَتِ الْقُلُوبَ عَلَى ضَبِّ مَنِ احْسَنَ إِلَيْهَا وَبَغْضِ مَنِ اسَاءَ إِلَيْهَا»^۲

«دل های مردم، با این میل فطری، آفریده شده، که نیکی کنندگان بخود را دوست بدارند، و بدی کنندگان به خود را دشمن بدارند».

ولی محبت دائمی و بدون میزان و معیار، آفت های تربیتی، به دنبال خواهد داشت. چرا که گاهی به دلیل وجود تربیت ناصحیح در مربی، ابراز محبت از سوی مربی، نتیجه بخش نبوده، بلکه بالعکس نتیجه خواهد داد. در این گونه موارد، علی رغم محبت قلبی و دلسوزی و رأفت، نسبت به مربی، باید از ابراز آن، خودداری نمود:

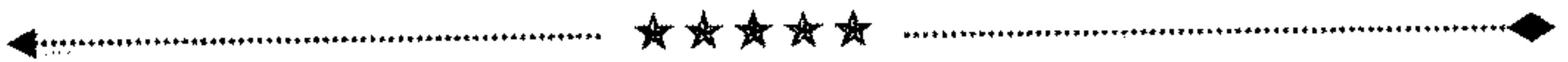
«لَا تَبْذُلْنَ وَ ذَلِكَ إِذَا لَمْ تَجِدِ مَوْضِعًا»^۳ «اگر جایگاه مناسبی نیافتی، دوستی

و محبت خود را ابراز مکن».

۱ - مائده/۴۸.

۲ - ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (ص).

۳ - علی بن محمد اللیثی الواسطی، عیون الحکم و المواعظ، چاپ او، بی جا، نشر دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.



پس از ایجاد پیوند محبت‌آمیز با مربی، با بذل محبت یا محروم نمودن او از محبت سرشار قلبی، به عنوان ابزار تربیتی، می‌توان، سود جست. در مواجهه با اعمال نیک و ثواب، بذل بی‌شائبه محبت و در موقع خطا و اشتباه محدود نمودن محبت نوسانی از مراتب محبت را جهت تربیت مربی به نمایش می‌گذارد. استفاده از نوسان محبت، پس از ایجاد علاقه و شیفتگی و پیوند محبت‌آمیز، بین مربی و متربی، کارساز خواهد بود و عامل قوی در انجام اعمال شایسته و ترک اعمال ناصواب می‌باشد.

ب- روش مرحله‌ای نمودن و تجدید نظر در تکالیف

بر اساس این روش تربیتی، که بر اساس اصل سهل‌گیری است، تکالیف مرحله به مرحله به متربی، داده می‌شود؛ چرا که یکباره خواستن تکالیف، دشوار بوده، تکلف و سختی زیادی به همراه دارد.

خداوند متعال نیز ربا را که از منفورترین پدیده‌ها در نزد خداوند است، طی چندین مرحله ممنوع و حرام، اعلام نمود.^۱

« **وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوَا فِيْ اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوَا عِنْدَ اللّٰهِ وَ مَا**

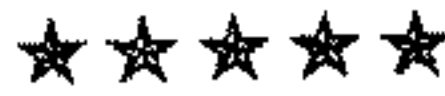
آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُضَعِفُوْنَ »^۲ «و آنچه به

عنوان) ربا داده‌اید تا در اموال مردم فزونی یابد نزد خدا زیاد نمی‌شود ولی آنچه از

زکات برای رضای خدا می‌دهید آنانند که «مالشان را» چند برابر می‌کنند»

۱ - محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، قم، نشر جامعه مدرسین، بی‌تا.

۲ - روم / ۳۹.



در آیه بعد خداوند متعال می فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ

لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ»^۱ «ای مؤمنان ربا را چند برابر مخورید و از خدا بترسید تا رستگار شوید».

در مرحله بعدی می فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ

مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِخُرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تَبْتغُوا فَلَكُمْ

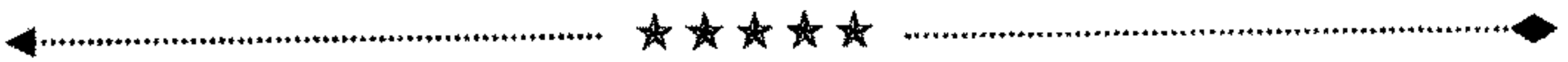
رُؤْسٌ أَمْوَالِكُمْ لَاتُغْلِبُونَ وَ لَا تَهْتَفُونَ»^۲ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر مؤمنید از خدا بترسید و باقی مانده‌ی ربا را واگذارید و اگر این کار را نکنید پس به جنگی از جانب خدا و رسولش آگاه باشید و اگر توبه کردید پس اصل سرمایه از آن نهایت «که به این ترتیب» نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید».

تحریم شرب خمر، نیز با مرحله‌بندی، از سوی خداوند بیان گردید.

زمانی که ضعف متربی در انجام تکالیف داده شده، آشکار شد، باید مری در تکالیف خود، تجدید نظر نموده، به مری تخفیف داده، تکالیف آسان‌تری را ارائه دهد.

۱ - آل عمران / ۱۳۰.

۲ - بقره / ۲۷۹ و ۲۷۸.



خداوند متعال، نیز در مورد حکم مباشرت با همسران در ماه رمضان، چون احتمال به حرام افتادن برخی از مؤمنان وجود داشت، این حکم را برداشت و حلال نمود.^۱

ج- روش تکالیف دشوار و ایجاد مسابقه

با توجه به اختلاف توانایی افراد بشر و تفاوت‌های فردی، روش مسامحه و سهل‌گیری در مورد افراد توانمند، ناقص بوده، به شکوفایی استعداد آنان کمکی نمی‌کند.

خداوند متعال نیز در فرا خواندن مردن، به تقوا، دو گونه، دعوت می‌کند:

«**اتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَمَعْتُمْ...**»^۲ «هر چه می‌توانید، تقوای الهی داشته باشید».

یا می‌فرماید:

«**اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ...**»^۳ «چنانکه سزاوار خداست، تقوای الهی، داشته

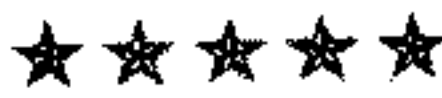
باشید».

رعایت حق تقوی از وسع و توان بسیاری از مردم، بالاتر است و مخصوص بلند همتان، می‌باشد. خداوند متعال، بندگان سخت‌کوش و بلندهمت را به سبقت گرفتن، فرا می‌خواند.

۱ - بقره/۱۸۷.

۲ - تغابن/۱۶.

۳ - آل عمران/۱۰۲.



«وَالشَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»^۱ «پیشی گیرندگان،

پیشی گیرندگان، آنان مقربانند».

مبنای ششم: کرامت ذاتی

خدای متعال، انسان را با کرامت، آفریده است. بنابر این انسان‌ها همه از یک گوهر شریف و بزرگوار، بوده، کسی بر دیگری، فضیلتی ندارد.

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»^۲ «و به راستی، فرزندان آدم را بزرگوار داشتیم...».

در پرتو ایمان و عمل صالح است که این گوهر شریف را پاس داشته و خداوند، بر آن می‌افزاید.

«فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»^۳ «پس

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته، انجام دادند، آنان را بهره‌های از مغفرت و پاداش کریمانه، خواهد بود».

و کسانی که در مقابل خدا گردنکشی نموده، خدا، خوار کند، امید کرامتی، بر ایشان نیست؛

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَ

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَ

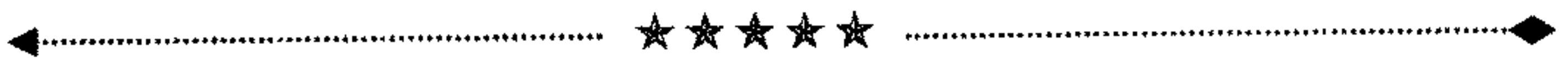
كَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرَمٍ...»^۴

۱ - واقعه/۱۰ و ۱۱.

۲ - اسراء/۷۰.

۳ - حج/۵۰.

۴ - حج/۱۸.



«آیا ندیدی، که هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است و خورشید و ماه و تمام ستاگران و کوه‌ها و درختان و جنبدگان و بسیاری از مردم، برای خدا، سجده می‌کنند و بسیاری هم (إِبا دارند که) عذاب درباره آنها حتمی است. و هر که را خدا خوار کند او را اکرام کننده‌ای نخواهد بود...».

بنابراین اصل کلی مربوط به مبنای فوق عبارت است از :

اصل عزت و تکریم

بر مبنای کرامت ذاتی انسان، که خداوند، به او ارزانی داشته است، باید اصل تکریم شخصیت و عزت نفس را در برخورد با متربی، در نظر گرفت.
رسول اکرم (ص) فرمود:

«مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ لِكَلِمَةٍ يَلْمُفُةٍ بِهَا وَ فَرَّجَ عَنْهُ كَرْبَةً لَمْ يَزَلْ فِي

ظِلِّ اللَّهِ الْمَسْدُودِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ»^۱ «هر کس، برادر مسلمان

خود را با کلمات محبت‌آمیز، اکرام کند و غم او را بزداید، تا زمانی که، در این کار است، پیوسته در سایه رحمت خداوند، خواهد بود.».

در حدیث دیگر، می‌فرماید:

«لَا تُخَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ»^۲ «هیچ یک از

مسلمین را تحقیر نکنید و کوچک نشمایید، همانا کوچک آنها نزد خدا، بزرگ است.».

۱ - علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱.

۲ - المتقی الهندی، کنز العمال، ج ۱۶، بیروت، نشر مؤسسه الرساله بیروت، بی تا.

روش‌های مبتنی بر اصل عزت و تکریم عبارتند از :

الف- روش معرفت نفس:

بر اساس اصل عزت و تکریم، روش تربیتی، باید به گونه‌ای باشد، که فرد اعتماد به نفس داشته و احساس عزت نفس نماید.

حضرت علی (ع)، فرمود:

«**فَن شَرَفَتْ نَفْسَهُ نَزَّهًا عِن دَنَانِ الْمَطَالِبِ**»^۱ «آنان که شرافت نفسانی

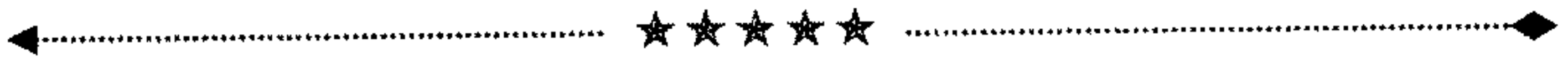
دارند، خویشتن را به خواهش‌های پست، آلوده نمی‌کنند».

شناساندن توانایی‌ها و ضعف‌های انسان، به او موجب عزت نفس او می‌گردد. چرا که انتظارات او در محدوده توانایی‌ها تنظیم می‌گردد. وقتی مقام و منزلتی را که خداوند، برای انسان به عنوان خلیفه خود، در نظر گرفته است، بیان گردد و کرامتی را که خداوند، به او ارزانی داشته، روشن شود، موجب عزت و کرامت نفسانی او خواهد بود.

ب- روش تغافل

این روش تربیتی که بر اساس اصل عزت و تکریم است، بیان می‌کند، از آن که ضعف و خطا عزت نفس متربی را مخدوش نموده، می‌شکند، مربی باید این ضعف‌ها را با روش تغافل، بپوشاند، تا عزت نفس او حفظ گردد.

۱ - محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، چاپ اول، قم، نشر دارالحدیث، بی‌تا.



روش تغافل، هم در خطای آشکار و هم در خطایی که متربی، گمان می‌کند، پنهان است، باید بکار رود، که در خطای آشکار اغماض نیز می‌گویند.

روش تغافل، برای پیش‌گیری از خطای بزرگتر است و آن خطای بزرگتر آن است که متربی از بر ملا شدن خطا و اشتباهش، ابائی نداشته باشد و بتواند، به راحتی، تکرار نماید. این مرحله زمانی است که دیگر متربی، برای خود، عزتی قایل نیست و مرحله خطرناکی است زیرا حضرت امام هادی (ع)، فرمود:

«مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ»^۱ «کسی که احساس اهانت و

حقارت در نفس خود کند، خود را از شر او در امان ندان».

روش تربیتی تغافل، نوعی پرده‌پوشی و جلوهای از ستار بودن خداوند است. و مانع گسترش و تکرار اشتباهات متربی، گردیده، راهی برای بازگشت از خطا، به سوی خوبی‌هاست.

مبنای هفتم: خداجویی

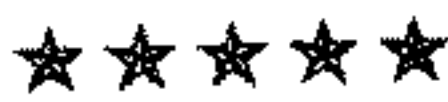
انسان دارای فطرتی خداجوست. بر مبنای این ویژگی فطری، باید به شکوفایی و هدایت آن پرداخت.

حضرت رسول اکرم (ص) فرمود:

«كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودَانَهُ وَ يَنْصَرَانَهُ»^۲

۱ - علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲.

۲ - همان، ج ۳.



«هر کودکی، مطابق فطرت الهی، متولد می‌شود، این پدر و مادر هستند، که وی را به راه یهودیت و نصرانیت می‌کشانند.»

امام صادق(ع)، در تفسیر آیه شریفه «**فِطْرَتَ اللَّهِ...**»^۱ فرمود:

«**فطرهم علی التوحید**»^۲ «خداوند، مردم را بر سرشت توحید، آفریده است.»

بنابراین اصل کلی مربوط به مبنای فوق عبارت است از:

اصل تذکر

انسانی که سرشت ربوبی دارد، با انواع دل‌مشغولیه‌ها، از این فطرت الهی غافل شده، آن را به فراموشی می‌سپرد. بر این اساس، نیاز دائمی به تذکر و یادآوری آن، نفخه الهی در روح خویش دارد:

«**فَإِذَا سَنَوْتَهُ وَ نَسِيتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي**»^۳ «چون تمامش کردم، و در آن از

روح خود دمیدم...».

تذکر و یادآوری چنان اهمیتی در تعالیم اسلامی دارد، که قرآن، «تذکره» نام گرفته است:

«**إِنْ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ**»^۴ «مسلماً، این «قرآن»، تذکاری است.»

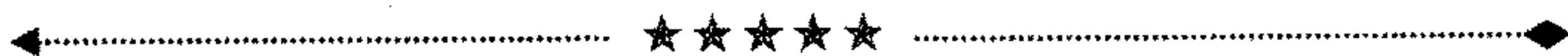
و خداوند، به پیامبرش می‌فرماید:

۱ - روم/۳۰.

۲ - علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳.

۳ - ص ۷۲.

۴ - انسان/۲۹.



«فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»^۱ «پس تذکر ده، که همانا، تو تنها تذکر دهنده‌ای».

روش‌های تربیتی مربوط به اصل تذکر عبارتند از :

الف- روش یادآوری نعمت‌ها

برای بیدار نمودن فطرت خدای جوی انسان، که دچار فراموشی شده است، از روش یادآوری نعمت‌ها، می‌توان استفاده نمود، چرا که انسان فراموشکار است:

«لَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ مَنَسِيبًا...»^۲ «ما از قبل، با آدم، عهد بستیم، اما

او فراموش کرد...».

رنج و عقوبت، انسان را به یاد خدا می‌اندازد و به محض این که به آسایش رسید، ناسپاسی می‌کند.

«فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ لِيَذَرُوا بَمَا آتَيْنَاهُمْ وَ

لِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»^۳ «چون نجاتشان داد و به خشکی آورد، شرک

نمودند، تا نسبت به آنچه به آنها داده بودیم، کفران کنند و از آنچه می‌خواهند

برخوردار شوند، اما به زودی خواهند فهمید».

روش یادآوری نعمت تذکر خوبی برای توجه به روح خداجوی انسان است.

۱ - غاشیه/۲۱.

۲ - طه/۱۱۵.

۳ - عنکبوت/۶۵ و ۶۶.



ب- روش نصیحت

دومین روش تربیتی، بر مبنای فطرت الهی، موعظه و نصیحت است.

خداوند، شرایط موعظه را به طور اجمال، بیان می‌کند:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَ الْقَوَاعِلِ الْحَسَنَةِ»^۱ «مردم را با حکمت و

موعظه حسنه، به راه خدایت، دعوت کن».

از این بیان خداوند، استفاده می‌شود، که موعظه غیرحسنه نیز وجود دارد.

در آیه دیگری، ویژگی موعظه حسنه را بیان می‌کند:

«وَ مَن أَحْسَنَ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ

الْمُسْلِمِينَ»^۲ «و کیست، خوش‌گفتار از آن کس، که به سوی خدا، دعوت کند و

کار نیک انجام دهد و بگوید من از مسلمانانم».

بنابر این موعظه حسنه و نیکو، موعظهای است که مبتنی بر ایمان و اعتقاد صحیح

و عمل صالح باشد. به عبارت دیگر، موعظه مذموم و غیرحسنه موعظه کسی است

که خود، عامل نبوده و اعتقاد استواری نیز نداشته باشد.

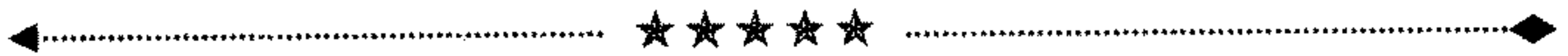
لحن گفتار موعظه‌کننده نیز باید ملایم و نرم باشد:

«فَقُولُوا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا...»^۳ «پس با او، با نرمی، سخن بگویید...».

۱ - نحل/۱۲۵.

۲ - فصلت/۳۳.

۳ - طه/۴۴.



ج- روش عبرت از قصه گذشتگان

یکی دیگر از راه‌های تذکر دادن، بیان سرگذشت اقوام گذشته، به منظور عبرت گرفتن است. در قرآن کریم، از این روش، استفاده شده است. خداوند متعال، در قالب بیان قصه امت‌های گذشته، به ارزیابی و بیان تذکر و موعظه، پرداخته است. چرا که خود می‌فرماید:

«لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ»^۱ «البته در سرگذشت آنان، برای خردمندان، درس عبرتی است».

روش قصه‌گویی، به صورت بیان هدف‌مند و بدون پرداختن به جزئیات غیر مهم می‌تواند، موعظه و تذکر مؤثری جهت تقویت ایمان متربیان باشد. خداوند متعال می‌فرماید:

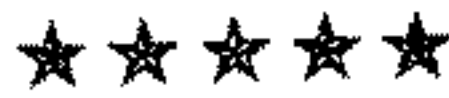
«وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَحْنُ بِمُتَّبِعِيهَا فِي هَذِهِ الْحَقِّ وَ مَوْعِظَةً وَ ذِكْرًا لِلْمُؤْمِنِينَ»^۲ «و ما حکایت و اخبار انبیاء را بر تو، بیان می‌کنیم، تا قلب تو را به آن، قوی و استوار داریم و در این اخبار، طریق حق و راه ثواب، بر تو، روشن شود و اهل ایمان را موعظه و تذکر باشد».

مبنای هشتم: تدریج

ویژگی دیگر انسان، که باید، در امر تربیت، مورد توجه، قرار گیرد؛ این است که تربیت، در انسان، تدریجی است و بروز تغییر در اثر استمرار و مداومت، حاصل

۱- یوسف/۱۱۱.

۲- هود/۱۲۰.



می شود. بنابر این دستورالعمل ها و روش های تربیت، باید با در نظر گرفتن این مبنا، انجام گیرد.

حضرت علی (ع) فرمود:

«**ما اصعب اكتساب الفضائل و ايسر اتلافها**»^۱ «چه سخت است، تحصیل

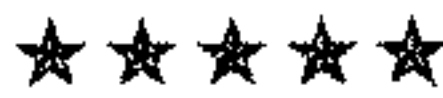
صفات پسندیده و فضایل اخلاقی و چه آسان است، نابود ساختن آن، و به هدر دادنشان».

افکار، نیت ها و شناخت و آگاهی با اعمال و رفتار انسان، به طور پیوسته و دائمی در حال تأثیر و تأثرند و به تدریج در اعماق جان آدمی، رسوخ می کنند. با انجام یک عمل ظاهری و موقتی نمی توان، انتظار داشت که تربیت و تغییر قابل توجهی، حاصل شود. بلکه عنصر استمرار، تداوم و محافظت از موانع در بروز تربیت، ضروری است. بنابراین اصل کلی مربوط به مبنای تدریج عبارت است از:

اصل مداومت و محافظت

در جریان تربیت، هدف ما بروز یک منش و شخصیت و شاکله مطلوب و پایدار می باشد و گفتیم که این هدف، بدون استمرار و مداومت بر عمل مطلوب مبتنی بر زمینه های مناسب مورد نظر، حاصل نخواهد شد. چرا که رذایل اخلاقی در نزد نفس انسان، سهل الوصول و مطبوع و مطلوب تر است.

۱ - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، نشر دارالحیاء الکتب العربیه، بی تا.



حضرت علی (ع) فرمود:

«اكره نفسك على الفضائل فان الرذائل انت مطبوع عليها»^۱ «فضایل

اخلاقی را به نفس خود، تحمیل کن، همانا رذایل در نزد نفس تو مطبوع و مطلوب تر است».

بنابر این مداومت و محافظت در شئون تربیتی، اصلی مهم بوده و بدون در نظر گرفتن این اصل تربیت، غیر ممکن است.

روش‌های تربیتی اصل مداومت و محافظت عبارتند از:

الف- روش بیان فرایض:

یکی از ویژگی‌های ادیان آسمانی، استفاده از روش بیان فرایض است. در این روش دستورالعمل‌های اساسی به منظور تربیت انسان، ضروری شمرده شده و به عنوان فریضه، بیان می‌شود. یعنی امر واجبی که تعطیل‌بردار نبوده و باید در هر شرایطی به آن عمل نمود.

فرایض در تربیت انسان، مداومت و محافظت بر انجام عمل را تضمین می‌کند.

خداوند متعال در آیات قرآن کریم، فرایض بسیاری را بیان می‌کند:

«قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ...»^۲ «همانا، خداوند، برای شما واجب

کرده است، شکستن سوگندهایتان را «به کفار»...».

۱ - محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه.

۲ - تحریم/۲.



در این آیه، خداوند، می‌خواهد عدم شکستن سوگند را با دادن کفاره، محافظت نماید. و آن را به عنوان فریضه، بیان می‌کند.

در آیه دیگری، به فرایض بسیاری که در ضمن آیات بینات، بیان شده است، اشاره می‌کند:

«سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا وَ فَرَضْنَاهَا وَ أَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ...»^۱ «سوره‌های

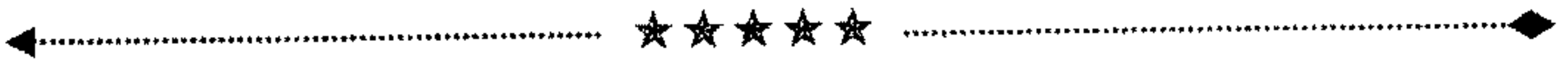
است که آن را نازل کرده و «احکامش) را واجب نمودیم و در آن، آیاتی روشن آوردیم...».

از آنجا که فریضه، تأمین‌کننده تداوم و محافظت از استمرار عمل است، باید تمام همت خود را در جهت پیاده شدن آن و جلوگیری از عوامل آسیب‌رسان به آن بکار بریم.

ب- روش محاسبه نفس:

از روش‌های تربیتی دیگری که می‌تواند، در تداوم و محافظت از اعمال مطلوب و استمرار بخشیدن به آن مؤثر باشد، روش محاسبه و بازجویی از نفس خویش است.

از آنجا که ارزش عمل به نیت و آمیزه‌ی تقرب به خدا در آن عمل است. با محاسبه نفس، می‌توان، ارزش اعمال خود را محک زد. و چنانچه آن عمل، با ریا و آفات دیگر، آلوده شده است، آن را پاک نمود.



در نظام تربیتی اسلام، به کار بستن روش محاسبه نفس، مؤکداً توصیه شده است.

«...وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا

تَعْمَلُونَ»^۱ «...و باید، هر کس، بنگرد، که برای فردای خود، چه اندوخته است و تقوای الهی داشته باشد، که خدا به آنچه می‌کنید، آگاه است».

محاسبه هر روز از اعمال، رفتار، گفتار و نیات درونی، مانع از غفلت و غافل شدن از نفس خویش و عامل بروز تغییرات مطلوب و تربیت صحیح انسان می‌باشد.

مبنای نهم: رشد مرحله‌ای

ویژگی عمومی دیگر انسان‌ها، رشد مرحله‌ای و دوران متفاوت رشد، می‌باشد. خداوند متعال، در قرآن کریم، سه دوران عمده، در زندگی آدمی را بیان می‌کند:

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ

مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ»^۲ «خداست که

شما را از ضعف، آفرید، سپس از پی ضعف، قوتی و از پی قوت، ضعف و پیری، قرار داد. او آنچه می‌خواهد، می‌آفریند و او دانای توانا است».

بر اساس این آیه، دوران زندگی انسان، به سه بخش، تقسیم می‌شود:

۱. دوران طفولیت (ضعف اول)

۲. دوران جوانی (قوت)

۳. دوران پیری (ضعف آخر)

۱ - حشر/۱۸.

۲ - روم/۵۴.



۱- دوران طفولیت

قرآن، از زمان تولد تا بلوغ را، دوران طفولیت، نامیده است:

«أَوِ الْمَوْلَى الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ»^۱ «یا اطفالی که هنوز، به

بلوغ، نرسیده‌اند».

بر اساس روایات اسلامی، دوره طفولیت، شامل دو دوره «فعالیت و بازی» و دوره «تأدیب» می‌باشد. امام صادق (ع)، از تولد تا ۲۱ سالگی را که مهم‌ترین مرحله رشد و نمو و تربیت‌پذیری انسان است، را به سه مرحله، تقسیم فرمودند:

«دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ الزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ

سِنِينَ»^۲ «بگذار، تا فرزندت، هفت سال، بازی کند و هفت سال، به تربیت او، اقدام

کن و هفت سال، او را مشاور و همراه خود، قرار ده».

۲- دوران جوانی (قوت):

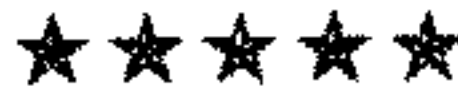
پس از دوران طفولیت، دوران قوت، فرا می‌رسد، که خود شامل سه دوره «بلوغ» و «استقرار» و «تعالی» است.

مرحله بلوغ:

دوران جوانی، زمینه‌های رسیدن به بلوغ جنسی و ازدواج را فراهم می‌نماید و قابلیت و توانایی فکری و بلوغ اجتماعی را نیز کسب می‌کند:

۱ - نور/۳۱.

۲ - علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱.



«وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النُّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»^۱ «کودکان یتیم را» که تحت سرپرستی شما هستند) همواره مورد آزمایش قرار دهید، تا هنگامی که به بلوغ جنسی برسند، پس اگر قراین رشد را در آنان یافتید، اموال آنها را در اختیارشان قرار دهید».

مرحله استقرار:

این مرحله، ناظر به سومین مرحله تربیت پذیری، یعنی هفت سال سوم زندگی است. مرحله «استقرار» مرحله‌ای است که نوسانات و هیجانات بلوغ پایان یافته و نوعی اعتدال و استقرار، در فکر و اندیشه و عاطفه، حاصل شده است:

«وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا»^۲ «و» یوسف) چون به اوج بلوغ رسید و به استقرار و اعتدال دست یافت، حکم و علمی به او عنایت کردیم».

مرحله تعالی:

مرحله «تعالی» مرحله‌ای است که عقل مجال بالندگی یافته، از کشمکش‌های درونی و سلطه هوی و هوس، فاصله می‌گیرد و اوج آن چهل سالگی است:

«وَوَضَعْنَا الْإِنْسَانَ بِمَوْلَانِهِ إِحْسَانًا فَحَلَّتْهُ أُمَةٌ كَرِهًا وَ وَضَعْتُهُ كَرِهًا وَ حَقْلَهُ وَ فِيمَا نُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ وَالْإِنْسَانِ وَ أَنْ أَعْمَلَ

۱ - نساء/۶.

۲ - قصص/۱۴.



صَالِحَاتُ رُضَاءٍ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ^۱

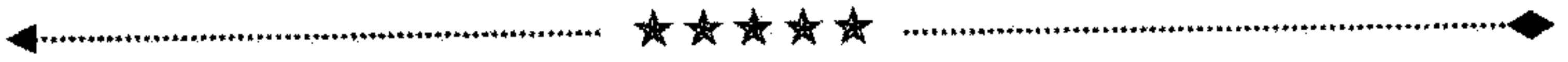
«ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر، سفارش کردیم «یاد کند که) مادر با رنج و زحمت، بار حمل کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود و مجموعاً با دوره حمل و شیرخواری سی ماه «تحمل رنج کرد) تا وقتی طفل به اوج بلوغ رسید و پس از آن به چهل سالگی رسید. «آنگاه شایسته است بگویند) خدایا مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادرم، عطا نمودی، شکر بیاموز و به کار شایسته‌ای که رضا و خشنودی تو در آن است، موفق بدار و فرزندان مرا صالح گردان. بارالها! من به سوی تو باز آمدم، و از تسلیمان تو شدم».

در روایات اسلامی تقسیم‌بندی‌های متعددی برای مراحل رشد انسان شده است که متناسب با آن روش‌های تربیتی نیز متفاوت می‌باشد. و چون در اینجا در صدد بیان تفصیلی نمی‌باشیم فقط مرحله‌ای بودن رشد انسان را استفاده نموده به آیات بیان شده بسنده می‌کنیم.

۳- دوران پیری:

سومین دوره زندگی انسان یا دوران پیری، شامل دو دوره «سالخوردگی» و «کهنسالی» است.

دوره سالخوردگی با ضعف تدریجی در قوای بدنی، آغاز می‌شود، ولی مرحله اوج توانایی عقلی انسان، به همراه پختگی و تجارب انسان می‌باشد.



دوره کهنسالی، آخرین دوره زندگی انسان است که گاهی با فرسودگی کامل و ضعف مشاعر و اختلال ادراک، نیز همراه می‌شود:

«وَمِنْكُمْ مَنْ يَرُدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُفْرِ لَيْسَ لَا يَعْلَمُ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا»^۱ «و بعضی

از شما را به سن انحطاط پیری، می‌رساند، که هرچه دانسته، همه را فراموش می‌کند».

بنابراین اصل کلی مربوط به مبنای رشد مرحله‌ای عبارت است از:

اصل تناسب

با توجه به ویژگی مراحل زندگی انسان، در شیوه‌های تربیتی، باید اصل تناسب دستورالعمل‌ها با دوران زندگی، مورد توجه قرار گیرد و خداوند هم به این امر عنایت فرموده است:

«لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا»^۲ «خدا کسی را تکلیف نمی‌کند، مگر به قدر

آنچه به او داده است».

بدون در نظر گرفتن این که مربی در کدام مرحله از دوران زندگی به سر می‌برد، و در چه مرحله‌ای از رشد فکری، عاطفی، هیجانی و توانایی‌های اجتماعی و عقلی به سر می‌برد. اجرای روش تربیتی و به کارگیری آن، با موفقیت همراه نخواهد بود.

۱ - نحل/۷۰.

۲ - طلاق/۷.

اصل تناسب، می گوید؛ دستورالعمل های تربیتی، باید با دقت در ویژگی های مخصوص مربوط به مرحله رشدی که متربی در آن بسر می برد، طرح ریزی شده و متناسب با توانایی های فرد، باشد.

روش تربیتی مرحله بندی

با توجه به دوران رشد انسان و مراحل زندگی بشر و با رعایت اصل تناسب روش تربیتی مرحله بندی، باید مدنظر قرار گیرد.

در این روش تربیتی، آموزه ها و تکالیف و انتظارات، باید به تفکیک متناسب با مرحله ای که متربی در آن دوران به سر می برد، بیان گردد. بر صاحبان فکر و اندیشه است که مفاهیم و آموزه های تربیتی را با در نظر گرفتن سن و دوران زندگی متربی، دسته بندی و تقسیم، نموده و خصوصیات روحی و روانی و توانایی های هر دوره، لحاظ شده و انتظارات یا تکالیف نیز متناسب با موارد فوق، تنظیم گردد.

این روش تربیتی نیاز به پژوهش و تلاش جدی در حوزه معارف اسلامی و روان شناسی دارد، تا اندیشمندان دو رشته بتوانند به استخراج و دسته بندی آموزه ها و ویژگی های مربوط به دوران زندگی انسان، پرداخته و با پیوند این دو امر، روش تربیتی دینی موفق، ارائه نمایند.

فصل دوم :

گفتار اول

فضیلت انتظار

فضیلت انتظار

انتظار، در متون و منابع اسلامی، به عنوان برترین عمل، شمرده شده و فضیلتی همسنگ آن، در بیان معصومین(ع)، در هیچ امر دیگری، ذکر نشده است. رسول اکرم(ص)، در این باره، فرمود:

«طوبی لمن ادرك قائم اهل بیته و هو یأتم به فی غیبه قبل قیامه و یتولی اولیاءه و یعادى اعداءه ذلك من رفقایا و ذوی مودتی و اکرم اقتی علیاً یوم القیامه» «خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا، درک کند و قبل از قیام او و در غیبتش، به او اقتدا کرده و دوستان او را دوست داشته باشد و دشمنانش را دشمن، بدارد. چنین کسی، از دوستان و اهل مودت من، بوده و در روز قیامت، از گرامی ترین افراد امتم، نزد من است».

پیامبر گرامی اسلام(ص)، کسانی را که در زمان غیبت، امامت امام زمان(ع)، را پذیرفته و در انتظار او بسر می‌برند، برترین مردم همه‌ی زمان‌ها، معرفی می‌کنند و دلیل این برتری را یکسان بودن حضور و غیبت امام، در ایمان آنان، به امام عصر(ع)، بیان می‌کنند.

«ثم تمتد الغیبه بولی الله عزوجل - الثانی عشر من اوصیای رسول الله صلّ الله علیه و آله و الانعمه من بعده - یا اباخالد ان اهل زمان غیبت القائلین بامامته و المنتظرین لظهوره افضل من اهل کل زمان لان الله تبارک و تعالی - اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفه ما صارت به

۱ - شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.



الغیبة عندهم بمنزلة المشاهدة و جعلهم فی ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بین یدی رسول الله (ص) بالسيف اولئك المخلصون حقاً و شیعتنا صدقاً و الدعاه الی دین الله عزوجل سراً و جهراً^۱ «غیبت دوازدهمین ولی خدا، صاحب عزت و جلال، از سلسله جانشینان رسول خدا (ص) و امامان بعد از او به درازا می کشد. ای اباخالد، آن گروه از مردم، که در غیبت او امامتش را پذیرفته و منتظر ظهور اویند، برترین مردم همه ی زمانها هستند؛ زیرا خداوند، که گرمی و بلند مرتبه است، چنان خرد و شناختی به آنها ارزانی داشته که غیبت، برای آنها همانند مشاهده (و حضور امام) است. خداوند مردم این زمان را به مانند کسانی قرار داده که با شمشیر در پیشگاه رسول خدا، جهاد می کنند، آنها مخلصان واقعی و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به سوی دین خدا، در پنهان و آشکار هستند».

از امام رضا (ع)، درباره فضیلت انتظار و اینکه خدا، هم منتظر است، چنین روایت شده است:

«ما احسن الصبر و انتظار الفرج اما سمعت قول الله عزوجل: ارتقبوا انی معکم رقیب، فانتظروا انی معکم من المنتظرین، فعلیکم بالصبر فانه انما یجی: الفرج علی الیاس...»^۲ «چقدر خوب است، صبر و انتظار فرج آیا نشنیده‌ای که خدای عزوجل فرمود: و در انتظار باشید، که من هم با شما

۱ - شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱.

۲ - محمدتقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲.



منتظرم، پس انتظار بکشید که من با شما از منتظرانم، بنابراین بر شما باد صبر، به درستی که گشایش پس از ناامیدی می آید و...».

همچنین از امام صادق(ع)، نقل از امیرالمؤمنین(ع)، آمده است:

«المنتظر لامرنا كالمشخص بدمه في سبيل الله»^۱ «منتظر امر ما، به سان آن

است که در راه خدا، به خون خود، غلطیده باشد».

امام صادق(ع)، در حدیث دیگری، فرمود:

«من مات منتظراً لهذا الامر كان كفن كان مع القائم في فسطاطه، لابل

كان كالضارب بين يدي رسول الله(ص) بالسيف»^۲ «هر کس، در حال انتظار

این امر، بمیرد، مانند کسی است که در خیمه با حضرت قائم(ع)، باشد، نه بلکه

مانند کسی است که در مقابل رسول خدا(ص)، با شمشیر می جنگد».

مولای متقیان، امیر مؤمنان(ع)، در این باره، فرمود:

«انتظروا الفرج و لا تياسوا من روح الله فان احب الاعمال الى الله

عزوجل انتظار الفرج مادام عليه العبد المؤمن»^۳ «منتظر فرج باشید و از

رحمت الهی، نومید نشوید، چه محبوب ترین اعمال نزد خدای متعال، انتظار فرج

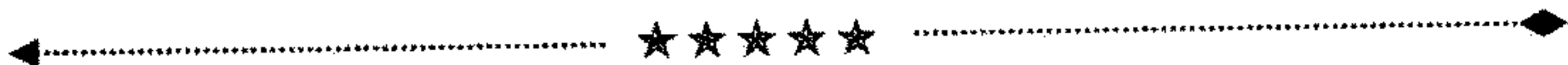
است، تا زمانی که بنده با ایمان بر آن، مداومت ورزد».

در حدیثی از امام سجاده(ع)، آمده است:

۱ - شیخ صدوق، کمال الدین و تمام الدین.

۲ - شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲.

۳ - شیخ صدوق، خصال، بی جا، نشر جاویدان، ۱۳۶۲.



«مَنْ ثَبِتَ عَلَيَّ مَوَالَاتِنَا فِي غَيْبِهِ قَانِمْنَا أَعْمَاءَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ الْفِ

شَهِيدٍ مِنْ شَهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَفْدٍ»^۱ «هر کس، در زمان غیبت قائم ما بر ولایت و دوستی ما، ثابت بماند، خداوند، پاداش هزار شهید از شهدا بدر و احد را به او، عطا می کند».

چنان که ملاحظه گردید، در روایات اسلامی، آن چنان، مقام و منزلتی، برای منتظر ظهور، ذکر شده است که گاه انسان را به تعجب و اطمینان می دارد، که چگونه عملی به ظاهر ساده، از چنین فضیلتی، برخوردار است.

با تأمل، در دسته‌ای از احادیث رسیده، از معصومین (ع)، به راز فضیلت عظمای انتظار پی می بریم.

رسول گرامی اسلام (ص)، درباره جایگاه انتظار، می فرماید:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ [اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ]»^۲ «برترین عبادتها، انتظار فرج است».

و باز می فرمایند:

«أَفْضَلُ الْجِهَادِ [اِقْتِي اِنْتِظَارُ الْفَرَجِ]»^۳ «برترین جهاد امت من، انتظار فرج

است».

امام صادق (ع)، در ضمن سفارش‌های خود به ابوحنیفه فرمود:

۱ - شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱.

۲ - علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، چاپ سوم، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۸۴.

۳ - حسین بن شعبه الحرانی، تحف العقول عن آل الرسول (ص).



«... و افضل الاعمال [انتظار الفرج من الله]»^۱ «...برترین کارها، انتظار

گشایش و فرج از خداست».

با دقت در احادیث فوق، که درباره فضیلت انتظار فرج به سایر اعمال، بیان شده، به نتایج زیر می‌رسیم:

۱- انتظار از جنس «عمل» است، نه فقط حالت نفسانی و غلیان احساس و عاطفه، که هیچ پشتوانه‌ی عملی ندارد.

۲- انتظار فرج، خود «عبادت» بوده و آن هم افضل عبادات است.^۲

۳- انتظار فرج، تنها یک شعار نبوده و از جنس «جهاد» و مبارزه است. آن هم بافضیلت‌ترین جهادها.

چنانکه ملاحظه شد، نمی‌توان، به صرف احساس علاقه و عشق قلبی به امام زمان(ع)، خود را از منتظران ایشان به حساب آورد و مشمول آن همه پاداش و صاحب مقام معنوی که برای منتظرین فرج ذکر شده، دانست، بلکه منتظر واقعی، به مثابه‌ی مبارز جهادگری است، که عابدانه در راه رسیدن به جامعه‌ی مملو از رفاه و عدالت و معنویت می‌جنگد و راه صعب‌العبوری را طی می‌کند. انتظار، در فرهنگ اهل بیت(ع)، با گوشه‌گیری، عافیت‌طلبی، خمودگی، تنبلی و انفعال هیچ میانه‌ای ندارد.

۱ - علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵.

۲ - عبادت عملی است که انسان با تصمیم خود، به نیت نزدیکی و تقرب به خداوند، آن را انجام می‌دهد.



انسان منتظر، باید زره تقوی و پرهیزگاری، بر تن نموده، با کوله‌باری از ایمان و یقین با راهنمایی عقل و دانش، جاده ناهموار انتظار را را توکل به حق طی کند. او باید نقشی در رسیدن به حکومت امام زمان(ع) و تعجیل فرج ایشان، داشته باشد. در طی این راه طولانی و بس پریپیچ و خم، به طور حتم، آفات و خطراتی، وجود دارد. چه بسیار کسانی بودند، که با عشق و علاقه ولی بدون شناخت و تقوای کافی، به بیراهه رفتند، و از امام زمان(ع) و عشق به ایشان، دگانی برای تمتع مادی و منزلت خود، ساختند. از نام امام عصر(ع) و علاقه به ایشان، به کسب آبرو و شأن و مقام برای خود، پرداخته و نه تنها از هدف بازماندند، که در صف دشمنان امام، قرار گرفتند.

انتظار صحیح، انتظاری پویا و متحرک بوده و باید پیوندی بین حرکت و انتظار، برای عمل به تکلیف، برقرار نمود.

همان طور که هر انقلاب و قیامی از دو عنصر تخریب و تأسیس (ایجاد)، تشکیل شده است. در انتظار، هم که خود انقلاب و قیامی بزرگ است، این دو عنصر وجود دارد. یعنی باید به تخریب یا اصلاح آنچه باید تغییر کند، پرداخت و به تأسیس یا ایجاد آنچه می‌خواهیم، تشکیل شود، اقدام نمود. یعنی ظلم را در حد توان، نابود کرده، در جهت اطاعت و بندگی خدا، قدم برداشته، به اصلاح خود و جامعه، پرداخت و عدل و داد و زمینه‌ی بندگی خدا را فراهم نمود. انتظار صحیح، یک



حرکت انقلابی و جهادی و پرتلاش، پر از زحمت و سختی آمیخته با آگاهی و شناخت است.^۱

پس از تبیین مفهوم انتظار حقیقی و تناسب بین آن و فضیلت انتظار، در گفتار آینده، آثار انتظار، بیان می‌شود.

۱ - اقتباس از کتاب انتظار پویا نوشته آیت الله آصفی ترجمه تقی متقی.

فصل دوم

گفتار دوم

آثار انتظار



آثار انتظار

آثار و پیامدهای انتظار، در یک نگاه، به دو بخش آثار دنیوی و آثار اخروی، تقسیم می‌شود، که آثار اخروی، در ضمن فضیلت انتظار، بیان گردید. آثار دنیوی انتظار، به دو قسمت آثار فردی و آثار اجتماعی، قابل تقسیم است. ابتدا به بیان آثار فردی انتظار، می‌پردازیم:

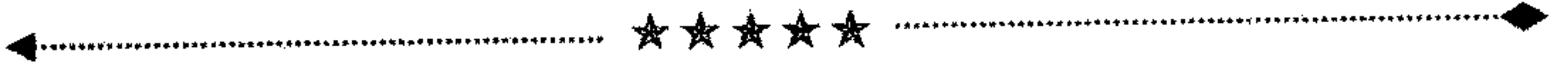
الف - آثار فردی انتظار:

۱- بهداشت روان و امیدواری:

رابطه انتظار و بهداشت روان، مبتنی بر رابطه دین و باورهای دینی با بهداشت روان است. باورهای دینی از طرق، تغذیه روحی، معنابخشی به زندگی، اتصال به منابع قدرت، تخلیه هیجانی و... زمینه‌های آرامش و بهداشت روانی را فراهم می‌کند.^۱

تحقیقات فراوان داخلی و خارجی، این ارتباط را تأیید می‌کند.^۲
تعریف سازمان بهداشت جهانی، از بهداشت روانی، عبارتست از:

۱ - مجتبی تونه‌ای، موعودنامه فرهنگ الفبایی مهدویت، قم، نشر مشهور، ۱۳۸۳.
۲ - تحقیقات خارجی: رابطه مذهب و قدرت مقابله با سرطان نوشته آکلین و همکاران سال ۱۹۸۳ و تأثیر مذهب بر سازگاری و بهداشت روانی نوشته برگین و دیگران ۱۹۸۸ رجوع کنید به آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، مسعود آذربایجانی، ۱۳۸۰.



«بهداشت روانی در درون مفهوم کلی بهداشت جای می‌گیرد و بهداشت، یعنی توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی و جسمی. از این رو، بهداشت، تنها نبود بیماری یا عقب‌ماندگی نیست.^۱»

انسان منتظر که از نعمت ایمان محکم به امامت و ولایت حضرت مهدی (عج) و امید به ظهور ایشان، بهره‌مند است، در حقیقت از دو عنصر مهم در تعریف بهداشت روانی، برخوردار است:

یکی «امید» به آینده روشن، که موجب سلامت روانی و دوری از نومیدی و یأس اوست، و دیگری توانایی ایفای نقش اجتماعی جامعه شیعی، یعنی «انتظار».

زیرا انتظار، بارقه سپیدی، فراروی آینده بشر، بوجود آورده، از یأس و نومیدی او، جلوگیری می‌کند. امید به آینده مملو از عدالت و محبت و معنویت، منشأ حرکت و پویایی، بوده، انسان را از افسردگی و انفعال، باز می‌دارد.

از طرف دیگر، مهم‌ترین نقش اجتماعی شیعه، انتظار فرج مهدی موعود (عج)، می‌باشد، که سرمنشأ سازندگی و انجام تمام تکالیف یک شیعه منتظر است. بنابراین یکی از آثار انتظار، برخورداری از سلامت و بهداشت روانی است.

۲- معرفت و بصیرت:

کسب معرفت، نسبت به وجود مقدس امام زمان (عج)، نخستین گام جهت تحقق انتظار حقیقی است.

امام محمد باقر (ع)، درباره اهمیت شناخت امام زمان، چنین فرماید:

۱ - حمزه گنجی، بهداشت روانی، تهران، نشر ارسباران، ۱۳۷۶.

«من مات و لیس له امام فمیتة میتة جاهلیة و من مات و هو عارف
 لامامهم لن یغیره تقدم هذا الامر او تأخره و من مات و هو عارف لامامه
 كان کفن هو مع القائم فی فسطاطه»^۱ «هر کس در حالی که امامی نداشته
 باشد، بمیرد، مردنش، مردن جاهلیت است و هر که در حال شناختن امامش
 بمیرد، مقدم شدن و یا به تأخیر افتادن آن به او زیان نرساند و هر کس، بمیرد، در
 حالی که امامش را شناخته، همچون کسی است که همراه قائم، در خیمه او
 باشد».

امام صادق(ع)، به زراره، می فرماید: اگر زمان غیبت را درک کردی، این دعا را
 بخوان:

«اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبيک.

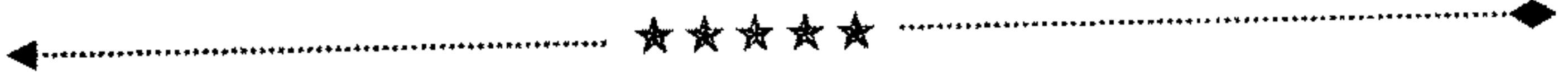
اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک.

اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک، ضللت عن دیني»^۲

«خداوندا! خودت را به من، بشناسان، پس اگر خودت را نشناسانی، پیامبرت را
 نخواهم شناخت. خداوندا! رسولت را به من بشناسان، پس اگر نشناسانی او را،
 حجت تو را نخواهم شناخت. خداوندا! حجت خود را به من، بشناسان، که اگر
 حجت تو را نشناسم، از دین خود، گمراه می شوم».

۱ - شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، چاپ سوم، بی جا، نشر دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۸.

۲ - شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲.



انسان منتظر، امام را مظهر تجلی لطف و حکمت و هدایت الهی می‌داند و مهدی موعود را دوازدهمین و آخرین امام از فرزندان پیامبر (ص) می‌داند، که منجی منتظر و برپاکننده قسط و عدل و داد در سرتاسر گیتی است. او اطاعت از امام زمان خویش را بر خود، فرض و واجب می‌داند.

امام صادق (ع)، در این باره، فرمود:

«و ادنی معرفة الامام انه عدل النبی الا درجه النبوة و وارثه وان طاعته

طاعة الله و طاعة رسول الله و التسليم له في كل امر و الرذ اليه و الاخذ

بقوله»^۱ «کمترین درجه شناخت امام، آن است که او همتای نبوت است، به جز در درجه نبوت و امام وارث پیامبر (ص) است و اطاعت امام، اطاعت خداوند و اطاعت رسول خدا (ص) است.»

بنابر این یکی از آثار انتظار، غفلت‌زدایی از انسان، در پرتو معرفت و شناخت است.

۳- تعالی انگیزه و هدفمندی:

اساس شخصیت انسان، به انگیزه‌های درونی او وابسته بوده، عمل بدون انگیزه متعالی، کالبدی بی‌روح است، که پیوندی با دل و جان عامل آن، نداشته و ثمربخش نمی‌باشد.

هر قدر انگیزه قوی‌تر و مقدس‌تر باشد، عمل و رفتار متعالی و مفیدتری، بروز می‌یابد.

۱ - سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، تهران، نشر بنیاد بعثت، بی‌تا.



در مقوله انتظار، آنچه موجب تقویت انگیزه فرد می‌شود، شناخت و معرفت و بیش اوست.

معرفت، نسبت به امام زمان (عج) (مقام و منزلت ایشان - شدت نیاز به وجود مقدس ایشان، واسطه فیض بودن ایشان)، فضیلت انتظار، آثار انتظار، وظایف و ویژگی‌های منتظر، مفهوم انتظار حقیقی، خصوصیات عصر ظهور و حکومت امام زمان (عج) و برکات آن، همه این آگاهی‌ها به عنوان عوامل تعالی بخش انگیزه، منتظر را به سوی اهداف متعالی انتظار، سوق داده و هدفمند، می‌کند.

پس از بصیرت و آگاهی و تعالی انگیزه، انسان منتظر به منظور رسیدن به هدف متعالی زمینه‌سازی ظهور و قرار گرفتن در صف یاران امام زمان (ع)، آنچه را که در توان دارد، به کار گرفته، با فکر و اندیشه، به برنامه‌ریزی دقیق، برای رسیدن به آمادگی‌های لازم می‌پردازد.

۴- فهم و خردمندی:

فرهنگ انتظار، دارای دو بعد است. هم بعد نظری دارد، هم بعد عملی و رفتاری. منتظر واقعی، به لحاظ نظری، باید بتواند، بین عدالت‌خواهی امام عصر (ع) و همه انبیاء و اوصیاء (ع)، رابطه برقرار نموده و ریشه همه آنها را توحید بداند. به لحاظ عمل و رفتار، باید فکر و اندیشه‌اش، منجر به حرکت، اقدام و حماسه شود.

امام زین‌العالدین (ع)، در بیان علت برتری مردمان زمان غیبت، نسبت به مردم سایر زمان‌ها می‌فرماید:



«لأن الله تعالى ذكره اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفة ما

صارت به الغيبة بمنزلة المشاهدة»^۱ «زیرا خداوند متعال، آن قدر از عقل و اندیشه و دانش به آنان بخشیده، که غیبت در نظر آنان، به منزله مشاهده و حضور در آمده است».

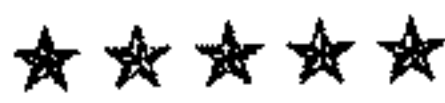
مقام انتظار، نعمت و عطیة الهی است، که به شیعیان منتظر داده شده، و آنان را به چنان درک و تعقل و فهمی رسانده است، که غیبت و حضور امام (ع)، برایشان یکسان بوده و همواره، خود را در محضر امام، می بینند.

بنابر این، عقل گرایی و خردورزی، یکی از آثار مهم انتظار است، که موجب می شود، منتظر با بهره از مکتب اهل بیت (ع) و متون دینی و قدرت فکر و اندیشه، معروف و منکر را در وضع موجود جامعه، شناخته، در راه رسیدن به وضعیت مطلوب و آرمانی (معروف)، تلاش نموده، خود و جامعه پیرامون خود را در جهت آن، تغییر دهد.

۵- پارسایی و تقوا:

رعایت تقوی و پرهیزگاری، یکی از مهم ترین شرایط تحقیق انتظار واقعی است. [پروای الهی، در همه زمان ها لازم و واجب است، اما در دوران غیبت، به خاطر شرایط خاص، اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که در این دوران، عوامل فراوانی دست به هم داده، تا انسان را به بیراهه کشانده، گمراه سازند.

۱ - علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲.



امام صادق(ع) فرمود: «همانا، برای صاحب الامر، غیبتی هست، پس بنده باید تقوای الهی، پیشه نماید و به دین او چنگ زند»^۱

چنانکه خداوند متعال، در قرآن کریم، می فرماید:

«...إِنَّمَا يَتَّقِيَنَّ اللَّهُ مِنَ الْفَاقِقِينَ»^۲ «به درستی، خداوند، از پرهیزگاران می پذیرد».

امام صادق(ع)، نیز آثار انتظار حقیقی را چنین ترسیم می فرماید:

«من سره أن يكون من اصحاب القائم، فلينتظره وليعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر»^۳ «هر کس، علاقه دارد، از یاران حضرت مهدی(ع)، باشد، باید منتظر باشد و در این حال، به پرهیزگاری و اخلاق نیکو، رفتار نماید و چنین کسی، منتظر واقعی است».

۶- عبادت:

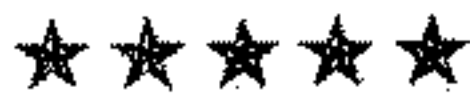
عبادت، نردبان ترقی انسان، برای نیل به کمالات و شایستگی هاست. منتظران با عبادت و بندگی خدا، ایمان، اراده و روحیه خود را تقویت کرده و صفات اخلاقی عالی را در خود، پرورش داده، در انتظار مهدی موعود(ع)، لحظه شماری می کنند. در بخش فضیلت انتظار، حدیثی از حضرت رسول اکرم(ص)، درباره برتری کسانی که

۱ - شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱.

۲ - خدامراد سلیمیان، پرسمان مهدویت، چاپ دوم، قم، نشر شباب الجنه، ۱۳۸۵.

۳ - مائده/۲۷.

۴ - علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳.



در زمان غیبت، امامت امام زمان (ع) را پذیرفته و در انتظار او بسر می‌برند، به مردم همه زمانها، را خواندیم:

«...**افضل من كل زمان...**»^۱ «...برترین مردم همه زمانها هستند...».

امام صادق (ع) نیز برترین مردم را چنین معرفی می‌کنند:

«افضل الناس من عشق العباده فعانفها و احبها بقبله و باشره

بجسده و تفرغ لها فهو لا يبالي على ما اصبح من الدنيا على عسرام عاي

يسر»^۲ «بهترین مردم، کسی است، که عبادت را معشوق خود بداند. با عبادت

معانقه کند و با تمام وجود آن را لمس کند و خود را برای آن فارغ سازد، آن

گاه نگران نخواهد بود که دنیا برای او به سختی می‌گذرد، یا به آسانی».

بنابر این از کنار هم قرار دادن این دو روایت، به این نتیجه می‌رسیم که یکی از

آثار مهم انتظار، عبادت است و بدون عبادت، به مقام عبودیت خدا، نمی‌توان رسید.

۷- صبر و شکیبایی:

صبر و مقاومت و پایداری در مقابل سختی‌ها و دشواری‌های غیبت، از آثار انتظار

و از ویژگی‌های منتظران است.

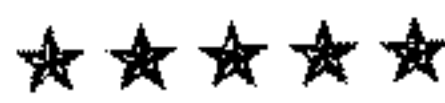
پیامبر اکرم (ص)، در روایتی به اصحابشان فرمودند:

«انکم اصحابی و اخوانی قوم فی آخر الزمان آمنوا و لم یرونی لقد

عرفنیهم الله باسمائهم... لاحد هم اشد بقیه علی دینه من حرما القتاد فی

۱ - شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱.

۲ - شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۸۳ ح ۳.



اللیله الظلما، او کالقباض علی جهر الغضا، اولنک مصابیح الدجیا»^۱ «شما

اصحاب من هستید، لکن برادران من مردمی هستند که در آخرالزمان می آیند، هر یک از ایشان پیش از کندن پوست درخت خار، با دست خالی در شب تاریک یا نگهداری آتش سوزان در کف دست، در دین داری خدا، استقامت و پایداری می ورزند».

رسول مکرم اسلام، در روایت دیگری، خطاب به اصحاب فرمودند:

«سیاتی قوم من بعدکم الرجل الواحد منهم له اجر خمسين منکم قالوا

یا رسول الله نحن کنا معک ببدر و احد و حنین و نزل فینا القرآن فقال

انکم لو تحملوا لما حملوا لم تصبروا صبرهم»^۲ «پس از شما، کسانی می آیند

که بر هر یک از آنان، اجر پنجاه نفر شما را خواهند داد. اصحاب گفتند: ما در عزوات بدر، احد و حنین با شما بودیم و آیاتی درباره ما، نازل شد، پس چرا به آن‌ها، پنجاه برابر ما، ثواب داده می شود؟ حضرت فرمودند: آنان در شرایطی دشوار خواهند بود، که اگر شما در آن شرایط باشید، تحمل و استقامت آنان را نخواهید داشت».

منتظران ظهور با استقامت زاید الوصفی، دشواری های غیبت را تحمل نموده، برای شهادت و از جان گذشتگی، آماده اند.

۱ - علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲.

۲ - همان .



۸- آمادگی:

در تعریف انتظار، به نقل از نویسنده کتاب گرانقدر مکیال المکارم گفتیم: «هر قدر انتظار، شدیدتر باشد، آمادگی و مهیا شدن، قوی‌تر خواهد بود» بنابراین اولاً: بدون وجود عنصر آمادگی، انتظار، بی‌معناست.

ثانیاً: انتظار دارای مراتبی است که همچون عیار نشانه اصالت، خلوص و واقعی بودن انتظار است.

یکی از نشانه‌ها و آثار انتظار فعال و حقیقی، تحصیل آمادگی، برای قیام امام زمان (ع) است. آمادگی همه جانبه‌ای که همه نیازهای ظهور و حکومت امام (ع)، در آن تأمین گردد. چراکه خداوند متعال در قرآن کریم فرمان می‌دهد، هرچه از قوت و توانایی است، فراهم کنید:

«وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^۱ «در برابر دشمن، آنچه توانایی

دارید، آماده سازید».

بدیهی است، که کلمه قوه به معنای همه انواع قدرت و توانایی است، که در پیروزی بر دشمن، مؤثر است و محدود به سلاح جنگی، شمشیر و اسب نمی‌شود، و اعم از نیروهای مادی و معنوی، بوده، متناسب با شرایط زمانی می‌باشد، که به چند مورد از آن اشاره می‌گردد:



الف- آمادگی جسمی:

فرد منتظر، با داشتن برنامه غذایی مناسب و پرهیز از عوامل آسیب‌رسان به سلامت، با داشتن برنامه منظم، تحرک و ورزش، همچون نیروی ویژه، خود را برای مبارزه‌ی جدی قریب الوقوع، آماده، نگاه می‌دارد.

ب- آمادگی دفاعی و رزمی:

منتظر، باید به فنون دفاع شخصی، آشنا بوده و توانایی رزم را در خود، حفظ نموده، خود را برای زمانی که مولایش ندای آسمانی دعوت به حق می‌دهد، آماده کند.

همچنان که، امام صادق(ع) می‌فرماید:

«لِیَعْدَنَ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا»^۱ «همه وظیفه دارند، حتی با تهیه یک تیر، خود را برای خروج امام زمان(ع)، آماده کنند».

ج- آمادگی نظامی:

در آیه شریفه: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَمَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»^۲

فرمان الهی، به مطلق توانایی و قدرت تعالی، گرفته است و متناسب با شرایط زمانی و پیشرفت علم و تکنولوژی، مصداق جدیدی، پیدا می‌کند. در عصر کنونی

۱ - محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، نشر مکتبه الصدوق، بی‌تا.

۲ - مانده/۲۷.



توانمندی‌های تسلیحاتی و نظامی، شکل نوینی، به خود گرفته است و برای حفظ توان مقابله و رویارویی، با دشمن، باید به پیشرفته‌ترین تجهیزات، مسلح بود.

د- آمادگی تکنولوژی و ارتباطی:

عصر حاضر، عصر تکنولوژی‌های پیشرفته و ارتباطات است. مردمی که از این تکنولوژی‌ها بی‌بهره باشند، به عنوان ملتی عقب‌مانده، از پیشرفت لحظه به لحظه علم و صنعت، دور مانده و بی‌خبرند.

خداوند متعال، همچنانکه، فرمان آماده شدن با انواع قدرت و توانایی، در برابر دشمن می‌دهد، رقابت و مسابقه را وسیله تقرب به خداوند متعال، می‌داند.

« وَ الشَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ »^۱ «و پیشی‌گیرندگان،

پیشی‌گیرندگان. آنان مقرب‌اند».

نشر فرهنگ اسلام و عقاید شیعی و از جمله فرهنگ انتظار از طریق تکنولوژی روز و صنعت ارتباطات می‌تواند، دل‌های مردم اقاصا نقاط جهان را برای پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)، آماده کند.

ه- آمادگی برای شهادت:

خدای متعال، درباره وفای به عهد مؤمنان با خود، چنین می‌فرماید:

« مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ مَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ

وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا »^۲ «برخی از مؤمنان، بزرگ‌مردانی هستند،

۱ - واقعه/۱۱.

۲ - احزاب/۲۳.

که به عهد و پیمانی که با خدا بستند، کاملاً وفا کردند. پس برخی بر آن عهد، ایستادگی کردند و برخی به انتظار (شهادت)، مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند».

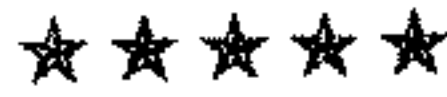
آیه چنان مفهوم وسیعی دارد، که تمام مؤمنان راستین را در هر عصر و هر زمان شامل می‌شود. چه آن‌ها که جامه شهادت در راه خدا، بر تن پوشیدند و چه آنها که بدون هیچ گونه تزلزل، بر سر عهد و پیمان با خدای خویش، ایستادند و آماده جهاد و شهادت بودند.^۱

بنابر روایات بسیاری از ائمه معصومین (ع)، منتظران امر فرج، از بهترین مردمان همه عصرها می‌باشند، بنابر این آماده شهادت بودن، یکی از آثار انتظار حقیقی است؛ چرا که تعلق و دل بستگی به زندگی دنیوی و مظاهر دنیا، آنان را از هدف اصلی، باز نمی‌دارد و در راه ایمان و عقیده تا پای جان، آماده فداکاری و جهادند.

۹- تویی و تبری:

شیعه منتظر، نه تنها از بعد نظری خود را ملزم به اطاعت و پیروی از امام خود، می‌داند، از نظر روحی و عاطفی نیز دل بسته امام خود، بوده و به ایشان عشق می‌ورزد. ولایت مداری و عشق و علاقه خالص به امام عصر (ع)، تمام وجود منتظر را فرا گرفته، دوستان امام را دوست داشته، با دشمنان امام، دشمنی دارد. این علاقه و دوستی که از سوی امام (ع)، نیز به سوی شیعیان، وجود دارد،

۱ - ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۷، چاپ ۳۴، تهران، نشر دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۴،



چنانکه امام رضا(ع)، فرمود:

«الامام الانیس الرفیق و الوالد الشفیق»^۱ «امام، دوست مهربان و پدر

شفقت است».

او را به جایی می‌رساند، که رابطه قلبی دائمی، با امام و مولای خود، داشته، به راز و نیاز و نجوا با ایشان می‌پردازد.

«بنفسی انت من مغیب لم یخل عنا... عزیز علی ان اری الخلق و لا تری

و لا اسمع لك حسیسا و لا نجوی»^۲ «جانم فدای آن امام غایبی که جایش در

میان ما خالی نیست... چقدر بر من جانکاه است که مردم را بینم و تو را نبینم و هیچ گونه صدایی و سخنی از تو بگوשמ نرسد».

انسان منتظر، از حضور امام خویش، غافل نبوده، همیشه احساس حضور در محضر حجت خدا می‌کند و با این احساس حضور به عنوان عامل مصونیت از خطای عمدی خود را موظف به خود نگه‌داری و انجام تکلیف می‌داند.

در این مرحله، پس از حصول همه آثار فردی انتظار و انجام همه آمادگی‌ها، به مقام خالص و ناب انتظار حقیقی می‌توان رسید و در واقع خانه مقصود، اینجاست. کسانی که بدون طی طریق و پشت سر گذاشتن مراحل لازم تنها با احساس علاقه، خود را منتظر می‌دانند، از پائین‌ترین عیار انتظار برخوردار بوده و به انتظار حقیقی، دست نیافته‌اند.

۱ - شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱.

۲ - مفاتیح الجنان، دعای ندبه.



ب- آثار اجتماعی انتظار:

۱- عدالت اجتماعی:

جامعه‌ی منتظر، که افراد، پارسایی را سرلوحه زندگی خود، قرار داده‌اند و خود را برای همراهی با امام زمان (عج)، آماده می‌کنند، دستگیری از ضعیفان و اقتدا به امام خویش، در این امر را با جدیت، دنبال می‌کنند. چنین جامعه‌ای به عدالت اجتماعی، بسیار نزدیک شده، در مقابل مدینه فاضله حکومت مهدی (عج)، مثنی نمونه خروار است.

۲- اقتدار:

جامعه منتظر، به دلیل داشتن هدف مشترک، از وحدت و یکپارچگی و همدلی، برخوردار بوده، که منشأ اقتدار جامعه در ابعاد مختلف است.

الف- اقتدار فرهنگی جامعه منتظر:

انتظار، عامل خودمختاری و استقلال فکری شیعه و تبیین رکن مهم عقیدتی، در بین شیعیان و عامل اقتدار فرهنگی است.

ب- اقتدار سیاسی جامعه منتظر:

جامعه منتظر، با برخورداری از وحدت و همبستگی و استقلال‌طلبی در عرصه‌ی سیاسی، از شأن والایی برخوردار بوده، چنین جامعه‌ای صاحب داشته، در مقابل تهدید و تطمیع و تحریم از خود، ضعف نشان نمی‌دهد و دارای اقتدار سیاسی بی‌نظیری است.



۵- اقتدار نظامی جامعه منتظر:

جامعه منتظر، به فرمان الهی، خود را مجهز به همه توانایی‌های تسلیحاتی نظامی نموده، و از اقتدار نظامی بالایی، برخوردار است. جامعه منتظر، با کسب آمادگی نظامی، خود را برای همراهی با امام منتظر، آماده نگه می‌دارد. چنین جامعه‌ای توان رویارویی، با طاغوت را دارا می‌باشد.

۳- حکومت ولایی

غیبت امام مهدی (عج)، جامعه‌ی انسانی را از فیض حضور معصوم و هدایت‌های مستقیم او در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، محروم کرده است. این مسئله عمل به بسیاری از احکام اسلام را که تنها در سایه‌ی وجود قدرتی قهار، زمینه‌ی عمل می‌یابند، با مشکل، مواجه کرده است... شیعه در زمان غیبت وظیفه دارد، با تشکیل حکومت اسلامی، زمینه‌ی مناسب، برای عمل به همه احکام اسلام را فراهم آورد و حکومت ولایی را تشکیل دهد و فقیه و مجتهد جامع‌الشرایط، رهبری را به عنوان ولی فقیه در رأس این حکومت، قرار دهد. تنها در این صورت است که حاکم اسلامی می‌تواند، اسلام را به طور عمیق و با استدلال و استنباط، بشناسد و در تمام زمینه‌ها، حدود و ضوابط الهی را رعایت کند.^۱

۱ - حسین حجامی، گفتمان مهدویت مقاله‌های گفتمان هشتم، ج ۲، چاپ اول، قم، نشر شباب الجنه، ۱۳۸۶،

فصل سوم :

گفتار اول

وظایف منتظران



وظایف منتظران

وظایف منتظران ظهور، همان بایدها و نبایدهایی است، که افراد منتظر، باید مدنظر داشته باشند و در واقع، تکالیف آنان، برای پیوستن به قافله‌ی منتظران راستین است. از منظر دیگر، می‌توان گفت، وظایف منتظران در حقیقت ادای حقوقی است که هر شیعه از امام زمان (عج)، به گردن دارد.

پس از این مقدمه کوتاه به بیان وظایف و تکالیف منتظران می‌پردازیم:

۱- معرفت و شناخت:

مهم‌ترین وظیفه منتظر، شناخت امام زمان خویش است. در حدیث شریفی، امام صادق (ع) به زراره می‌فرماید: اگر آن زمان را درک کردی، این دعا را بخوان:

«خداوندا! خود را به من بشناسان، که اگر خودت را نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا! پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. خدایا! حجت خود را به من بشناسان، که اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دینم، گمراه خواهم شد...»^۱

از حدیث فوق، دو نکته، به دست می‌آید: اول آنکه شناخت و معرفت را باید از خدا بخواهیم و متوسل شدن به غیر خدا و کسانی که خود، شناخت صحیحی، ندارند، نه تنها هدایت، به دنبال، ندارد، چه بسا، بر گمراهی انسان، بیفزاید.

دوم آنکه؛ بدون شناخت حجت خدا، از دین خود، گمراه می‌شویم.

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲.



بهترین وسیله شناخت حجت خدا، مراجعه به آیات قرآن کریم و روایات رسیده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، است.

در روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)، آخرین حجت الهی، معرفی شده و در برخی از روایات به بیان نام و لقب و سلسله نسب ایشان، پرداخته‌اند.

در بعضی روایات واسطه فیض بودن امام و این که امام غایب همانند خورشید پشت ابر هستند، مطرح شده است. دسته دیگر از احادیث به تفسیر برخی آیات قرآن و تطبیق آیه با وجود مقدس امام زمان (عج)، پرداخته است.

آیات بسیاری نیز اختصاص به حکومت جهانی امام مهدی (عج) و ظهور ایشان دارد.

رسول گرامی اسلام (ص)، فرمود:

«من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»^۱ «هر کس بمیرد و

امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است».

عشق به امام زمان (عج)، آنگاه که به معرفت و شناخت، آراسته گردد، انسان را به

قافله منتظران راستین می‌رساند.

۱ - علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، چاپ دوم، لبنان، نشر مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳



در روایتی از امام صادق(ع)، نقل شده که روزی امام حسین(ع)، بر اصحاب خود، وارد شدند، پس از حمد و درود بر پیامبر(ص) فرمود:

«يا ايها الناس ان الله جل ذكره ما خلق العباد الا ليعرفوه فاذا عرفوه

عبده فاذا عبدوا استغنوا بعبادته عن عباده من سواه فقال له رجل بابي

انت و امي يابن رسول الله ما معرفة الله قال: معرفة اهل كل زمان

امامهم الذي يجب عليهم طاعة»^۱ «ای مردم! سوگند به ذات مقدس

پروردگار، که خداوند بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند. زمانی

که او را شناختند پرستش کنند، هنگامی که او را پرستش کردند، با عبادت و

پرستش او از بندگی غیر او بی‌نیاز گرداند. مردی عرض کرد: پدر و مادرم فدای

شما، ای زاده پیامبر! معرفت خدا چیست؟ فرمود: معرفت اهل هر زمانی نسبت به

امامشان، امامی که طاعت او بر آنان واجب و لام است».

دیگر از راه‌های شناخت امام زمان(عج)، تأمل در فرازهای ادعیه و زیارت‌های

رسیده از معصومین(ع) است. از جمله مفاهیم بلندی که زیارت شریف جامعه و

دعای ندبه و... دارد.

راهی که از امام صادق(ع) در صفحات پیش، بیان گردید، خواندن دعای اللهم

عرفنی نفسک و... برای رسیدن به شناخت امام(ع) و استعانت از خداوند متعال

است. شناخت امام زمان یعنی ایمان به غیب^۲. یعنی همچنان که به بسیاری از غایب

۱ - همان، ج ۵.

۲ - بقره/۴.



از نظرها ایمان و اعتقاد داریم، به وجود امام غایت نیز ایمان داشته و حقوق او را بر خود فراموش ننموده‌ایم. همچنان که غیب و نادیده بودن خدای تعالی از حقوق او بر ما نمی‌کاهد و از وسعت لطف و رحمت لایزالش کم نمی‌کند، غایب بودن امام نیز از هدایت باطنی و واسطه فیض بودن ایشان، ذره‌ای نکاسته و فقط از فیض معاشرت و مشاهده ایشان، محروم هستیم. معرفت امام، یعنی اینکه بدانیم، وجود معصوم واسطه کلیه فیوضات الهی در جهان خلقت است، که یکی از آن فیوضات امان از عذاب و غضب الهی است.

عدم شناخت صحیح ممکنست همانند خوارج موجب بروز عکس‌العمل منفی و عدم تحمل عدالت امام شده و انسان را به انکار امامت و کفر بکشاند.

خورشید امامت، فیض مطلق خدایی است، که سعی دارد، در هر خانه و کاشانه‌ای بتابد و از هر روزنه‌ای وارد شود و آنان که چون تاریک‌خانه، مانع ورود نور می‌شوند، راه نفوذ نور را بسته‌اند و با ایجاد مانع و حجاب بر روح و قلب خویش، از رسیدن فیض الهی، به واسطه امام، محروم شده‌اند.

شناخت امام زمان (عج)، به عنوان واسطه فیض، راه رسیدن به مقام متظران حقیقی را هموار می‌کند.

۲- امام معیار دوستی و دشمنی:

دومین وظیفه منتظر، دوست داشتن دوستان امام و دشمن داشتن دشمنان ایشان است.



امام زمان (عج)، در بخشی از نامه‌ای که به شیخ مفید (رحمة الله علیه) ارسال داشته‌اند، مرقوم فرمودند:

«فلیعمل کل امری منکم بما یقرب به من محبتنا و یتجنب ما ینهینه من

کراهتنا و سخطنا فان امرنا بغتة فجاءه حین لا تنفعه توبه ولا ینجیه من

عقابنا ندم علی حوبه و...»^۱ «هر یک از شما، باید آنچه را که موجب دوستی ما

می‌شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه، موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد،

دوری کند؛ زیرا فرمان به یک‌باره و ناگهان می‌رسد و در آن زمان توبه، برای

کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد».

با معیار تولی و تبری، همه چیز رنگ و بوی امام زمان (ع)، به خود می‌گیرد. وقتی

در همه اعمال و رفتار و افکار، احساس و اندیشه، حتی در تهیه مایحتاج زندگی و

انتخاب دوست و پر کردن اوقات فراغت و... اگر به آنچه امام علاقه دارد، علاقه

داشته باشیم و از آنچه امام از آن بیزار است، دوری کنیم، رایحه‌ی خوش حضور امام

در زندگیمان، به مشام رسیده و حقیقتاً به ریسمان ولایت چنگ زده‌ایم.

۳- تقوی و ورع:

منتظران واقعی، باید متقی و پرهیزکار باشند. امام صادق (ع) فرمود:

۱ - احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲.



«ان لصاحب هذا الامر غيبه فليق الله و ليتمسك بدينه»^۱ «همانا برای

صاحب این امر غیبتی است، پس باید تقوای الهی را پیشه ساخت و متمسک به دین خدا شد».

در روایت دیگری می فرماید:

«من سره ان يكون من اصحاب القائم (ع) فلينتظر وليعمل بالورع و

محاسن الاخلاق و هو منتظر»^۲ «کسی که دوست دارد، از اصحاب و یاران امام باشد، پس باید انتظار کشد، و در اعمال، ورع داشته و دارای اخلاق خوب باشد، در حالی که منتظر است».

ورع نهایت تقوی و بالاتر از آن است. کسی که اهل ورع است، نه تنها از حرام دوی می کند، بلکه از امور مشکوک هم می پرهیزد.

رسیدن به مقام تقوی و ورع از وظایف منتظران راستین است.

۴- انتظار:

یکی از وظایف منتظران ظهور، چنانکه در کلمه منتظر متجلی است، «انتظار» است، یعنی وظیفه منتظر آن است که همواره حالت انتظار و چشم به راه امام بودن را در خود، زنده نگه دارد و مبادا طول زمان غیبت، باعث کم رنگ شدن و زائل شدن حالت چشم‌انتظاری او گردد.

آنهمه فضایل و مناقبی که در مبحث فضیلت انتظار، بیان گردید، همه مربوط به

۱ - محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة.

۲ - همان.



کسی است که حالت انتظار را داشته باشد.

امام صادق (ع)، به نقل از امیرالمؤمنین (ع) فرمود:

«المنتظر لامرنا كالمتشخصاً بذميه في سبيل الله»^۱ «منتظر امر ما، به سان

آن کسی است که در راه خدا به خون خود غلطیده باشد».

اگر شیعه، تمام کمالات را در خود رشد دهد، ولی یقین به وجود امام زمان (عج) و ظهور ایشان نداشته و حالت چشم انتظاری برای ظهور نداشته و به شرایط موجود، قانع و راضی باشد و آرزوی آمدن منجی موعود و برقراری حکومت عدل جهانی را نکند، به مقام بلند انتظار دست نیافته است و نمی تواند، خود را در زمره منتظران امام مهدی (عج) به شمار آورد.

۵- صبوری:

دیگر از وظایف منتظران ظهور، صبر و شکیبایی در برابر سختی ها و بلاها و فتن دوران غیبت است. افزایش انحرافات عصر غیبت، صبر و تحمل بسیاری را می طلبد، تا بتوان گوهر دین و عقیده را حفظ نمود.

حضرت علی (ع)، در این باره فرمود:

«إنا ليغيبن عنهم تمييزاً لأهل الضلالة حتى يقول الجاهل ما الله في

ال محمد حاجه»^۲ «آگاه باشید که امام زمان، غایب می شود، تا گمراهان از صف

۱ - شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲.

۲ - صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، .



مؤمنان، جدا شوند، این غیبت، آن قدر طولانی می‌شود، که جاهلان می‌گویند، خدا با آل محمد کاری ندارد».

در این روایت سخن از گمراهی عده‌ای از شیعیان، در زمان غیبت دارد.

در روایت طولانی از امام صادق(ع) آمده است:

«خداوند، زندگانی قائم ما را مانند سه پیامبر قرار داد: مخفی بودن تولدش، مثل موسی(ع)، غایب شدنش مثل غیبت عیسی(ع) و کندی و تدریجی بودن مقدمات ظهورش، مثل کندی وعده الهی به حضرت نوح(ع) است. سپس آن حضرت، درباره هر کدام از سه پیامبر مفصلاً توضیح می‌دهد، تا به داستان نوح و آزمایش‌های سختی که قوم او شدند، اشاره می‌کند:

اما کندی و تدریجی بودن در رسالت نوح(ع)، از آنجا بود، که وقتی برای قومش درخواست نزول عذاب کرد، خداوند عزوجل جبرئیل را با هفت هسته خرما، به نزدش فرستاد. پس جبرئیل عرض کرد: ای پیامبر خدا! خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: این مردم، مخلوقات و بندگان منند و من نمی‌خواهم آنها را به یک صاعقه از صاعقه‌های عذاب، نابود کنم. مگر پس از این که در دعوت از آنان، تأکید و پافشاری شود و حجت، بر آنها تمام گردد. پس کوشش خود را در هدایت آنان، از سر بگیر، که من اجر و پاداش تو را خواهم داد. تو این هسته‌های خرما را در زمین فرو کن، تا برویند و رشد کنند و کامل شوند. وقتی ثمر داد، گشایش و خلاصی از دست کافران، بر تو مهیا می‌شود. ضمناً این مطلب را به مؤمنانی که از تو تبعیت می‌کنند، بشارت بده. اما هنگامی که درختان پس از گذشت مدت طولانی رویدند، و ساقه و شاخ و برگ و میوه دادند، زمان تحقق وعده الهی فرارسید، خداوند دستور داد، هسته این درختان را یک بار دیگر، در زمین فرو کند، و منتظر بماند و صبر و کوشش و اتمام حجت بیشتری در هدایت مردم از خود، نشان بدهد. پس نوح(ع)،

فرمان الهی را به مؤمنان رساند، اما سیصد نفر از آنان، مرتد شدند و گفتند: اگر ادعای نوح حقیقت داشت، نباید در وعده‌های خدایش تخلفی، صورت می‌گرفت. پس از آن حضرت نوح(ع)، به دستور خداوند، این جریان را چندین بار تکرار کرد، تا به هفت مرتبه رسید و در هر مرتبه، عده‌ای از مؤمنین، مرتد می‌شدند و دست از نوح، بر می‌داشتند. تا این که تعدادشان به ۷۰ و اندی نفر رسید. در این هنگام خداوند، به نوح(ع)، وحی کرد و فرمود: الان روشنی صبح ظاهر گردید و شب تیره به پایان رسید، چون می‌بینی که حق به صورت خالص درآمده و ایمان از هر گونه کدورت و سیاهی، فاصله گرفت، زیرا هر کس که دارای طینت و باطن خبیث و ناخالص بود، مرتد شد.^۱

چنانچه، ملاحظه گردید، یکی از وظایف شیعیان در عصر غیبت، این است که ناامید نشده و همواره به رحمت و فضل الهی امیدوار بوده، با صبر و شکیبایی منتظر تحقق وعده الهی باشند و ایمان خود را به دلیل طولانی شدن غیبت، از دست ندهند. امیرالمؤمنین علی(ع)، می‌فرماید:

«انتظروا الفرج و لا تياسوا من روح الله فان احب الاعمال الى الله

عزوجل انتظار الفرج مادام عليه العبد المؤمن»^۲ «منتظر فرج باشید و از

رحمت الهی، نومید نشوید، چه این که محبوب‌ترین اعمال نزد خدای تعالی انتظار فرج است تا هنگامی که بنده با ایمان بر آن مداومت ورزد».

صائب تبریزی زیبا گفته است:

گرم است آفتاب روز قیامت و لیک نیست سوزنده‌تر ز سایه دیوار انتظار

۱ - علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، چاپ سوم، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۸۴.

۲ - شیخ صدوق، خصال.



۶- نشر فرهنگ مهدویت و جلب دوستی و محبت مردم به امام(ع):

یکی از حقوقی که امام بر گردن شیعیان دارد، جلب دوستی و محبت مردم، به سوی ایشان است.

امام صادق(ع) می فرماید:

«**رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا...**»^۱

«خدا رحمت کند، بندهای را که مودت مردم را به سوی ما بکشاند...».

مودت و محبت، به خاندان عصمت و طهارت(ع)، تنها اجری است که خداوند متعال در مقابل مرارت‌های نبی مکرم اسلام(ص)، در هدایت بشر قرار داده است.

«**قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْفَوْدَةَ فِي الْقُرْبَى**»^۲ «بگو من جز مودت به

خاندان خود، اجری از شما نمی خواهم».

در بیان شریف امام عصر(ع)، نیز آمده است:

«**فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ مُحِبَّتِنَا**»^۳ «پس هر کس از شما،

باید برای نزدیک شدن به محبت ما، کاری کند».

۱ - شیخ صدوق، امالی، چاپ اول، بی جا، نشر موسسه بعثت، ۱۴۱۷ هـ، ص ۱۵۹؛ علامه محمدباقر مجلسی،

بحارالانوار، ج ۲.

۲ - شوری/۲۳.

۳ - علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲.



جلب محبت و دوستی مردم و آشتی دادن مردم با امام مهدی (ع)، کاری برای نزدیک شدن به محبت ایشان و نخستین گام، برای تربیت منتظران ظهور و گسترش فرهنگ مهدویت است.

هر تربیت پایدار و عمیقی بر پایه جلب علاقه و محبت همراه با شناخت و معرفت شکل می گیرد، بر پایه محبت باید به تبلیغ و دعوت مردم به حجت خدا پرداخت.

امام سجاد (ع) فرمود:

«المنتظران لظهوره... الدعاه الى دين الله سرا و جهرا»^۱ «منتظران ظهور

امام عصر... دعوت کنندگان به دین خدا در پنهان و آشکار».

دوری از ولایت و حب امام مهدی (ع)، دوری از همه خوبی ها و کمالات است و کسی که از نعمت ولایت ایشان، برخوردار است، نباید دیگران را فراموش کند و باید در راستای نشر فرهنگ مهدویت، به دیگر مسلمین، اهتمام بورزد.

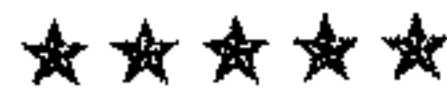
چرا که؛

«من أمتبغ و لم يهتم بامور المسلمين فليس بمسلم»^۲ «هر کس صبح

کند و به امور مسلمین، اهتمام نوزد، مسلمان نیست».

۱ - همان، ج ۵۲.

۲ - شیخ کلینی، کافی، ج ۲.



۷- ارتباط با امام زمان (عج) و دعا برای تعجیل فرج ایشان:

مودت و محبت عمیق به ارتباط می‌انجامد و علاقه بدون تلاش، برای برقراری ارتباط قابل اعتنا نیست. شیعه منتظری که علاقه به امام خویش دارد، باید تلاش کند راهی برای ارتباط با امام خود بیابد.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و صابر باشید و تقوای الهی، داشته باشید، شاید رستگار شوید».

امام صادق (ع)، در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید:

«اصبروا علی اداء الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الائمة»^۲ «بر اداء واجبات صبر کنید، در مقابل مصیبت‌ها صبور باشید و با ائمه رابطه داشته باشید».

برای برقراری رابطه با کسی که مورد علاقه ماست، باید به شرایط محبوب توجه کنیم. مثلاً وقتی با خداوند متعال می‌خواهیم رابطه داشته باشیم، از آن جا که خدا جسم نبوده و با چشم ظاهر قابل مشاهده نیست، نمی‌توان در پی برقراری ارتباط مادی و ملاقات ظاهری با او بود، بلکه با شناختن او، در می‌یابیم که ارتباط با

۱ - آل عمران/ ۲۰۰.

۲ - شیخ کلینی، کافی، ج ۲.



خداوند متعال از نوع ارتباط با عالم ماده نبوده و باید، به عمیق‌ترین ارتباط، یعنی «رابطه قلبی» رسید.

به یقین ارتباط با امام غایب نمی‌تواند ارتباط ظاهری باشد، چراکه حکمت و تدبیر الهی، بر این امر، تعلق گرفته است که از نظرها غایب و پنهان باشد.

در روایات پیشوایان معصوم (ع)، نیز توصیه به برقراری ارتباط ظاهری و ملاقات حضوری نشده و در برخی روایات از آن نهی هم شده است.

اصرار و پافشاری بعضی مشتاقان ملاقات امام عصر (ع)، به دلایل زیر صحیح نیست:

الف- از آنجا که امر الهی به غایب بودن امام مهدی (ع) می‌باشد. اصرار بر تغییر این فرمان الهی با مقام رضا و تسلیم منافات داشته، پسندیده نیست.

ب- معطوف شدن تمام توجه انسان به یافتن راهی برای ملاقات با امام غایب تمام هم و غم منتظر را به خود جلب کرده، او را از انجام وظایف و تکالیف سنگینی که بر عهده منتظران ظهور است، باز می‌دارد.

ج- در عصر حاضر، گروه‌های انحرافی بسیاری از عشق و علاقه مردم به امام زمان (عج) و آرزوی ملاقات با ایشان، دگانی برای مطامع دنیوی خود ساخته‌اند و چه بسا این گونه، علاقمندان بی‌اطلاع، در دام آن شیادان گرفتار شده از مسیر مستقیم باز بمانند.

مشاهده امام، به خودی خود، کمال محسوب نمی‌شود، چه بسا منافقینی که امام را می‌دیدند، ولی او را به شهادت رساندند. خوشا به حال امثال او ایس قرنی که اشتیاق دیدار مولا در وجودشان شعله‌ور است، ولی ادای تکلیف را فراموش



نمی‌کنند. و همین انجام وظیفه و عمل به تکلیف، موجب رضایت الهی و توجه و محبت امام شده، بر مرتبه معنویشان می‌افزاید، گرچه هرگز موفق به دیدار محبوبشان نشوند.

علاقه دو جانبه و مورد تأیید امام زمان (عج) بودن موجب ارتباط روحی و قلبی با امام (ع) می‌شود. برقراری ارتباط روحی نیازمند فراهم نمودن مقدماتی است. کسی که می‌خواهد با خدای متعال و معصومین (ع)، مرتبط شود، باید قبل از هر چیز نفس خود را تهذیب کرده روح خود را از غیر خدا منقطع کند. هرچه انقطاع و بریدن از غیر بیشتر حاصل شود، ارتباط و اتصال با عالم ملکوت بیشتر و عمیق‌تر خواهد بود. این انقطاع، اگر موقتی و لحظه‌ای باشد، ارتباط موقتی و لحظه‌ای برقرار شده و به طور موقت و کوتاه مدت مورد لطف و عنایت مادی و معنوی محبوب قرار می‌گیرد. ولی اگر این انقطاع از غیر، دائمی باشد، موجب برقراری ارتباط دائمی و مستمر با خدای متعال و ائمه معصومین (ع) می‌شود.

انقطاع و ارتباط موقتی، برای همه افراد، از هر دین و مذهبی، قابل تحقق است و دلیلی بر حقانیت مذهب و اعتقادشان نمی‌باشد، چرا که بشر وقتی از اسباب و علل مادی مأیوس شود، برای برطرف شدن مشکلات و برآورده شدن حاجات، به عوامل ماوراء ماده، متمسک می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ فَخَلِّمِينَ لَهُ الَّذِينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ»^۱ «زمانی که سوار کشتی می‌شوند و از همه وسایل قطع



می گردند، خدای متعال را با خلوص کامل می خوانند، ولی وقتی به خشکی باز می گردند، مشرک می شوند».

ارتباطی که باید یک منتظر، با امام خود برقرار کند، از نوع ارتباط موقتی و گاه به گاه نیست، بلکه باید انقطاع و ارتباط دائمی و مستمر داشته باشد، به گونه ای که فرد هیچ گاه در خواب یا بیداری، در مکان شلوغ یا خلوت، شب یا روز، از ذکر و ارتباط با خدا و ائمه، غافل نباشند.

«رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»^۱ «مردانی که هیچ کسب و

تجارتی آنها را از یاد خدا غافل نمی کند».

مهم ترین عامل انقطاع از غیر و ارتباط، انجام واجبات و ترک محرمات است.

امام عصر (عج) فرمود:

«فليعمل كل امرٍ منكم بما يقرب به من محبتنا وليجتنب ما يدنيه من

كراهتنا و سخملنا»^۲ «هر یک از شما، باید در جهت نزدیکی به ما و جلب

محبت ما، کاری کند و باید از آنچه ما از آن کراهت داشته و بیزایم، دوری کند».

چرا که فعل حرام، مورد انزجار و تنفر و خشم امام است و انجام واجبات الهی،

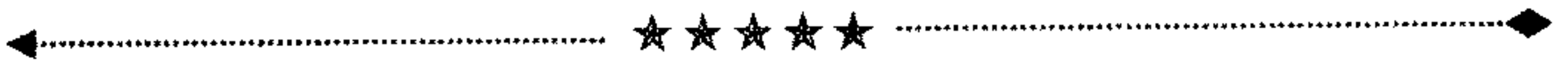
موجب خشنودی و رضایت امام عصر (عج) است. گناه و صفات رذیله حجابی،

ایجاد می کند، که مانع ارتباط است. بنابر این با از بین بردن آنها موانع ارتباط، برداشته

می شود.

۱ - نور/۳۷.

۲ - شیخ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲.



دیگر از راه‌های برقراری ارتباط با امام زمان (عج)، خواندن روزانه و دائمی ادعیه مأثوره، از ائمه اطهار (ع) است، که موجب تجدید عهد و پیمان و مرور روزانه عقاید و معارف ائمه اطهار (ع) بوده، روشی برای اظهار محبت و علاقه به امام است. چنانچه در دعای عهد، می‌خوانیم که، خواندن ۴۰ روز دعای عهد، موجب می‌شود، از یاران و اعوان و انصار امام باشیم، حتی اگر زمان ظهور را درک نکنیم.

حق دیگری که از امام عصر (عج)، بر گردن همه شیعیان است، نصرت و یاری امام (ع) است. یکی از مصادیق یاری امام زمان (عج)، در عصر غیبت دعا برای تعجیل فرج ایشان است.

از آنجا که دعا مقدرات و امور محتوم را هم می‌تواند، تغییر دهد، پس دعا، برای تعجیل فرج ایشان، نصرت و یاری حضرت، محسوب می‌شود.
خود خدای متعالی می‌فرماید:

«قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دَعَاؤُكُمْ»^۱ «بگوا اگر دعای شما نباشد،

پروردگارم به شما اعتنا نمی‌کند».

در کمال‌الدین از احمد بن اسحاق قمی، روایت شده: خدمت حضرت امام حسن عسکری (ع)، رفتم و می‌خواستم که دربارهٔ خَلْف و حجت بعد از ایشان، سؤال کنم. بعد از ذکر فرمایشاتی از ایشان، می‌گوید: «پس ایشان برخواستند و با عجله داخل خانه شدند و در حالتی که بر سر شانهٔ ایشان، پسری که صورت او چون ماه شب چهارده بود، به سن سه سالگی، بیرون آمدند. پس فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر



کرامت تو نزد خداوند و محبت‌های او نبود، برای تو، این فرزند خود را ظاهر نمی‌کردم. نام او، هم‌اسم و هم‌کنیه رسول الله (ص)، می‌باشد و او کسی است که زمین را از عدل و قسط، پر می‌نماید، چنانچه از ظلم و جور پر شده باشد. ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت، مثل خضر و مثل ذی‌القرنین است، به خدا قسم غایب شود، غیبتی که در آن کسی از هلاکت و فتنه‌ها نجات نیابد، مگر کسی که خداوند او را بر اقرار و اعتراف به امامت او ثابت گردانیده باشد و او را بر دعا در تعجیل فرج، موفق فرموده باشد.^۱

بنابر این یکی از ویژگی‌های منتظران، توفیقِ دعا، برای تعجیل فرج امام زمان (ع)، می‌باشد.

خود امام عصر (ع)، می‌فرماید:

«و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فان ذلك فرجکم»^۲ «زیاد برای تعجیل فرج

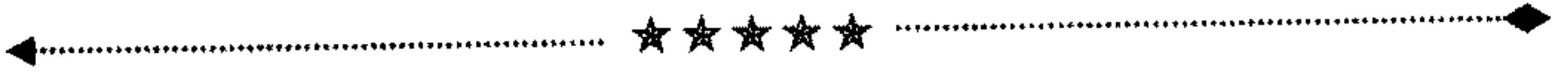
دعا کنید، که این خود، موجب فرج شماست».

از این حدیث شریف، نکات زیر، استفاده می‌شود:

اول: زیادیِ دعا، مورد تأکید است و هر کس با توجه به توان خود موظف به دعا برای فرج حضرت است و اندازه خاصی تعیین نشده است. بنابراین در همه حالات، مکان‌ها و زمان‌ها باید فرج حضرت را از خدا بخواهیم.

۱ - شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱.

۲ - علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲.



دوم: دعای ما گرچه ممکنست به دلیل فراهم نشدن سایر عوامل ظهور، موجب ظهور سریع نگردد، ولی بی تأثیر نبوده، موجب گشایش و فرج برای دعاکننده است. چه بسا، در دعایی اصرار و پافشاری می‌کنیم، ولی به دلایلی زمینه استجاب دعا، وجود ندارد و گرچه به خواسته خود نمی‌رسیم، ولی دعای ما وسیله ارتباط با خدا را بوجود آورده، توجه و لطف خدا، شامل حال ما می‌شود، و در نزد خدا، ذخیره شده، پاداش اخروی دارد.

امام سجاده (ع) فرمود:

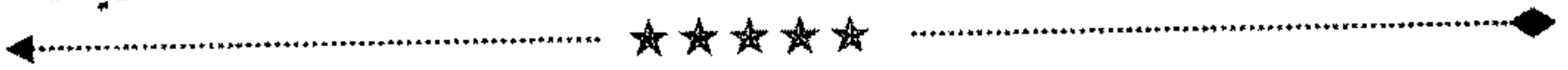
«المؤمن من دعائه على ثلاث: إما أن يدخر له و إما أن يعجل له و إما

أن يدفع عنه بلا. يريد أن يصيبه»^۱ «دعای مؤمن از سه حال خارج نیست؛ یا برایش ذخیره می‌گردد، یا در دنیا برآورده می‌شود، یا بلایی را که می‌خواهد به او برسد، دفع می‌کند».

علاوه بر آنچه بیان گردید، دعای دسته‌جمعی و اصرار بر دعا، همراه توبه و انابه جمعی ممکن است، موجب تغییر امر و اراده الهی گردد. در نجم الثاقب، از شیخ جلیل عیاشی از فضل ابن ابی‌قره، نقل شده که گفت از حضرت صادق (ع)، شنیدم که فرمود:

حق تعالی به حضرت ابراهیم (ع)، وحی فرمود، که به زودی از برای تو از ساره پسر می‌تولد می‌شود. ساره گفت که من پیر زن و عجوزه‌ام. حق تعالی فرمود: بزودی فرزندی آورد و فرزندان آن پسر تا چهارصد سال در دست دشمن

۱ - حسین بن شعبه الحرانی، تحف العقول عن آل الرسول (ص).



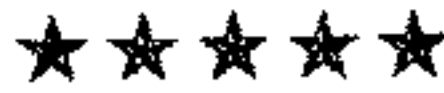
من معذب می گردند به سبب آن که کلام مرا رد نمود. پس چون بنی اسرائیل در دست فرعون مبتلا شدند، تا چهل روز در درگاه خداوند ناله و گریه نمودند، حق تعالی به حضرت موسی و هارون (ع) وحی فرمود، که ایشان را از دست فرعون خلاص گرداند و صد و هفتاد سال از آن چهار صد سال باقی مانده بود که آن را از ایشان برداشت. پس حضرت فرمود؛ اگر شما نیز چنین تضرع و زاری می کردید، حق تعالی فرج ما را مقدر می کرد و چون چنین نکنید، پس به درستی که این امر، به نهایت خود، خواهد رسید.^۱

۸- زمینه سازی و برنامه ریزی:

هر قیام و انقلابی، نیاز به برنامه ریزی و فراهم نمودن پیش ساخت‌هایی دارد. هرچه قیام فراگیرتر و بنیادی تر باشد، نیاز به آماده سازی و برنامه ریزی و طراحی دقیق تر و عمیق تر دارد.

برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) و گسترش عدالت در سرتاسر گیتی، نیاز به بستر و زمینه‌هایی دارد، که باید فراهم شود. بدون تردید، بدون تحقق این پیش ساخت‌ها و زمینه‌ها، برپایی آن تا سالیان دور، به تأخیر خواهد افتاد و چه بسا به دلیل فراهم نشدن اسباب و علل زمینه ساز آن، امر ظهور تا اواخر عمر دنیا به تأخیر افتاده و مدت بهره‌مندی انسان از برکات ظهور بسیار کوتاه گردد.

۱ - محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، تهران، نشر مکتبه العلمیه الاسلامی، بی تا.



رسول خدا (ص) فرمود:

«... لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لا طائل الله ذلك اليوم حتى يخرج

فيه ولدئ المهدي...»^۱ «منتظران ظهور، باید گرد هم آمده، با یک راهبرد

استراتژیک جهت تحقق ظهور طراحی و برنامه‌ریزی عملیاتی انجام دهند».

یقیناً حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، نیازمند به علم و تکنولوژی برتر،

تسلیمات نظامی مدرن، مدیریت کارآمد و استراتژی عملیاتی قوی دارد و با ذکر و

توسل صرف نباید تهیه مقدمات و کسب توانمندیها و آمادگی‌ها را فراموش کرد.

منتظر ظهور، همچنان که به کسب فضایل اخلاقی و دفع رذایل می‌اندیشد، باید

به کسب مهارت‌ها و آمادگی‌های مورد نیاز بیندیشد.

امام صادق (ع) فرمود:

«لَيُعَدَّنَ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَيْتِهِ

زَجَّوَتْ لَأَنْ يَنْسَى، فِي عَمْرِهِ حَتَّى يَدْرِكَهُ [فَيَكُونُ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ الْمَصَارِهِ]»^۲

«باید هر کدام از شما، برای خروج قائم خود را آماده کند، اگرچه با یک تیر.

همانا خداوند وقتی این امر را از نیت او دانست امیدوارم به تأخیر بیدازد عمرش

را تا درک کند، قائم را (تا از اصحاب و یاران او باشد).»

۱ - علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱.

۲ - محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة.



می توان گفت؛ مهم ترین مؤلفه انتظار، کسب آمادگی است، که همه ابعاد زیرا را شامل می شود: آمادگی فکری، فرهنگی، تکنولوژیکی، ارتباطی، کمالات روحی و معنوی،...

هر کس هر چه در توان دارد، باید در فراهم نمودن آمادگی های لازم، برای پذیرش رهبری حجت خدا به کار گیرد، تا هر چه زودتر شاهد ظهور حکومت عدل جهانی باشیم.

فصل سوم :

گفتار دوم

ویژگیهای منتظران

ویژگی‌های منتظران

هر حزب و گروه و دسته‌ای، اساسنامه و شرایط خاصی، برای عضوگیری دارد. برای وارد شدن در جمع منتظران ظهور که همه خوبان عالم در آن عضویت دارند، باید صفات و ویژگی‌هایی را دارا بود. مشخصه‌های منتظران ظهور، شامل موارد زیر است:

۱- امیدواری:

منتظر ظهور امام عصر (عج)، با امید به آینده روشن، هدفمند و خوش‌بین به آینده بوده، از سلامت روانی و روحیه قوی برخوردار است. بزرگترین آرزوی او ظهور است. بنابر این مشکلات و مصایب روزگار باعث اندوه و ناراحتی عمیق او نشده و هیچ امر دیگری آن قدر او را مشغول خود نمی‌سازد، که به اندوه ترس ناامیدی و اضطراب کشیده شود.

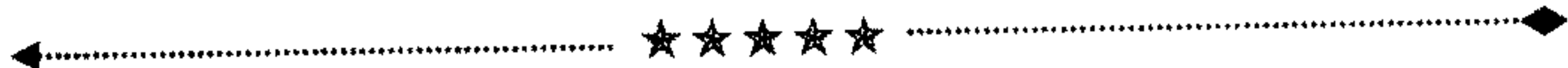
امام صادق (ع) در لوح حضرت فاطمه زهرا (س)، حدیث طولانی مشاهده نمودند، که حال مؤمنین در عهد غیبت در آن آمده بود. فرازی از آن چنینی است:

«طوبی لشیعۀ قائمنا المنتظرین لظهور غیبتہ و المملیعین لہ فی

ظہورہ اولئک اولیاء اللہ الذین لا خوف علیہم و لا هم یحزنون»^۱ «خوشا به

حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبت انتظار ظهور او را می‌کشند و در زمان ظهور از او فرمان می‌برند. آنها کسانی هستند که هیچ گونه ترس و اندوه بر آنها نیست و آنها اولیاء خدا هستند».

۱ - علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲؛ لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، علی الیزدی الحائری، الزام الناصب.



۲- انتخاب آگاهانه:

منتظر، با آگاهی و شناخت به جمع صالحان و منتظران پیوسته است و مقتدا و مولای خود حجت خدا را می‌شناسد.

شناخت حجت الهی، به دنبال آگاهی و معرفت در توحید و نبوت، به عنوان موهبتی الهی، به دست می‌آید. که سفارش شده این معرفت را از خدا بخواهیم:

«اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبيک.

اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک.

اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک، ضللت عن دیني»^۱

«خدایا! خودت را به من بشناسان، که اگر خود را به من شناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا! پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را به من شناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. خدایا! حجت خود را به من بشناسان، که اگر حجت خود را به من شناسانی، از دینم، گمراه خواهم شد.»

۳- عشق و علاقه به امام:

انسان، موجودی کمال‌جو و عاشق خوبی‌هاست. میل فطری بشر، به زیبایی و پاکی و بی‌نقصی است.

شناخت حجت الهی که آیینه تمام‌نمای زیبایی و خوبی و پاکی و کمال و بی‌عیبی است، عشق واقعی را به دنبال می‌آورد. و بجایی می‌رسد که می‌گوید:

۱ - علامه محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲.



«أَنْتِ سَلَامٌ لِمَنْ سَالَمَكَ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكَ وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكَمَ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكَمَ الِیَ یَوْمِ الْقِیَامَةِ»^۱ «من در سلم و صلح، با هر که با شما در صلح است و در جنگ و جهاد، با هر که با شما در جنگ است و دوستم با هر که با شما دوست است و دشمنم با هر که با شما دشمن است، تا روز قیامت».

۴- تقوای الهی:

ویژگی مهم منتظر، پرهیزکاری و ملکه تقواست. چرا که خداوند می‌فرماید:
«...إِنَّمَا یَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِیْنَ»^۲ «به درستی که خداوند، فقط از پرهیزکاران می‌پذیرد».

خداوند به صراحت، در این آیه می‌فرماید، هیچ عملی را بدون تقوا نمی‌پذیرد. بنابراین انتظار نیز که از نوع عمل است، بدون تقوای الهی، مورد قبول خداوند، نخواهد بود.

۵- اخلاص:

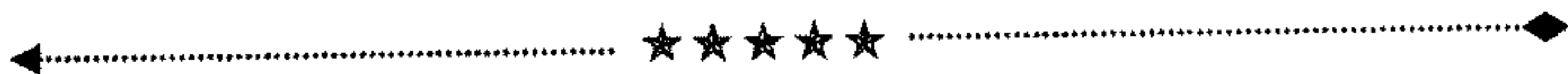
دارا بودن اخلاص ویژگی منتظران راستین است.
 امام هادی(ع)، در این باره، می‌فرماید:

«...فَیَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ یُنْكَرُهُ الْمُرْتَابُونَ...»^۳ «پس آنان که منتظر ظهور اویند، مخلصانند و آنان که انکارش می‌کنند، اهل شک و تردیدند».

۱ - مفاتیح الجنان/زیارت عاشورا.

۲ - مائده/۲۷.

۳ - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱.



اخلاص، رمز قبولی طاعات و عبادات است، چنانکه امام سجاد(ع)، در بیان شریفی می فرماید:

«المنتظرون لظهوره... اولئك المخلصون حقاً و شيعتنا صدقاً»^۱ «آنان که

منتظران ظهور او هستند... آنان، مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما هستند».

بدون اخلاص نمی توان سختی ها و مرارت های دوران غیبت را تحمل نموده، در مقابل فتنه های کمرشکن، مقاومت نمود.

امام باقر(ع) می فرماید:

«يُخْرَجُ بَعْدَ غَيْبِهِ وَ حَيْرَةٍ لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلِي دِينَهُ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ

لِرَوْحِ الْيَقِينِ»^۲ «حضرت مهدی(عج)، پس از غیبت و حیرتی، ظهور می کند، که در

آن جز مخلصین و دارندگان یقین، بر دین، ثابت قدم نمی مانند».

۶- ثبات قدم و شکیبایی:

انجام کارهای دشوار، بدون صبر و شکیبایی، ممکن نیست. انتظار به مثابه ی جاده صعب العبوری است، که بدون پایمردی و ثبات قدم، طی نمی شود.

پیامبر اکرم(ص)، به شکیبایان در غیبت مژده داده است:

«طوبى للمصابرين فى غيبته، طوبى للمقيمين على محبتهم...»^۳ «خوشا به

حال شکیبایان در غیبت مهدی(عج)، خوشا به حال آنان که در راه محبت اهل بیت(ع)، ثابت قدم می مانند».

۱ - همان، ج ۵۲.

۲ - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱.

۳ - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۶.



انسان منتظر، با آنکه آرزو دارد، شاهد ظهور امام خویش بوده، چشمش به جمال ایشان نورانی شود، ولی می‌داند، اگر در حال انتظار بمیرد، همانند کسی است که در خیمه حضرت با ایشان باشد. بنابراین این طول غیبت، صبر او را از بین نمی‌برد.
امام باقر(ع) فرمود:

« من مات و هو عارف لامامه، لم یضره تقدم هذا الامر او تاخر و فن

مات و هو عارف لامامه کان کمن هو مع القائم فی مسلامه»^۱ «هر کس در حالی که امام خویش را می‌شناسد، بمیرد، تقدم یا تاخر ظهور به او ضرر نمی‌رساند و هر کس با شناخت امامش بمیرد، مانند کسی است که با امام در خیمه حضرت باشد».

بنابر این منتظر، در همه حال به امر الهی راضی بوده، در فراغ امام خود، با بی‌تابی، به دام تردید و انکار نمی‌افتد و گوهر انتظار را تا پایان عمر خویش، حفظ می‌کند.

۷- آرزومند فرج امام(ع):

در بخش وظایف، یکی از تکالیف منتظر را دعا برای فرج ایشان برشمردیم. در صورت مداومت بر انجام این وظیفه، ویژگی آرزومندی فرج امام(ع)، در فرد منتظر، بوجود خواهد آمد، به گونه‌ای که در همه آنات و لحظه‌ها از صمیم قلب آن را از خدا می‌خواهد و مهم‌ترین و بزرگ‌ترین آرزویش ظهور حجت بن الحسن(ع) می‌شود و در جهت امثال امر مولایش، زیاد، دعا می‌کند:
چرا که خدا، خود دعا را توصیه نموده است:



« **أدعوني أستجب لكم** ^۱ » بخوانید مرا تا شما را اجابت کنم.»

۸- بیداری توجه و احساس حضور:

انسان منتظر، از خواب غفلت بیدار شده و جایگاه خود را در عالم هستی در محضر حجت الهی، می بیند. احساس حضور در محضر انسان کامل موجب دوری از گناه و خطا شده، تذکر و توجهی همیشگی در جهت اصلاح اوست: امام علی (ع) درباره حضور مؤمنان در محضر امام، می فرماید:

« **ليس يغيب عنا مؤمن في شرق الارض و لا في غيرها** ^۲ » هیچ مؤمنی در

شرق زمین و غیر آن، از ما پنهان نیست.»

منتظر واقعی، این حضور را باور داشته، معتقد است، که اعمال و رفتارش، در منظر امام غایب است.

امام سجاد (ع) فرمود:

« **ان اهل زمان غيبته و القائلين بامامته و المنتظرون لظهوره افضل**

من اهل كل زمان لان الله تعالى ذكره اعطاهم من العقول و الافهام و

المعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة...» ^۳ «همانا اهل زمان

غیبت حضرت مهدی (عج) که به امامتش معتقدند و در انتظار ظهورش هستند، از

مردم همه زمانها بهترند، زیرا خداوند، چنان عقل و فهم و معرفتی به آنان عنایت

فرموده، که غیبت برای آنها به منزله دیدن و حضور اوست...».

۱ - غافر / ۶۰.

۲ - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۶.

۳ - شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱.



احساس حضور، عامل بازدارنده قوی از هر گونه کژی و ناراستی بوده، پرده‌های غفلت را کنار زده، عطر حضور را به مشام می‌رساند.

۹- جهاد مستمر:

منتظرِ ظهور، با برنامه‌ریزی هدفمندی که دارد، در جهت زمینه‌سازی حکومت حق، جهاد و تلاش دائمی دارد.

انتظارِ افقِ روشنِ ظهور، انگیزه قدرتمندی برای مشارکت او، در زمینه‌سازی ظهور و پیوستن به خیل وارثان زمین، ایجاد می‌کند.

انتظاری که پشتوانه‌اش معرفت و آگاهی و عشق به امام باشد، نیرویی سرشار از تقدس و پویایی در منتظر، بوجود می‌آورد و او را برای کسب آمادگی‌های گوناگون جسمی و روحی، علمی و نظامی و تکنولوژیکی برانگیخته، به مثابه جهادگری پرتلاش و خستگی‌ناپذیر، به حرکت درمی‌آورد.

در روایات اسلامی به ضرورت آمادگی برای ظهور تأکید شده است:

ابوبصیر از امام صادق(ع)، روایت می‌کند، که فرمود:

«لَيُعَذِّبُنَّ أَحَدَكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا...»^۱ «هر یک از شما حتی شده یک

تیر، باید برای خروج امام زمان(ع) آماده کند».

۱۰- شهادت‌طلبی:

از دیگر اوصاف منتظران ظهور، آرزوی شهادت است. منتظر ظهور دلبستگی به دنیا نداشته، دنیا را جای ماندن نمی‌داند و دوست دارد، زندگی و مرگش، حیات و ممات محمد(ص) و آل محمد(ص)، یعنی شهادت در راه خدا باشد.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱.



«اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد و مماتی ممات محمد و آل محمد»^۱.

امام صادق(ع) درباره اوصاف یاران امام زمان(ع) می فرماید:

**«رهبان باللیل و لیوث بالنهار هم اطوع له من الأمة لسیدها
کالمصایب کان قلوبهم القنادیل و هم من خشیه الله مشفقون، یدعون
بالشهادة و یتمنون أن یقتلوا فی سبیل الله شعارهم یا لثارات الحسین
اذا ساروا یسیر الرعب امامهم سیره شهر یمشون الی المولی ارسالا، بهم
ینصر الله الحق»^۲** «آنان، پارسایان شب و شیران روزند و در اطاعت و فرمانبرداری
امام خویش، بیش از کنیزی که نسبت به آقای خود، فرمانبرداری است، پافشاری
دارند، آنها مانند چراغهای درخشانند. دل‌های آنان همچون قندیلها روشن و تابنده
است از خوف و خشیت خداوند و اهمه دارند، دعا می کنند که خداوند شهادت را
نصیبشان گرداند و آرزو می کنند که در راه خدا کشته شوند. شعارشان ای
خونخواهان حسین است، همین که به حرکت درآمدند، رعب و وحشت آنها
پیشاپیش به اندازه‌ی مسیر یک ماه، در دل‌های دشمنانشان جای می گیرد. بدین گونه،
به سوی مقصد پیش می روند و خداوند به وسیله آنها امام به حق را پیروز
می گرداند».

متظران ظهور که آرزوی پیوستن به یاران امام زمان(عج) را دارند، شهادت در راه
خدا را بهترین و زیباترین نوع مرگ می دانند.

۱- مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

۲- علامه محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲.



۱۱- احساس مسئولیت، همکاری و همیاری اجتماعی:

منتظر، نسبت به هم‌نوعان خود، بی تفاوت نبوده، با اقتدا به امام خویش، آنچه در توان دارد، در جهت رفع مشکلات مؤمنین، تلاش می‌کند. او روحیه ایثار و گذشت، وحدت و همبستگی داشته، به امت واحد می‌اندیشد. از خودخواهی، جلب منافع شخصی، جنگ قدرت، تفرقه افکنی و سایر رذایل اخلاقی، به شدت دوری می‌کند. آرزوی قلبی منتظر سعادت و رفاه و آسایش همه افراد جامعه است و همه همت خود را در جهت افزایش عدالت و رفع ظلم و ستم بکار می‌بندد.

طول غیبت ممکن است احساس مسئولیت و همیاری اجتماعی او را کم‌رنگ نموده، او را دچار خستگی و بی‌تفاوتی بکشاند. منتظر، با آگاهی از این آفت با تجدید عهد و پیمان روزانه و مستمر با امام خویش، از این امر جلوگیری می‌کند.

«...السلام علیک یا معز المؤمنین المستضعفین، السلام علیک یا

مذل الکافرین المستکبرین الظالمین...» «سلام بر تو ای یاری دهنده مؤمنین

ضعیف و ناتوان، سلام بر تو ای ذلیل کننده کافران متکبر ستم‌کار».

فصل چهارم :

گفتار اول

تربیت نسل منتظره؛

بایسته‌ها و آسیب‌ها

بایسته‌های تربیت نسل منتظر

بایسته‌های تربیت نسل منتظر، در حقیقت بیان راه و روش دستیابی به ارزش‌های انتظار در حیطه عمل و کارکرد می‌باشد. یعنی بیان این مطلب که از چه راه و روشی می‌توان آثار و ارزش‌های انتظار را در افراد جامعه، نهادینه نمود.

با تطبیق مقایسه‌ای بین مبانی، اصول و روش‌های تربیت که در فصل اول، بیان گردید و آثار انتظار، وظایف و ویژگی‌های منتظران که در فصل دوم و سوم بیان شد، می‌توان به این هدف و مقصود نائل گردیده و روش‌های تربیت نسل منتظر را بدست آورد.

به جهت توضیحات مفصل هر کدام از مبانی، اصول و روش‌های تربیت اسلامی و همچنین آثار انتظار، وظایف و ویژگی‌های منتظران که در جای خود بیان گردید، از تکرار و تفصیل مطالب خودداری نموده، تنها به تطبیق مقایسه‌ای و عنوان فهرست‌وار روش‌های استخراجی از مطالب بیان شده اکتفا می‌شود.

۱- امیدواری:

برای رسیدن به این ارزش از ارزش‌های انتظار می‌توان از روش‌های تربیتی زیر استفاده نمود.

الف- معرفت بخشی و اعطای بینش:

با تبیین آموزه‌های انتظار که در متون اسلامی به زیبایی بیان شده است افق روشی از آینده ترسیم شده و موجب امیدواری در منتظر می‌شود. بیان آموزه‌های انتظار بر



اساس اصل تربیتی «تناسب» باید با مرحله سنی که مربی در آن بسر می برد متناسب باشد.

ب- بشارت:

با استفاده از روش تربیتی بشارت و بیان فضیلت‌های انتظار، جایگاه منتظران و پاداش‌های اخروی که برایشان در نظر گرفته شده است موجب امیدواری و بهداشت روانی و نشاط روحی منتظر می شود.

ج- ارائه الگو:

یعنی معرفی الگو و اسوه‌های برگزیده‌ای که با دارا بودن فرهنگ اصیل انتظار و امید به منجی موعود، در سخت‌ترین شرایط و ابتلائات نه تنها از سلامت روانی برخوردار بودند بلکه مایه امیدواری و انگیزه‌بخشی به دیگران نیز بودند. روش ارائه الگو در ایجاد ارزش امیدواری در بین منتظران بسیار مؤثر بوده، الگو بودن خود مربی نیز تأثیر بسزایی در این امر بر عهده دارد.

د- معرفت نفس:

با استفاده از روش معرفت نفس و بیان کرامت ذاتی که خداوند بر اساس آن انسان را آفریده است و مقام خلیفه‌اللهی را به انسان بخشیده است و همه چیز برای هدایت و تکامل او آفریده شده است منتظر درمی یابد که خداوند متعال همه نیازمندیهای او را در نظر گرفته است و راه‌های هدایت به سوی او گشوده است این امر در ایجاد امیدواری بسیار مؤثر است.



هـ- روش جاذبه (محببت):

با جذب عاطفه پیوند عاطفی برقرار شده موجب وابستگی عاطفی، سلامت، نشاط روحی و امیدواری می‌شود.

۲- معرفت و شناخت:

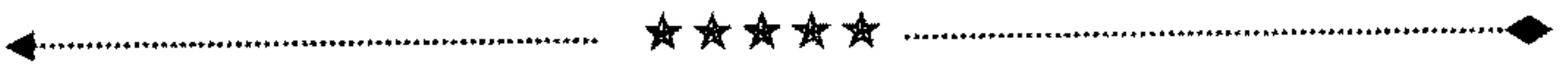
برای دستیابی به ارزش معرفت و شناخت از روش‌های تربیتی زیر می‌توان بهره جست:

الف- معرفت‌بخشی و اعطای بینش:

با استفاده از روش اعطای بینش، نسبت به شناخت امام زمان (عج)، فضیلت‌های انتظار، پاداش اخروی و جایگاه منتظران، وظایف و ویژگی‌های منتظران، معرفت‌بخشی نموده سطح آگاهی و شناخت منتظران را ارتقاء می‌دهیم. برای عملی کردن روش معرفت‌بخشی و اعطای بینش می‌توان از برگزاری کلاس‌های آموزشی و حوزه‌های علمی متناسب با مراحل سنی متربیان و همچنین با استفاده از هنر در قالب نمایش، داستان و قصه‌گویی، استفاده نمود.

ب- تزکیه نفس:

برای دستیابی به معرفت و شناخت که یکی از مهم‌ترین ارزش‌های انتظار است باید به تزکیه نفس و خودسازی و پاک نمودن روح و جان از آلودگی‌ها و رذایل اخلاقی پرداخت چرا که یکی از موانع شناخت و معرفت وجود رذایل اخلاقی، آلودگی‌ها و آفات روحی است.



هـ- شکوفایی عقل و کسب علم:

یکی دیگر از روش‌های تربیتی برای شکوفایی ارزش معرفت و شناخت، روش شکوفایی عقل و کسب علم می‌باشد. این روش در حقیقت زمینه‌سازی و ایجاد شرایط مناسب برای معرفت و شناخت می‌باشد.

خداوند متعال می‌فرماید:

«... مَا يَعْظِلُهَا إِلَّا الْعَالِفُونَ»^۱ «... و درک نمی‌کنند مگر عالمان»

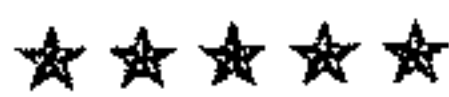
ترغیب منتظران به کسب علم، بخصوص علوم دینی مرتبط با انتظار، در ایجاد ارزش معرفت و شناخت بسیار مؤثر است.

د- ایجاد مسابقه:

برگزاری مسابقات متنوع در جهت افزایش شناخت و آگاهی، روش مفید دیگری است که می‌توان متناسب با موضوع انتظار در ایام مربوطه مانند نیمه شعبان و مناسب‌های مرتبط برگزار نمود. این مسابقات را می‌توان در سطوح و رده‌های مختلف آموزش و پرورش، آموزش عالی و حتی مقالات پژوهشی برتر، برگزار نمود.

۳- تولی و تبری:

تولی و تبری و معیار قرار دادن امام(ع) به عنوان میزان دوستی و دشمنی ارزش بسیار مهمی است که می‌توان با روش‌های زیر آن را احیا نمود.



الف- معرفت‌بخشی و اعطای بینش:

با بیان تولی و تبری و ارزش آن از دیدگاه معصومین(ع) و اعطای بینش در این مورد تا حد زیادی در پیاده کردن این ارزش توفیق حاصل خواهد شد.

ب- تزکیه نفس:

تزکیه نفس و خالی کردن محبت‌های دروغین و غیر الهی از قلب زمینه مناسب برای جایگزین نمودن عشق به امام زمان(ع) و محوریت آن برای دوستی‌ها و دشمنی‌ها را فراهم خواهد نمود.

ج- ارائه الگو:

معرفی الگوها و اسوه‌هایی که عشق به امام در تار و پود وجودشان تنیده شده و عامل رشد و تعالی آنان بوده است و همچنین الگو بودن خود مربی روش مؤثری در شکوفایی این ارزش مهم در منتظران است.

د- بشارت:

بشارت دادن به منتظر که عشق به امام(ع) و محوریت آن برای دوستی‌ها و دشمنی‌ها عامل نجات او از منازل خطرناک دنیوی و اخروی است روش مؤثری در بوجود آمدن تولی و تبری در منتظران است.



۴- تقوای الهی:

بدون تقوی و پارسایی انتظار معنا و مفهومی نخواهد داشت. این ارزش به عنوان اساسی‌ترین ارزش‌های انتظار است و روش‌های تربیتی زیر می‌تواند آن را در منتظران نهادینه کند.

الف- زمینه‌سازی:

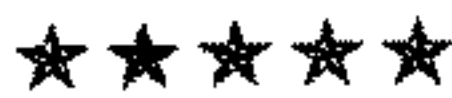
از آنجا که شرایط و موقعیت‌های متفاوت رفتار و حالات متفاوتی را در انسان بوجود می‌آورد، با توجه به روش زمینه‌سازی، می‌توان به پیش‌بینی رفتار مطلوب در زمینه‌های مطلوب و فراهم نمودن آن زمینه‌های مناسب پرداخته و تقوی و پارسایی را تسهیل نمود.

ب- تغییر موقعیت:

این روش تربیتی، در مواقعی که منتظر یا مربی در شرایط نامطلوب تربیتی قرار دارد، باید بکار گرفته شود؛ یعنی به دلیل نامناسب بودن شرایط و زمینه‌های تربیتی موجود، موقعیت خود را تغییر داده و اگر توان مقابله و تغییر شرایط را دارد، در جهت آن اقدام کند و اگر قادر به تغییر شرایط ندارد، به تغییر موقعیت مکانی خود، اقدام نماید.

ج- تظاهر به تقوی و شعائر اسلامی:

برای ترغیب مربی به تقوی و پارسایی روش تظاهر به تقوی و شعائر اسلامی به عنوان روش انگیزش مؤثر می‌باشد. در این روش مربی خود از این روش استفاده



د- ارائه الگو:

ارائه الگوهای برگزیده تقوای در بزرگان و معصومین (ع) و تخلق به اخلاق آنان در خود مربی تا حد توان، عامل مؤثر در نهادینه نمودن تقوی الهی در متربیان است.

ه- بشارت:

روش تربیتی بشارت و تبشیر، عامل ترغیب متربی در جهت پارسایی و تقوای الهی بوده، اجر اخروی و پاداش‌های الهی پارسایان را در مقابل دیدگاه متربی به عنوان عمل تشویق و ترغیب زنده می‌کند.

و- انذار:

روش تربیتی انذار و ترساندن از عقوبت الهی و کیفر بی‌تقوایی، عامل بازدارنده خوبی بوده، موجب بروز ارزش تقوا و پارسایی در منتظر می‌باشد.

ه- عبادت:

دیگر از ارزش‌های انتظار شوق به عبادت می‌باشد، که تجلی عبادت در نماز است. بدون پای‌بندی به نماز و سایر عبادات، انتظار مفهوم حقیقی خود را از دست خواهد داد. روش‌های زیر در ایجاد این ارزش، مؤثرند.

الف- روش معرفت‌بخشی و اعطای بینش:

بیان فوائد و آثار سازنده عبادات از جمله نماز بینش متربی را نسبت به عبادت و نماز افزایش داده و در نهادینه کردن آن اولین قدم محسوب می‌شود.

خداوند متعال فرمود:

«**إِنَّ الْمَلَأَةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ**»^۱ «به درستی که نماز انسان را

از فحشا و منکر، باز می‌دارد».

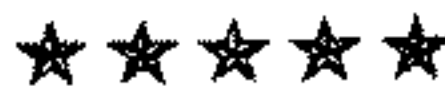
ب- روش زمینه‌سازی:

با استفاده از روش زمینه‌سازی و فراهم نمودن شرایط مناسب و جذاب، برای عبادت، می‌توان، زمینه نهادینه نمودن ارزش عبادت را فراهم آورد. زمینه‌سازی، شامل موارد زیر است:

- ۱- تزئین و جذاب نمودن محل عبادت.
- ۲- قرائت زیبای نماز.
- ۳- خوش‌رویی، هنگام دعوت به نماز.
- ۴- اظهار محبت و تکریم، پس از پایان نماز.

ج- روش ارائه الگو:

با معرفی الگوهای عبادی، در بین بزرگان و معصومین (ع) و همچنین، الگوی عملی مربی، می‌توان، متربیان را به عبادت، ترغیب نمود.



د- روش بیان فرایض:

روش بیان فرایض، نوعی از اعطای بینش و معرفت است، که باید متریبان از واجب و فریضه بودن عبادات، آگاهی یافته و با مداومت و محافظت بر آن، بر مبنای تدریج، به عنوان ملکه عبادت در خود، پرورش دهند.

ه- روش تکلیف در حد وسع:

با استفاده از این روش، توانایی و وسع تربیی با توجه به دوره سنّی و رشد فکری و سابقه عبادی او، در حد وسع او، تکلیف عبادی، تعیین می شود.

و- روش یادآوری نعمت‌ها:

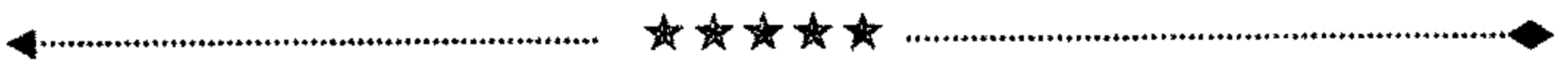
روش یادآوری نعمت‌ها، روحیه شکرگزاری و امتنان از اعطاءکننده نعمت و عبادت را به وجود آورده، روش مؤثری می باشد.

ز- روش نصیحت:

روش نصیحت و موعظه حسنه، نیز موجب یادآوری و تذکر و زنده شدن روح خداجویی در تربیی و گرایش به عبادت می گردد.

ح- روش تظاهر به عبادت و شعائر اسلامی آن:

با اظهار نمودن عبادت و تعظیم شعائر نماز، از طریق اقامه نماز در انظار و جماعت و جمعه، فرهنگ نماز، در جامعه، نشر یافته، زمینه مناسب و ترغیب به نماز، در متریبان ایجاد می گردد.



ب- روش بشارت:

با بیان ثواب و اجر اخروی، که شامل حال عبادت‌کنندگان خواهد شد، مربی، انگیزه و رغبت توجه به عبادت، خواهد یافت.

ی- روش انذار:

پس از روش تبشیر، انذار عقوبت متکبرین، روش مؤثری در روی آوردن به عبادت، محسوب می‌شود.

ک- روش تغافل:

در مواردی که مربی مشاهده می‌کند، مربی به دلایلی، بی‌توجهی، غفلت، ترک موقت و خستگی در عبادت، نشان می‌دهد، با بکار بردن روش تغافل به همراه ترغیب از بروز ترک عبادت و از دست دادن شوق عبادت، پیشگیری می‌نمائیم.

۶- ثبات قدم و شکیبایی:

برای به وجود آوردن ارزش مهم «ثبات قدم و شکیبایی» باید از روش‌های تربیتی استفاده نمود، که از طریق تقویت ایمان و اعتقاد و بالا بردن انگیزه و هدفمندی در منتظران، عنصر صبر و شکیبایی را در منتظران، به حد اعلای خود، برساند. برای رسیدن به این هدف، از روش‌های زیر می‌توان استفاده نمود:

الف- روش معرفت‌بخشی و اعطای بینش:

با استفاده از این روش، ایمان و باور قلبی منتظران را به آموزه‌ها و مباحث مهدویت، که در متون اسلامی، بیان شده است، تقویت نموده، فواید انتظار، فضیلت



انتظار و... را بیان نموده، موجب تعالی انگیزه و در نتیجه صبر و تحمل بالا و ثبات قدم، در منتظر می شود.

ب- روش ابتلاء:

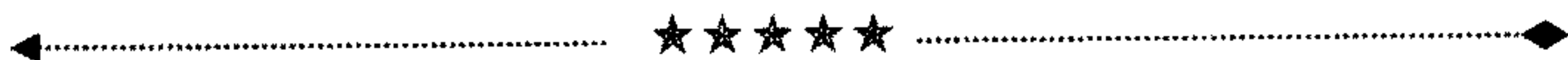
با استفاده از این روش، یعنی قرار دادن در شرایط امتحانی، که صبر و تحمل، لازمه آن است، ثبات قدم و شکیبایی، در منتظران، تقویت می شود. مثل برنامه دوره‌های آموزش نظامی، اردوهای آماده‌سازی و... که نیاز به صبر و تحمل بالا دارد. بدیهی است در نظر گرفته و سع و توان متریان در انتخاب افراد، برای شرکت در این دوره، ضروری است. (تمرینات دوره‌های و انتخاب افراد توانمند).

ج- روش جاذبه (محبت):

با استفاده از جاذبه، محبت و ایجاد عشق و علاقه در مربی، نسبت به امام عصر (عج)، دومین عامل صبر و شکیبایی، فراهم می شود. عامل اولی که منجر به ثبات قدم می شود، ایمان و اعتقاد و عامل دوم، عشق و محبت است. با استفاده از این روش، منتظر به عشق امام زمان خویش، حاضر به تحمل هر گونه سختی و جهاد است.

د- روش تزکیه نفس:

با استفاده از این روش، حب دنیا و دل بستگی‌های زودگذر دنیوی، در فرد از بین رفته، ارزش‌های اصیل او را به سوی کسب فضایل، سوق می دهد. با استفاده از روش تزکیه نفس، برای رسیدن به فضایل انتظار، ثبات قدم و شکیبایی در فرد، تقویت می گردد.



ه- روش مسابقه

روش مسابقه به دنبال روش ابتلاء به شکوفایی و کشف افراد توانمند، کمک می‌کند.

۷- آمادگی:

مهم‌ترین عنصر ارزشی در آموزه انتظار، ایجاد آمادگی در منتظران است. برای نیل به این مقصود، از روش‌های زیر، استفاده می‌کنیم:

الف- روش شکوفایی عقل و کسب علم:

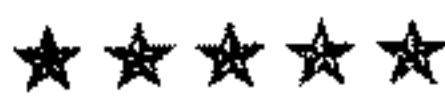
با استفاده از این روش که بر مبنای عقل‌گرایی است، لزوم عقلی کسب آمادگی، برای منتظران را اثبات نموده، عامل مهمی در جهت آمادگی است.

ب- روش معرفت‌پفشی و اعطای بینش:

با استفاده از این روش، به بیان مفهوم صحیح انتظار و بیان مفاهیم و برداشت‌های نادرست از آن به معنای انفعال و... می‌پردازیم. این عمل در ایجاد آمادگی در منتظران، بسیار مؤثر است.

ج- روش زمینه‌سازی:

در روش زمینه‌سازی، زمینه کسب آمادگی‌های مختلف جسمی، دفاعی رزمی، نظامی، علمی، تکنولوژی و ارتباطی را برای منتظران، فراهم می‌آوریم و عملاً آنان را در عرصه ایجاد آمادگی وارد می‌کنیم.



د- روش مرحله‌بندی:

در این روش برای همه دوره‌های سنی مراحل جداگانه و متناسب با شرایط و توانمندی‌های افراد در نظر گرفته، از تکالیف مرحله‌ای استفاده می‌کنیم. این روش نیاز به طراحی و برنامه‌ریزی دقیق با استفاده از اندیشمندان حوزه و روانشناسی دارد.

ه- روش مسابقه:

روش برگزاری مسابقه در تحریک و ترغیب منتظران، برای آمادگی متناسب با شرایط و توانمندی‌های افراد در نظر گرفته، از تکالیف مرحله‌ای استفاده می‌کنیم. این روش، نیاز به طراحی و برنامه‌ریزی دقیق، با استفاده از اندیشمندان حوزه و روانشناسی دارد.

۸- جهاد مستمر:

یکی دیگر از ارزش‌های انتظار، که تجلی آن نشانه انتظار حقیقی است، داشتن روحیه جهادگری دائمی و خستگی‌ناپذیر است.

برای بروز این ارزش، در منتظران، از طرق زیر، استفاده می‌کنیم:

الف- روش معرفت‌بخشی و اعطای بینش:

دادن این بینش، به منتظران، که هر قدر میزان تلاش و جهاد در راه کسب آمادگی، انجام تکالیف و نشر فرهنگ مهدویت در انتظار بیشتر باشد، از جایگاه و مقام و منزلت بالاتری در نزد خداوند متعال و ائمه معصومین (ع) و امام زمان (ع)، برخوردار بوده و سهم بیشتری در ظهور آن حضرت خواهیم داشت، عامل مؤثری در ایجاد روحیه جهادگری و حد اعلای آمادگی در منتظران است.

ب- روش ارائه الگو:

ارائه و معرفی الگوهای جهادی، از بین معصومین (ع) و قهرمانان جهادگری، که تمام عمر خود را در جهت تعالی اندیشه اسلامی و فرهنگ مهدویت و انتظار و پیاده نمودن ارزش‌های انتظار، صرف نمودند. و همچنین، تلاش در جهت الگو بودن مربی به عنوان الگوی مستقیم، در این امر تأثیر بسیار زیادی، خواهد داشت.

ج- روش قصه‌گویی (قصه‌های قرآنی):

بیان داستان‌های عبرت‌آموز قرآنی که حکایت تلاش‌های خستگی‌ناپذیر پیامبران الهی را در راستای هدایت بشر ترسیم می‌کند، با کمک روایات تفسیرکننده آیات مربوطه، عامل ترغیب و تشویق مؤثری در جهت ایجاد روحیه خستگی‌ناپذیری و جهادگری است.

د- روش پیشنهادت:

مژده دادن به این که چه پاداش ارزشمندی در سایه جهاد و مقاومت در انتظار منتظران راستین است، در بروز این ارزش، در منتظران، مؤثر است.

ه- روش معرفت نفس:

با شناخت توانایی‌های بالقوه‌های که خداوند متعال، به انسان ارزانی داشته است، اعتماد به نفس مبتنی بر این شناخت، عامل مؤثری در جهت اکتفا نکردن به فعالیت محدود و اندک، در منتظران است.



۹- روحیه شهادت طلبی:

داشتن روحیه شهادت طلبی، عامل تضمین کننده ارتقاء همه ارزش‌های انتظار، در منتظران است. نداشتن حب دنیا و دلبستگی به زندگی زودگذر مادی و عشق به آرام گرفتن در جوار مقام رضای الهی، موجب تلاش در متخلق شدن به همه ارزش‌های انتظار است. روش‌های زیر، در ایجاد روحیه شهادت طلبی، مؤثر است.

الف- روش تزکیه نفس:

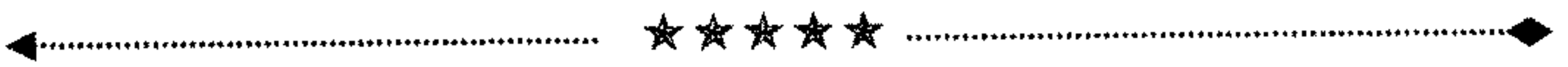
با پاک نمودن جان و روح، از تعلقات و وابستگی‌ها و رذایل اخلاقی و متخلق ساختن به کمالات معنوی، روحیه شهادت طلبی راحت‌تر در منتظر، بوجود می‌آید. حرص به دنیا، حب جاه طلبی، مال و مقام، و همه رذایل روحی و عادات ناپسند انسان را از این روحیه متعالی، باز می‌دارد.

ب- روش معرفت‌بخشی و اعطای بینش:

آگاهی دادن در مورد مقام شهیدان و روز جزا و پایان زندگی و نگرش صحیح، درباره انتقال از دنیا به منزل آخرت، مرگ را در نظر انسان، زیبا نموده، فنا و نیستی نمی‌داند و فضیلت شهید و شهادت و مقام و جایگاه شهید در نزد خداوند و در آخرت، انگیزه خوبی، برای ایجاد روحیه شهادت طلبی و علاقه به این نوع مرگ است.

ج- روش ارائه الگو:

معرفی الگوهای شهادت طلب، سید و سالار شهیدان امام حسین(ع) و همه ائمه اطهار(ع)، که با شهادت از دنیا رفتند و هراس و بیم از شهادت، آنان را به زندگی ننگین و ادار ننمود، عامل مؤثری در ایجاد روحیه شهادت طلبی است. وجود این روحیه در مربی، در این امر تأثیر بسزایی دارد.



۱۰- احساس حضور، دعا برای فرج، ارتباط با امام (عج)

اگر انتظار شیعه به بی صبری، نا امیدی و فراموشی، نگرانی باشد، همیشه احساس می کند، در محضر امام زمان (عج) است، برای فرج ایشان دعا می کند و دنبال راهی برای ارتباط دائمی و بدون انقطاع با امام خویش است. برای ایجاد این ارزش، می توان از روش های زیر، استفاده نمود:

الف- روش معرفت بخشی و اعطای بینش:

در این روش، باید سعی شود، به شناخت ابعاد وجود امام عصر (عج)، جایگاه و مقام ایشان در نظام خلقت، واسطه فیض بودن و هدایت تکوینی ایشان، پرداخته شده، ویژگی های حکومت جهانی امام زمان و برکات ظهور، بیان شود و ثمرات ارتباط با امام (ع) و انقطاع از غیر، بیان گردد. در این صورت، ارزش احساس حضور، در محضر امام، در منتظرین، به وجود آمده، دعا برای فرج ایشان، از اعمال روزانه و مستمر ایشان می شود. و در صدد یافتن راهی برای ارتباط با امام غایب خویش می باشند.

ب- روش زمینه سازی:

با استفاده از روش زمینه سازی، آموزه های مهدویت را در قالب مسائل آموزشی، هنری و اجتماعی در اختیار متربیان قرار داده، جلسات دعا، برای فرج امام زمان (عج) و تبیین راه های ارتباط با امام زمان (عج)، برگزار شده، قدم مؤثری، در جهت بروز ارزش فوق، خواهد بود.



ج- روش ارائه الگو:

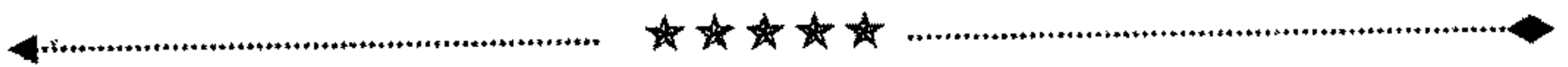
بیان روایات مربوط به معصومین (ع)، که در خصوص امام عصر (عج)، به نقل از رسول مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار، رسیده است، در خصوص جایگاه و موقعیت امام عصر (ع)، فایده امام غایب (ع) و این که اگر آنان محضر امام زمان (عج) را درک می‌کردند، در رکاب حضرت، خدمت می‌نمودند. روش مفیدی برای ایجاد ارزش‌های مربوط می‌باشد. الگو بودن خود مربی نیز در این ارزش تأثیر بسزایی خواهد داشت.

د- روش تزکیه نفس:

اگر بخواهیم جایی برای امام زمان (عج) و آن یگانه آفرینش، در قلب و جان خویش، باز کنیم، باید ابتدا به تزکیه و پاک‌سازی روح و جان پردازیم. یقیناً در وجود انسانی که علف‌های هرز، رذایل اخلاقی و عصیان الهی، سرکشیده است، جایی برای حضور یاد و نام و عشق امام عصر (عج)، باقی نخواهد ماند.

ه- روش بیان فرایض:

برای رسیدن به انقطاع دائمی از غیر و ارتباط با امام عصر و دعا برای فرج ایشان، باید برنامه ثابت و دائمی، داشته باشیم. فریضه و واجب نمودن اجرای این برنامه، بدون هیچ تعطیلی، روشی برای مداومت و محافظت بر این عمل بر مبنای تدریج می‌باشد. زیرا بروز یک خلق و ملکه در انسان، بر مبنای تدریج، نیاز به مداومت، محافظت و فریضه‌سازی آن، عمل دارد. با استفاده از این روش پس از مدتی در شاکله انسان، شکل گرفته و به یک نیاز دائمی و غیرقابل انقطاع، تبدیل خواهد شد.



و- روش جاذبه:

با استفاده از روش جاذبه، از عشق و محبت امام عصر(ع) به شیعیان سخن گفته، علاقه و محبت منتظر را به امام، جلب نموده، این کار، موجب ترغیب او، به دعا و ارتباط با امام عصر(ع) و احساس حضور می شود.

ی- روش مرحله بندی:

با استفاده از روش مرحله بندی، برای ایجاد ارزش مربوطه، باید به مرحله سنی منتظر، توجه نموده و تمام روش های فوق متناسب با رده سنی و توانایی فکری و روحی او، بیان گردد.

در این گفتار سعی شد، تا روش های تربیت نسل منتظر، با استفاده از اصول تربیت اسلامی، برای بروز ارزش های انتظار، به طور جداگانه، بیان گردد. در گفتار پایانی، به بیان آسیب های تربیتی نسل منتظر، خواهیم پرداخت.

فصل چهارم :

گفتار دوم

آسیب‌های تربیتی نسل منتظر



آسیب‌های تربیتی نسل منتظر

در این گفتار، بر آنیم، تا بر اساس مطالب فصول قبل، به بررسی بی‌سامانی‌ها، ناهنجاریها و اختلالات موجود در نظام تربیتی نسل منتظر، پرداخته و انواع آسیب‌ها را مطالعه نمائیم.

برای این منظور، ابتدا علل آسیب‌رسان مهدویت را تقسیم‌بندی نموده و سپس به بیان اشکالات موجود، در حوزه مهدویت، خواهیم پرداخت. در پایان، آسیب‌های تربیتی موجود، در نسل منتظر، بیان می‌گردد.

علل آسیب‌رسان مهدویت در یک تقسیم‌بندی کلی، به علل بیرونی و درونی، قابل تقسیم است.

علل آسیب‌رسان بیرونی:

همه افراد، گروهها، سازمانها و دولت‌هایی که با هدف ضربه زدن و از بین بردن فرهنگ مهدویت، تلاش می‌کنند، علل آسیب‌رسان بیرونی می‌باشند. از آنجا که دشمنان اسلام، مهدویت و آموزه‌های تعالی‌بخش آن را، بزرگ‌ترین تهدید و خطر علیه خود، می‌دانند، مبارزه‌ای جدی و ریشه‌ای بر علیه این فرهنگ اصیل آغاز نموده‌اند.

صهیونیسم و استکبار جهانی، بر اساس برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده، سعی در تحریف و جعل حقایق مهدوی و مخدوش نمودن آن را دارد.

علل آسیب‌رسان درونی:

ضعف‌ها، کوتاهی‌ها و نواقصی که زمینه پذیرش و قبول آسیب‌های مهدویت را به وجود می‌آورند، به عنوان علل آسیب‌رسان درونی، محسوب می‌شوند. در یک بررسی دقیق‌تر خواهیم دید، علل آسیب‌رسان درونی، به دلیل وجود اشکال، در سه بخش؛ ساختار، محتوا و روش کار، در مهدویت، می‌باشد.

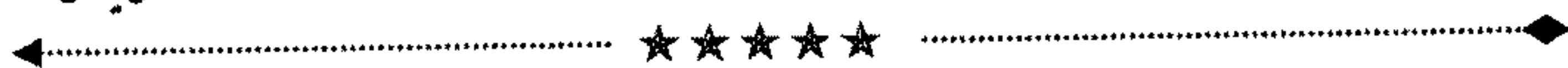
۱- اشکال در ساختار:

اشکالات ساختاری در حوزه مهدویت شامل موارد زیر است:

الف- پراکندگی و عدم تمرکز فعالیت‌های مهدوی و نداشتن متولی واحد و نظام‌مند.

این اشکالات ساختاری، منشأ بروز نواقص زیر است:

۱. عدم وجود وحدت نظر و جامع‌نگری، موجب اختلاف سلیقه، در فکر و عملکرد بین مراکز مختلف می‌گردد.
۲. تک‌روی، سلیقه‌محوری و عدم استفاده از تجارب یکدیگر، موجب هدر رفتن توان فکری و بودجه مراکز مهدوی پراکنده می‌گردد.
۳. در برخی موضوعات، پژوهش‌های متعدد و تکراری، انجام شده و برخی حوزه‌های فکری، مغفول و مجهول می‌ماند.
۴. عدم وجود ساختار و مدیریت واحد و نظام‌مند، موجب کندی، در پیشبرد اهداف مهدوی می‌گردد.



۵. موجب می‌شود، آموزه مهدویت و فرهنگ انتظار، جایگاه حقیقی خود را نیافته، از قوت، نفوذ و اثربخشی بالا، برخوردار نباشد.

ب- عدم وجود نظام جامع آماری و تحقیقات میدانی، در حوزه فعالیت‌های مهدوی:

این اشکال ساختاری، موجب بروز نواقص زیر می‌شود:

۱. برنامه‌ریزی فعالیت‌های مهدوی، از دقت کافی برخوردار نبوده، بر اساس نیازسنجی و شناخت قوت و ضعف‌ها نمی‌باشد.
۲. به دلیل عدم وجود اطلاعات کافی، کنترل صحیحی بر فعالیت‌های مهدوی وجود نداشته، امکان نفوذ و رخنه آسیب‌های بیرونی، به سهولت و راحتی، فراهم است.

ج- عدم وجود نظام جامع ارزیابی و نقد فعالیت‌های مهدوی که از قدرت اجرایی قانونی، برخوردار باشد:

این اشکال ساختاری، نواقص زیر را به دنبال دارد:

۱. از آنجا که نقادی و ارزیابی، عامل پیشگیری از انحراف و خروج از صراط مستقیم و کنترل عوامل تهدید کننده است. عدم وجود چنین سیستم پیشگیرانه‌ای ضریب کارایی سلامت و اطمینان فعالیت‌های مهدوی را کاهش داده، احتمال بروز کجی و ناراستی و انحراف از مسیر مستقیم، افزایش می‌یابد.
۲. بدلیل دروندینی بودن آموزه‌های مهدویت، هر گونه انحراف و رخنه عمدی و برنامه‌ریزی شده، تهدید جدی برای مبانی اعتقادی و دینی، محسوب شده، مجموعه نظام دینی را با خطر، روبرو می‌سازد.

۲- اشکال در محتوا:

اشکالات محتوایی فعالیت‌های مهدوی، شامل موارد زیر است:

الف- نوپا بودن گستردگی مباحث مهدویت:

علی‌رغم تلاش معصومین علیهم السلام، در جهت پایه‌ریزی فرهنگ مهدویت و انتظار، به دلیل خصوصیت ظلم‌ستیزی و عدالت‌محوری فرهنگ مهدویت، این فرهنگ اصیل در زمان حکام جور و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امکان گسترش نیافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و گذر از بحرانهای سیاسی و جنگ تحمیلی، مباحث مهدویت، به عنوان یک فرهنگ نوپا از متون دینی در جامعه اسلامی، مطرح گردید. نوپا بودن فعالیت‌های مهدوی، به تعبیر فوق، موجب شده است، از عمق و محتوای علمی دقیق و متقن، برخوردار نبوده و حتی در نزد کارشناسان مهدویت، مباحث مبهم و حل نشده بسیار زیادی وجود داشته، اختلاف نظر و تعارض عدیده‌ای وجود دارد.

ب- عدم هماهنگی آموزه‌های مهدویت، با مراحل (شد):

متأسفانه آموزه‌ها و مفاهیم مهدویت بدون رعایت تناسب و مرحله بندی سنّی و ویژگیهای روانشناختی و جنسیتی، یکجا، خام و بدون تفکیک عرضه می‌شود و توان هضم و درک بسیاری از آموزه‌ها، برای سنین پائین، وجود نداشته، آسیب‌هایی را به دنبال دارد.

ج- بی‌توجهی به معرفت‌بخش بودن معارف و آموزه‌های مهدویت:

بسیاری از مفاهیم عرضه شده، توان و قابلیت معرفت‌بخشی نداشته، سطحی، غیر مؤثر، بدون پشتوانه دینی و عقلی است. ارائه این قبیل اطلاعات، نه تنها موجب شناخت و معرفت‌گیرندگان اطلاعات نمی‌شود، بلکه احساس بی‌نیازی و غیر ضروری و فرعی بودن مهدویت را در آنان، بوجود می‌آورد.

د- طرح مباحث غیر ضروری:

پرداختن به بحث‌های غیر مهم و گمراه‌کننده، از جمله ملاقات‌کنندگان، ازدواج حضرت، فرزندان، محل سکونت، راه‌های ملاقات و... موجب به حاشیه رانده شدن مباحث بنیادی و فراهم شدن زمینه سودجویی، برای فرصت‌طلبان، می‌شود.

ه- اختصاص بخش اعظم مباحث مهدوی، به بعد احساس و عاطفه:

این امر، موضوع مهدویت، که اعتقادی استوار و بنیادین است، را به یک موضوع احساسی، فرعی و امیدآفرین صرف، تبدیل نموده است. نگاه احساسی صرف به مهدویت، ضعف قدرت فکر و اندیشه و ناتوانایی در تشخیص تحریفات و جعل و انحراف را به دنبال، خواهد داشت.

و- درشت‌نمایی برخی روایات و اماکن منسوب به حضرت:

استناد به روایات ضعیف و غیر معتبر، تنها با هدف جذب مردم، به مهدویت، آسیبی جدی را به دنبال داشته و راه نفوذ و گسترش جریانهای انحرافی را در مهدویت، باز می‌کند.

۳- اشکال در روش:**الف- روش‌مند نبودن فعالیت‌های مهدوی:**

اولین اشکال در روش، عدم وجود نام روشمند مهدوی و امکان بروز سلايق، گرایش‌ها و دیدگاه‌های گوناگون، در عرصه مهدویت و انتظار است.

ب- عدم استفاده از شیوه‌های جذاب هنری:

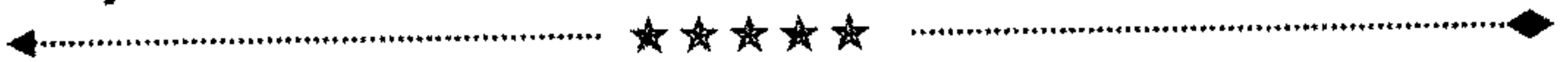
ارائه آموزه‌های مهدویت، با زبان خشک و یکنواخت دور از هنر و جاذبه‌های پیام‌رسانی، در عصری که متد پیشرفته‌ی زیباسازی و جلب توجه، حرف اول را می‌زند، مقبولیت آن را دچار مخاطره می‌نماید.

ج- عدم استفاده از روشهای درونی کردن و نهادینه‌سازی:

جذب موقت با برنامه‌های سطحی و کوتاه مدت، بدون توجه به ریشه‌دار نمودن آموزه‌ها با مبانی عقلی و دینی آسیب گسست و بریده شدن بعدی را در پی خواهد داشت.

د- عدم تناسب روش با مراحل رشد:

ناهماهنگی در این امر موجب می‌شود، گاه مطالب عمیق، برای سنین پائین و بر عکس مطالب بسیار پیش پا افتاده، برای سنین بالاتر، بیان شده و نوعی دلزدگی و دافعه، ایجاد می‌کند.



ه- دیر هنگام بودن آغاز فعالیت‌های مهدوی و نپرداختن به آن از خردسالی:

جامع و شامل نبودن روش‌های انتقال آموزه‌های مهدویت، در همه سنین، بخصوص در خردسالی، یک نوع اشکال در روش است. چرا که انجام فعالیت‌های مهدوی از آغاز تولد، در نهادینه نمودن و ملموس کردن آموزه‌های مهدویت، نقش بسزایی دارد.

اکنون، وقت آن رسیده است که به بیان آسیب‌های موجود در نسل منتظر پردازیم. بدیهی است آسیب‌های تربیتی نتیجه علل آسیب‌رسان بیرونی و درونی و وجود اشکالات طرح شده، در فعالیت‌های مهدویت بوجود آمده است.

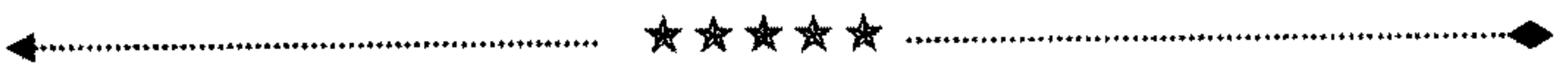
آسیب‌های تربیتی نسل منتظر

۱- فقدان شناخت عمیق و بینش کافی در باورهای مهدویت:

اشکالات محتوایی در فعالیت‌های مهدوی، عامل ایجاد این آسیب تربیتی بنیادی می‌باشد. راهکار پیشنهادی برای برطرف نمودن این آسیب، اولویت دادن به بعد معرفت‌بخشی و اعطای بینش، در فعالیت‌های مهدوی است.

۲- وجود برداشت‌های انحرافی و اعتقادات خرافی:

این آسیب، به دنبال آسیب قبلی، یعنی فقدان شناخت عمیق، بوجود آمده و با فعالیت علل آسیب‌رسان بیرونی، شدت می‌یابد. راهکار مناسب، برای جلوگیری از این آسیب، برطرف کردن اشکالات ساختاری نظیر؛ تشکیل نظام جامع ارزیابی دارای قدرت قانونی و رفع اشکالات محتوایی است.



۳- اساس مهوری و ضعف مبانی فکری و عقلی:

این آسیب، موجب می‌شود، آموزه‌های مهدویت، به عنوان عامل شورآفرین صرف بدون دارا بودن مبانی فکری لازم، مورد تردید، قرار گرفته، دچار شدت و ضعف گردد. راهکار رفع این آسیب، ارائه چارچوب استوار عقلی و فکری، از آموزه‌های مهدویت می‌باشد.

۴- کثرت مشتاقان بی‌عمل:

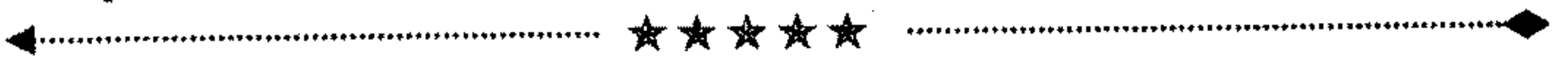
این آسیب، به عنوان نتیجه سه آسیب قبلی، بوجود آمده است. علاقمندان به مهدویت، که خود را بی‌نیاز از عمل می‌دانند، بسیارند. آنان تقوی را به معنای پاکی قلب و شفاعت ائمه را نجات‌بخش از همه گناهان می‌دانند. این برداشت انحرافی، با اجرای راهکارهای گفته شده، در آسیب‌های قبلی، برطرف خواهد شد.

۵- ملاقات‌گرایی، مریدپروری و جویان مدعیان دروغین:

عامل زمینه‌ساز این آسیب، علاوه بر آسیب‌های ۱ و ۲ و ۳، طرح مباحث غیر ضروری و تلاش عوامل آسیب‌رسان بیرونی برای مخدوش کردن مهدویت می‌باشد. راهکار رفع این آسیب، همان راهکارهای گفته شده، در آسیب‌های مربوط و تعمیق باورهاست.

۶- تطبیق نشانه‌های ظهور:

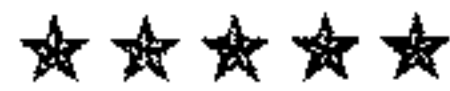
این آسیب، که از طرف عوامل آسیب‌رسان بیرونی، با نوشتن کتاب و تهیه فیلم و... دامن زده می‌شود، شکیبائی و بقاء حالت انتظار منتظران، را نشانه گرفته است و



داشت. راهکار رفع این آسیب، برطرف کردن اشکالات ساختاری، محتوایی و روشی، در فعالیت مهدویت است.

فهرست منابع

- ◆ ★★★★★ ◀
۱. قرآن کریم.
 ۲. آذربایجان، مسعود، جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، ۱۳۸۰.
 ۳. آصفی، محمدمهدی، انتظار پویا، چاپ اول، بی‌جا، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود(عج)، ۱۳۸۳.
 ۴. آکلین و همکاران، رابطه مذهب و قدرت مقابله با سرطان، سال ۱۹۸۳م.
 ۵. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، نشر دارالحياء الكتب العربيه، بی‌تا.
 ۶. ابن ادريس حلی، مستطرفات السرائر، چاپ دوم، بی‌جا، نشر اسلامی، ۱۴۱۱هـ.ق.
 ۷. ابن شعبه، الحرانی، تحف العقول عن آل الرسول(ص)، چاپ دوم، بی‌جا، نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۴هـ.ق.
 ۸. امامی، کاظم، نشریه پیوند، شماره ۲۴۲.
 ۹. امین‌زاده، محمدرضا، فرهنگ و تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ اول، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۶.
 ۱۰. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ ششم، بی‌جا، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۹.
 ۱۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، تهران، نشر بنیاد بعثت، بی‌تا.
 ۱۲. برگین و دیگران، تأثیر مذهب بر سازگاری و بهداشت روانی، ۱۹۸۸م.
 ۱۳. بندریگی، محمد، فرهنگ بندریگی، ج ۱، چاپ اول، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۸.
 ۱۴. بندریگی، محمد، فرهنگ عربی به فارسی، ج ۲، چاپ اول، بی‌جا، انتشارات علمی، ۱۳۷۸.



۱۵. بهشتی، محمد، فرهنگ فارسی صبا، انتشارات صبا، ۱۳۶۹.
۱۶. تونه‌ای، مجتبی، موعودنامه فرهنگ الفبایی مهدویت، قم، نشر مشهور، ۱۳۸۳.
۱۷. حجامی، حسین، گفتمان مهدویت مقاله‌های گفتمان هشتم، ج ۲، چاپ اول، قم، نشر شباب الجنه، ۱۳۸۶.
۱۸. حسینی‌نسب و علی اقدم، اصغر، فرهنگ واژه‌ها تعاریف و اطلاعات تعلیم و تربیت، تبریز، نشر احرار، ۱۳۷۵.
۱۹. سلیمیان، خدامراد، پرسمان مهدویت، چاپ دوم، قم، نشر شباب الجنه، ۱۳۸۵.
۲۰. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج ۲، چاپ نهم، بی‌جا، نشر کتابفروشی اسلام، ۱۳۳۰ شمسی.
۲۱. سید بن طاووس، المحججه لثمره المهجه، نجف، نشر الحیدریه فی النجف، بی‌تا.
۲۲. شفیعی سروستانی، ابراهیم، معرفت امام زمان (عج) و تکلیف منتظران، چاپ اول، تهران، نشر موعود عصر، ۱۳۸۴.
۲۳. شهید اول، الاربعون حدیثا، قم، نشر مدرسه امام المهدی (عج)، ۱۴۰۲ هـ.ق.
۲۴. شیخ صدوق، امالی، چاپ اول، بی‌جا، نشر موسسه بعثت، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۲۵. شیخ صدوق، خصال، بی‌جا، نشر جاویدان، ۱۳۶۲.
۲۶. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، قم: نشر جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۲۷. شیرازی، محمدرضا، نشریه جمهوری اسلامی، شماره ۲۴، ۷۹/۷/۲۸.
۲۸. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، چاپ اول، ناشر مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ هـ.
۲۹. صانعی، مهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ اول، نشر مؤلف، ۱۳۷۵.
۳۰. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۲، قم، نشر جامعه مدرسین، بی‌تا.

۳۱. الطبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، چاپ منشورات دارالنعمان للطباعة و النشر، بی جا، نشر دارالنعمان، بی تا.
۳۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، بی جا، منشورات دارالنعمان للطباعة و النشر، بی تا.
۳۳. عبده، شیخ محمد، نهج البلاغه امام علی (ع)، ج ۴، بیروت، نشر دارالمعرفه بیروت، بی تا.
۳۴. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۲، تهرآن، نشر مکتبه العلمیه الاسلامی، بی تا.
۳۵. القبانچی، سید علی، شرح رساله الحقوق امام زین العابدین، قم، نشر موسسه اسماعیلیان، ۱۰۴۶ھ.ق.
۳۶. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا، دعای ندبه، دعای استغاثه به امام زمان (عج).
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، چاپ سوم، بی جا، نشر دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۸ھ.
۳۸. گنجی، حمزه، بهداشت روانی، تهرآن، نشر ارسباران، ۱۳۷۶.
۳۹. اللیثی الواسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، چاپ اول، بی جا، نشر دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۴۰. المتقی الہندی، کنز العمال، ج ۱۶، بیروت، نشر مؤسسہ الرسالہ بیروت، بی تا.
۴۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳، ۵، ۵۲، چاپ دوم، بیروت، نشر موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ھ.ق.
۴۲. محمدی ری شہری، محمد، میزان الحکمه، چاپ اول، قم، نشر دارالحدیث، بی تا.



۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ترجمہ تفسیر المیزان، ج ۳، چاپ دوم، بی جا، انتشارات دار العلم، ۱۳۴۶.
۴۴. مطہری، مرتضیٰ، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات الزہراء، ۱۳۶۳.
۴۵. معلوف، لوئیس، المنجد، بیروت، مؤسسہ دارالوفاء بیروت، بی تا.
۴۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ چہارم، بی جا، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۰.
۴۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ اول، بی جا، نشر سرایش، ۱۳۸۰.
۴۸. مکارم شیرازی و همکاران، ناصر، تفسیر نمونہ، ج ۱۷، چاپ ۳۴، تهران، نشر دارالکتب اسلامیہ، ۱۳۷۴.
۴۹. موسوی اصفہانی، محمدتقی، مکیال المکارم، ج ۲، چاپ چہارم، بی جا، نشر بدر، ۱۳۷۶.
۵۰. موسوی خمینی، روح اللہ، اربعین حدیث، چاپ بیستم، بی جا، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رہ)، ۱۳۷۸.
۵۱. نعمانی، محمد بن ابراہیم، الغیبہ، نشر مکتبۃ الصدوق، بی تا.
۵۲. الیزدی الحائری، علی، الزام الناصب فی اثبات الامام الغائب، بی جا، بی تا.